

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۲

بخش اول

(فروردین تا شهریور)

پژوهشگاه شورای نگهبان

سرشناسه: جمعی از پژوهشگران
عنوان و نام پدیدآور: مشروح مذاکرات شورای نگهبان، سال ۱۳۹۲، بخش اول (فروردین تا شهریور)
تحقیق و تنقیح جمعی از پژوهشگران.
مشخصات ناشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.
ISBN : 978-600-8378-04-4
۱۳۴ ص.؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: نمایه.
موضوع: شورای نگهبان -- صورت مذاکرات
موضوع: Shoraye negahban -- Publication of proceeding
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ م۹ش/۲۵۱۲ KMH
رده بندی دیویی: ۳۴۹/۵۵۰۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۵۱۴۶۱

مشروح مذاکرات شورای نگهبان سال ۱۳۹۲ بخش اول (فروردین تا شهریور)

تحقیق و تنقیح: جمعی از پژوهشگران به ترتیب حروف الفبا:

حسن افراسیابی، عمار امیری آرانی، محمدحسن باقری، محمدبرزگر خسروی، عباس حسن خانی، سعید رحمانیان، علی زمانیان
جهرمی، حمیدرضا صادقیان، سید محسن طاهری، حسین فاتحی زاده، کاظم کوهی اصفهانی و فهیم مصطفی زاده
پیاده سازی و تنظیم: سید حامد چاوشی، محمدحسن سامع، علیرضا صحت قول نیکی، یاسر مجاهد، رضا نادى زاده و سعید همّت یار

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵ - تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۰۴-۴

قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir

مشروح مذاکرات جلسه ۱۳۹۲/۳/۲۰

مشتمل بر موضوعات زیر:

- ۱) نطق پیش از دستور
- ۲) طرح تأمین کالاهای اساسی برای اقشار آسیب پذیر (اعاده شده از شورای نگهبان)
- ۳) لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور (اعاده شده از شورای نگهبان)
- ۴) طرح اصلاح ماده (۱۹) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران
- ۵) طرح اصلاح موادی از قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (اعاده شده از شورای نگهبان)

تلاوت آیاتی از کلام الله مجید

نطق پیش از دستور

آقای جنتی - بسم الله الرحمن الرحيم. حلول ماه مبارک شعبان، ماه پیامبر عزیزمان، ماه مناجات شعبانیه و اعیاد متبرکه را خدمت شما عزیزان تبریک عرض می‌کنم. در این ماه، میلاد حضرت امام حسین علیه السلام، حضرت ابوالفضل العباس سلام الله علیه، حضرت سجاد علیه السلام و حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را پیش رو داریم. ان شاء الله که خداوند متعال این اعیاد را برای همه شیعیان حضرت علی علیه السلام مبارک بفرماید و ان شاء الله به همه ما توفیق انجام وظایف عبادی ای که در این ماه وارد شده است عطا بفرماید، تا بتوانیم برای ماه مبارک رمضان آماده شویم. آقای علیزاده، لطفاً مصوباتی را که مجلس برای ما فرستاده است، بخوانید؛ مجلس منتظر نظر شورای نگهبان است.

طرح تأمین کالاهای اساسی برای اقشار

آسیب پذیر (اعاده شده از شورای نگهبان)

آقای علیزاده - بسم الله الرحمن الرحيم. طرح تأمین کالاهای اساسی برای اقشار آسیب پذیر که از سوی مجلس به منظور رفع ایرادات شورای نگهبان، فرستاده شده است را بفرمایید [قرائت کنید].

منشی جلسه - «طرح تأمین کالاهای اساسی برای اقشار آسیب پذیر»

(اعاده شده از شورای نگهبان)^۱

ایراد اول شورای نگهبان [در نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳] به این مصوبه، این بوده است: «اگرچه اصل طرح، مطلوب است ولی چون مستلزم بار مالی است و می‌بایست مطابق اصل (۷۵) قانون اساسی^۲ طریق جبران آن معلوم گردد، لذا با توجه به عدم تأمین بار مالی، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.»^۳

ایراد دوم شورا [در نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳] هم به این شرح بوده است: «عبارت «اقشار آسیب پذیر» ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

مجلس شورای اسلامی برای رفع ایرادهای شورای نگهبان، ماده واحده این طرح را به این ترتیب اصلاح کرده است: «ماده واحده - به منظور حفظ امنیت غذایی مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) و سازمان بهزیستی کشور، دولت موظف است در مقاطع سه‌ماهه سبدهای کالایی شامل برنج، روغن و گوشت را تأمین و از طریق دستگاه‌های مزبور توزیع نماید. اعتبار مورد نیاز برای اجرای این قانون از محل سهم دهک‌های

۱. طرح یک‌فوریتی تأمین کالاهای اساسی برای اقشار آسیب‌پذیر در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۷۶/۷۵۶۴۳ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۲ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. این مصوبه، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۲/۳/۸ مجلس، در مرحله‌ی دوم رسیدگی در دستور بررسی شورای نگهبان قرار گرفت که در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۵۰ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۲. اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.»

۳. متن ماده واحده مورد ایراد شورای نگهبان مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۸ به شرح زیر بوده است: «ماده واحده - به منظور حفظ امنیت غذایی اقشار آسیب‌پذیر به‌ویژه خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) و سازمان بهزیستی کشور، دولت موظف است در مقاطع سه‌ماهه سبدهای کالایی شامل برنج، روغن و گوشت را تأمین و از طریق دستگاه‌های مزبور توزیع نماید. اعتبار مورد نیاز برای اجرای این قانون به پیشنهاد وزارتخانه ذی‌ربط در بودجه سالانه کشور منظور می‌گردد. اجرای این قانون نافی پرداخت مستمری ماهیانه به خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) و سازمان بهزیستی کشور نیست.»

آقای مدرسی یزدی - اگر الآن این یارانه را به افراد واقع در این دهک‌ها می‌دهند؛ معنای این مصوبه این است که الآن از سهم آنها کم کنند؛ مثلاً اگر ۴۵ هزار تومان پول می‌دهند، الآن آن را ۴۰ هزار تومان کنند.

آقای علیزاده - بله، البته سهم دهک‌های بالا را کم کنند، نه سهم دهک‌های پایین را.

آقای مدرسی یزدی - آخر دولت همین طوری که نمی‌تواند از سهم دهک‌های بالا کم کند!

آقای علیزاده - پس چطوری کم کنند؟ این مصوبه می‌گوید دولت علاوه بر منظور کردن اعتبار [تأمین کالاهای اساسی برای اقشار آسیب‌پذیر] در بودجه‌ی سالانه، آیین‌نامه‌ی اجرایی آن را هم بنویسد.

آقای مدرسی یزدی - مصوبه نمی‌گوید که دولت از سهم یارانه‌ی دهک‌های بالا کم کند، بلکه می‌گوید [بودجه‌ی تهیه‌ی کالاهای اساسی برای اقشار آسیب‌پذیر] را از سهم آنها تأمین کند.

آقای علیزاده - وقتی در مصوبه می‌گوید از سهم دهک‌های درآمدی بالا؛ یعنی دولت باید از سهم همان‌ها کم بکند.

آقای مدرسی یزدی - نه، در متن مصوبه نوشته که دولت باید از سهم دهک‌های درآمدی بالا کم کند.

آقای سلیمی - البته [درستی حکم ماده واحده] به این بستگی دارد که دولت چقدر می‌خواهد از سهم یارانه‌ی دهک‌های درآمدی بالا بردارد.

آقای علیزاده - خب، اعتبار مورد نیاز [برای تأمین کالاهای اساسی برای اقشار آسیب‌پذیر] چطور باید تأمین بشود تا دولت بتواند [سهم دهک‌های پایین] را افزایش دهد؟

آقای جنتی - نهایت امر این است که مفاد ماده واحده را این‌گونه معنی کنیم که دولت باید به دهک‌های درآمدی بالا یارانه ندهد و در عوض به دهک‌های درآمدی پایین کالاهای ضروری هم بدهد.

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی یزدی - معنای حکم ماده واحده این نیست [که به دهک‌های درآمدی بالا یارانه ندهند و در عوض به دهک‌های درآمدی پایین بدهند]؛ ماده واحده می‌گوید دولت موظف است کالاهای اساسی برای اقشار آسیب‌پذیر را تأمین کند.

آقای علیزاده - نه، ماده واحده می‌گوید یارانه‌ی دهک‌های درآمدی بالا را کم کنید. [همچنین] نوشته است آیین‌نامه‌ی این کار را هم دولت باید بنویسد. متن ماده واحده را تا پایین بخوانید

...

درآمدی بالا از یارانه‌های موضوع قانون هدفمند کردن یارانه‌ها تأمین و در بودجه سالانه کشور منظور می‌شود. اجرای این قانون نافی پرداخت مستمری ماهانه به خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) و سازمان بهزیستی کشور نیست.»

آقای مدرسی یزدی - این «سهم دهک‌های درآمدی بالا از یارانه‌ها» در کجا آمده است؟ به چه شکلی است؟

آقای مؤمن - این موضوع در قانون هدفمند کردن یارانه‌ها آمده است.^۱

آقای علیزاده - در قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، دهک‌های درآمدی از یک تا ده تعیین شده است. این طرح هم می‌خواهد مقداری از سهم دهک‌های مثلاً نهم و دهم به دهک‌های پایین‌تر داده شود.

آقای مدرسی یزدی - اینکه از سهم دهک‌های درآمدی بالا گرفته و به خانوارهای دهک‌های پایین داده شود، در قانون آمده است؟

آقای علیزاده - بله، ما [در بحث یارانه‌ها] ده دهک داریم. منتها همین ماده واحده گفته است کم کردن از دهک‌های بالا در بودجه هم بیاید و دولت همین طوری، سهم آنها را کم نکند. در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی ده دهک تعریف شده است. این مصوبه می‌گوید مقداری از سهم دهک‌های درآمدی بالا به دهک‌های پایین داده شود؛ مثلاً اگر کسانی در دهک شش به بعد قرار دارند، از سهم آنها مقداری یارانه کم کنند و به نسبت، به مشمولان این مصوبه بدهند؛ منتها این مصوبه می‌گوید این میزان در بودجه‌ی سالانه منظور شود و آیین‌نامه اجرایی آن هم به تصویب هیئت وزیران برسد. در واقع همه‌ی اختیارات انجام این کار به دولت واگذار شده است.

آقای مدرسی یزدی - این یارانه‌ها الآن [به دهک‌های بالا] پرداخت می‌شود یا خیر؟

آقای علیزاده - بله، پرداخت می‌شود.

۱. ماده (۷) قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵: «ماده ۷- دولت مجاز است حداکثر تا پنجاه درصد (۵۰٪) خالص وجوه حاصل از اجراء این قانون را در قالب بندهای زیر هزینه نماید:

الف- یارانه در قالب پرداخت نقدی و غیرنقدی با لحاظ میزان درآمد خانوار نسبت به کلیه خانوارهای کشور به سرپرست خانوار پرداخت شود.

ب- ...»

تبصره (۳) ماده (۷) آیین‌نامه اجرایی ماده (۷) قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۹/۱/۳۱ هیئت وزیران (اصلاحی ۱۳۸۹/۱۰/۷): «تبصره ۳- میزان پرداخت نقدی و غیرنقدی به هر یک از دریافت‌کنندگان یارانه به تفکیک خانوارهای کم‌درآمد، درآمد متوسط و درآمد بالا (پس از شناسایی) به پیشنهاد سازمان به تصویب مجمع عمومی سازمان مزبور می‌رسد.»

نیاز برای تأمین کالاهای اساسی برای اقشار آسیب‌پذیر را تأمین کند.

آقای مدرس‌یزدی - ما قبول نداریم که [اصلاحات به عمل آمده، نظر شورای نگهبان را در خصوص تأمین بار مالی این مصوبه] تأمین کرده باشد.

آقای علیزاده - خب، تا آخر این مصوبه را بخوانیم، بعداً آیین‌نامه را هم بخوانیم ...

منشی جلسه - [ادامه‌ی متن ماده واحده به این شرح است: «... اجرای این قانون نافی پرداخت مستمری ماهانه به خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور نیست.

تبصره - آیین‌نامه اجرایی این قانون توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور تهیه می‌شود و حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

آقای علیزاده - در تبصره گفته است که هیئت وزیران [در آیین‌نامه‌ی اجرایی این قانون] ترتیبش را بدهد و بگوید که چقدر از سهم یارانه‌ی دهک‌های درآمدی بالا [برای تأمین اعتبار اجرای این مصوبه] کم بشود.

آقای جنتی - این اشکال حاج آقای مدرس‌یزدی واقعاً اشکالی نیست که بشود به واسطه‌ی آن به این مصوبه ایراد بگیریم؛ چون دست آخر این است که شما بگویید ما نمی‌دانیم طبق این مصوبه، دولت می‌خواهد سهم یارانه‌ی دهک‌های بالا را کم بکند یا اصلاً حذف بکند.

آقای علیزاده - یا حتی آن را زیاد کند.

آقای جنتی - در هر صورت، کم یا زیاد شدن سهم دهک‌های بالا به ما ربطی ندارد؛ در عمل باید توسط دولت انجام شود.

آقای علیزاده - مصوبه به دنبال حذف [یارانه‌ی دهک‌های بالا] که نیست.

آقای مدرس‌یزدی - بنده نسبت به این مصوبه، رأی مخالف دارم؛ چون [موضوع بار مالی این مصوبه] برای من حل نشده است. [مفاد این مصوبه] فقط یک تیر به تاریکی انداختن است. دهک‌های درآمدی بالا خودشان از یارانه‌ها سهم دارند و لذا اگر بنا است سهم آنها را ندهند، قانون باید به این موضوع تصریح کند [که چنین چیزی در این مصوبه، تصریح نشده است]؛ اما اگر قرار است همچنان سهم یارانه‌ی دهک‌های بالا کم‌افی‌السابق به

آقای مدرس‌یزدی - شما می‌گویید دولت باید از سهم دهک‌های درآمدی بالا کم کند. ماده واحده هم می‌گوید اعتبار لازم برای تأمین کالاهای اساسی برای اقشار آسیب‌پذیر باید از محل سهم دهک‌های درآمدی بالا از یارانه‌های موضوع قانون هدفمند کردن یارانه‌ها تأمین شود؛ در حالی که یارانه‌ی این دهک‌ها طبق قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در حال پرداخت شدن است. پس چطور می‌توان از یارانه‌ی آنها کم کرد؟

آقای یزدی - منظور مصوبه همین است دیگر [که از سهم یارانه‌ی دهک‌های درآمدی بالا کم و به دهک‌های پایین داده شود].

آقای مدرس‌یزدی - هدفمند کردن یارانه‌ها، قانون دارد. طبق آن قانون، گفته شده که به دهک‌های درآمدی بالا هم یارانه پرداخت شود. بنابراین الآن هم باید یارانه‌ی آنها پرداخت شود.

آقای علیزاده - خب، این مصوبه [= تأمین کالاهای اساسی برای اقشار آسیب‌پذیر] هم قانون است.

آقای مدرس‌یزدی - نخیر، اینکه معنا ندارد. اگر ماده واحده گفته بود دولت از سهم دهک‌های درآمدی بالا کم کند، [حرف شما] درست بود؛ اما ماده واحده گفته است که [هزینه‌ی تهیه‌ی کالاهای اساسی برای اقشار آسیب‌پذیر] از سهم دهک‌های درآمدی بالا تأمین بشود.

آقای علیزاده - ما از این ماده واحده این را می‌فهمیم که باید از سهم یارانه‌ی دهک‌های درآمدی بالا کم کنند.

آقای مدرس‌یزدی - نه، [مقنن] واقعاً این موضوع [تأمین هزینه‌ی تهیه‌ی کالاهای اساسی برای اقشار آسیب‌پذیر] را حل نکرده است.

آقای جنتی - نه، یا باید یارانه‌ی دهک‌های بالا را ندهند یا آن را کم کنند.

آقای مدرس‌یزدی - ما بحث تأمین هزینه‌ی اجرای این مصوبه را همچنان دارای اشکال می‌دانیم، حالا شما خودتان می‌دانید.

آقای یزدی - این ماده واحده نمی‌گوید که یارانه‌ی دهک‌های بالا اصلاً پرداخت نشود، بلکه می‌گوید از سهم یارانه‌ی آنها [اعتبار لازم برای اجرای این قانون] پرداخت شود؛ این عبارت یعنی از سهم یارانه‌ی دهک‌های بالا باید کم کنید.

آقای مدرس‌یزدی - نمی‌توان سهم دهک‌های درآمدی بالا را کم کرد؛ چون آنها [طبق قانون هدفمند کردن یارانه‌ها] سهم خودشان را دارند، مگر اینکه قانون به انجام این کار تصریح کند.

آقای یزدی - ولی دولت باید از سهم دهک‌های بالا، [اعتبار مورد

آنها داده شود، دولت هزینه‌ی تأمین اعتبار کالاهای اساسی در این مصوبه را از کجا می‌آورد؟ بنابراین، این موضوع هنوز حل نشده است.

آقای علیزاده - ماده واحده نمی‌گوید به دهک‌های درآمدی بالا یارانه پرداخت نشود، بلکه می‌گوید به اندازه‌ی نیاز، سهم دهک‌های بالا و پایین، کم یا زیاد شود.

آقای مدرسی‌یزدی - خب، اگر مجلس نخواهد سهم دهک‌های درآمدی بالا را قطع کند و فقط بخواهد سهم آنها را کم کند، این کار هم نیاز به قانون دارد.

آقای جنتی - [باز هم به مصوبه] اشکال دارید؟

آقای علیزاده - حضرات آقایان، یک ایراد هم مربوط به عبارت «اقشار آسیب‌پذیر» بود که با اصلاحی که صورت پذیرفته، این ایراد رفع شده است. آقایانی که می‌گویند با اصلاح به عمل آمده، ایرادهای شورا رفع نشده یا ایراد جدیدی به وجود آمده است، رأی بدهند.

آقای مدرسی‌یزدی - به نظر من، با اصلاحات به عمل آمده هم اشکالات این مصوبه حل نمی‌شود.

آقای جنتی - تمام شد.^۱

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۵۰ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۱۷۶/۱۵۶۵۸ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۲ و پیرو نامه شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳؛ طرح تأمین کالاهای اساسی برای اقشار آسیب‌پذیر که با اصلاحاتی در جلسه مورخ هشتم خردادماه یکپزار و سیصد و نود و دو به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور

(اعاده شده از شورای نگهبان)

آقای علیزاده - «لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور (اعاده شده از شورای نگهبان)»^۱

اولین ایراد شورای نگهبان [در نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳] به مصوبه بودجه این بوده است: «از آنجا که در بند (۳-۱) آمده مفاد این بند جایگزین مفاد تبصره (۳۸) دائمی لایحه قانونی بودجه سال ۱۳۵۸ کل کشور مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۷ شورای انقلاب اسلامی می‌شود، عبارت مذکور ایهام دائمی بودن آن را می‌نماید؛ بنابراین مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی است.»

آقای مؤمن - ایراد چه بود؟

آقای علیزاده - ایرادمان این بود که این طوری که مجلس بند (۳-۱)^۲

را تصویب کرده است، این ایهام را دارد که آن بند (۳-۱) را دائمی می‌کند. مجلس عبارت این بند (۳-۱) را اصلاح کرده است. در ابتدای مصوبه هم چون یک مقداری ارقام بودجه تغییر کرده است، سقف ماده واحده را تغییر داده‌اند و ارقام کلی بودجه‌ی مصوب را مجدداً نوشته‌اند. در مصوبه‌ی قبلی [مورخ ۱۳۹۲/۳/۷] گفته بودند: «ماده واحده - بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور از حیث منابع، بالغ بر هفت میلیون و دویست و هفتاد و هفت هزار و سی و چهار میلیارد و پانصد و ده میلیون (۷,۲۷۷,۰۳۴,۵۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و از حیث مصارف بالغ بر هفت میلیون و دویست و هفتاد و هفت هزار و سی و چهار میلیارد و پانصد و ده میلیون (۷,۲۷۷,۰۳۴,۵۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به شرح زیر است:»؛ الآن آمده‌اند این ماده واحده را [با توجه به تغییر در



بر منابع نفت و گاز کشور و نیز به منظور اجرای احکام قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران رابطه مالی و نحوه تسویه حساب بین دولت (خزانه‌داری کل کشور) و وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط بابت کلیه مصارف سرمایه‌ای و هزینه‌ای شرکت یادشده و شرکت‌های تابعه از جمله بازپرداخت تسهیلات بیع متقابل، بازپرداخت تسهیلات، تولید، حفظ سطح تولید و برداشت صیانتی و افزایش تولید نفت و گاز طبیعی، سرمایه‌گذاری و نیز هزینه صادرات با احتساب هزینه‌های حمل و بیمه (سیف)، چهارده و نیم درصد (۱۴/۵٪) از ارزش نفت (نفت خام و میعانات گازی) صادراتی و میعانات گازی تحویلی به مجتمع‌های پتروشیمی و سایر شرکت‌ها و مبالغ واریزی بابت خوراک پالایشگاه‌های داخلی براساس قیمت فرآورده‌های نفتی به قیمت فروش داخلی سال ۱۳۹۲ پس از کسر هزینه‌ها معاف از مالیات و تقسیم سود سهام به عنوان سهم آن شرکت تعیین می‌شود. همچنین به منظور تحقق مفاد ماده (۲۲۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مازاد منابع ارزی ناشی از افزایش قیمت و مقدار صادرات نفت خام و میعانات گازی نسبت به مبانی محاسباتی موضوع این بند پس از کسر سهم صندوق توسعه ملی در سقف هفت میلیارد دلار (۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) از ابتدای سال ۱۳۹۲ و در مقاطع سه ماهه صرفاً به منظور سرمایه‌گذاری در طرح‌های نفت و گاز با اولویت میادین مشترک در اختیار این شرکت قرار می‌گیرد. مبلغ مذکور به عنوان درآمد شرکت محسوب نمی‌شود و بابت تجهیز منابع سرمایه‌ای شرکت می‌باشد. وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط مکلف است معادل هشتاد و پنج و نیم درصد (۸۵/۵٪) بقیه ارزش مواد مذکور را به حساب بستانکار دولت (خزانه‌داری کل کشور) منظور و به شرح مقررات این بند با دولت (خزانه‌داری کل کشور) تسویه حساب نماید. وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط می‌تواند از محل سهم خود، قراردادهای لازم را با شرکت‌های عملیاتی تولید نفت و گاز براساس قیمت تمام‌شده و در چهارچوب بودجه عملیاتی منعقد نماید.

مفاد این بند جایگزین مفاد تبصره (۳۸) دائمی لایحه قانونی بودجه سال ۱۳۵۸ کل کشور مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۷ شورای انقلاب اسلامی می‌شود. ...

۱. لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۲/۳/۷* به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۴۹/۱۵۱۶۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. در مرحله‌ی اول بررسی شورای نگهبان، مواد این مصوبه از ابتدا تا بند (۲-۳-۱۳) در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۱ و از تبصره‌ی بند (۲-۳-۱۳) تا بند (۷۲) آن در جلسه‌ی صبح مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۲ و از بند (۷۳) تا بند انتهایی این مصوبه در جلسه‌ی عصر مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۲ بحث و بررسی شد. اعضای شورای نگهبان در این مرحله، برخی از مفاد این مصوبه را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص دادند و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کردند. مجلس شورای اسلامی برای رفع ایرادهای شورای نگهبان، در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۹ اصلاحات لازم را در مصوبه‌ی خویش اعمال و آن را برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال کرد. این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۴۹ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

* گفتنی است هیئت وزیران لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور را در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۹ برای بررسی به مجلس شورای اسلامی ارائه کرد. مجلس با توجه به عدم فرصت کافی برای بررسی آن در بازه‌ی زمانی پیش از سال ۱۳۹۱، بررسی این لایحه و تصویب آن را به سال ۱۳۹۲ موکول کرد. دولت نیز برای جبران خلأ تقنینی ناشی از عدم تصویب قانون بودجه برای هزینه‌کرد دولت و دستگاه‌های اجرایی در ماه‌های ابتدایی سال ۱۳۹۲، لایحه‌ای با عنوان «لایحه بودجه سه‌ماهه ابتدای سال ۱۳۹۲ کل کشور» به مجلس تقدیم کرد که این لایحه، با عنوان «قانون سه‌دوازدهم بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور» در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

۲. بند (۳-۱) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «۳-۱- در راستای اعمال حق مالکیت و حاکمیت



آقای مؤمن - یعنی چون افراد غیردولتی هم در ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار بوده‌اند، آن تبصره‌ی الحاقی را مغایر با اصل (۶۰) قانون اساسی اعلام کردیم.

آقای علیزاده - مجلس در این تبصره آمده است به جای شورای پول و اعتبار، بانک مرکزی را گذاشته است؛ این بند را به این شکل اصلاح کرده‌اند: «تبصره الحاقی - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است در طول دوره اجرای این قانون با رعایت قوانین و مقررات حاکم بر این بانک، وظایف زیر را اجراء نموده و گزارش اقدامات انجام‌شده را به صورت ماهانه از طریق رئیس کل بانک مرکزی به کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات و اقتصادی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

[۱- پایش مستمر منابع ارزی کشور

۲- حذف شد.

۳- تعیین میزان و نحوه مداخله در بازار آزاد ارز و نظارت بر حسن اجرای آن

۴- مدیریت نرخ ارز با توجه به حفظ دامنه رقابت‌پذیری در تجارت خارجی

۵- تعیین قیمت محاسباتی ارز جهت تسویه حساب وزارت نفت، بانک مرکزی و خزانه‌داری کل کشور.]» ظاهراً مجلس [بعد از اینکه عبارت «بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» را جایگزین عبارت «شورای پول و اعتبار» کرده‌اند،] یک مقداری هم در وظایف مقرر در این تبصره، تغییر داده است و تغییر دیگری ایجاد نشده است.

منشی جلسه - حاج آقا، همین [ترکیب شورای پول و اعتبار] بود که مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام بود.

آقای علیزاده - مصوبه‌ی مجمع در مورد ترکیب شورای پول و اعتبار بود. ایراد شورای نگهبان به این تبصره‌ی الحاقی در مورد اصلاح مصوبه‌ی مجمع نبود؛ ما ایراد مغایرت با اصل (۶۰) قانون اساسی را به این تبصره گرفتیم.

آقای یزدی - قبل از این اصلاح، این وظایف برای شورای پول و اعتبار بود.

آقای علیزاده - بند (۱) این تبصره که گفته بود «۱- پایش مستمر منابع ارزی کشور»، همچنان باقی مانده است؛ اما بند (۲) که گفته بود «۲- پایش و اولویت‌بندی مصارف ارزی کشور» را حالا حذف کرده‌اند. بندهای (۳)، (۴) و (۵) را همان‌طور که بود آورده‌اند.

«۳- تعیین میزان و نحوه مداخله در بازار آزاد ارز و نظارت بر حسن اجرای آن

احکام و ارقام بودجه‌ی مصوب در این مرحله] درست کرده‌اند.^۱ اگر دوباره مجلس تغییری در بندها و ارقام بودجه‌ی مصوب ایجاد کرده باشد، آن تغییرات را در این ماده واحده و بندهای آن گفته‌اند؛ به همین خاطر در بند (۲-۱) مصوبه‌ی فعلی گفته‌اند: «بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت از لحاظ درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار بالغ بر پنج میلیون و سیصد و پنجاه و هفت هزار و نهصد و شصت و سه میلیارد و نهصد و نود و پنج میلیون (۵,۳۵۷,۹۶۳,۹۹۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال و از حیث هزینه‌ها و سایر پرداخت‌ها بالغ بر پنج میلیون و سیصد و پنجاه و هفت هزار و نهصد و شصت و سه میلیارد و نهصد و نود و پنج میلیون (۵,۳۵۷,۹۶۳,۹۹۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال.»

مجلس برای رفع ایراد بند (۱-۳) گفته است: «به ابتدای پاراگراف دوم جزء (۱-۳) عبارت «در سال ۱۳۹۲» اضافه می‌شود. ما در مورد این بند گفته بودیم که ایهام دائمی بودن دارد؛ با این اصلاحی که مجلس در این بند کرده است، این ایهام دائمی بودن رفع شده است.

ایراد دوم ما در [در نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳] این بود: «تبصره الحاقی بند (۲-۳)، با توجه به ترکیب شورای پول و اعتبار، مغایر اصل (۶۰) قانون اساسی شناخته شد». حالا آمده‌اند و این تغییر را در این تبصره‌ی الحاقی داده‌اند...

آقای مؤمن - تبصره‌ی الحاقی بند (۲-۳) چه بوده است؟

آقای علیزاده - تبصره‌ی الحاقی این بوده است: «شورای پول و اعتبار مکلف است در طول دوره اجرای این قانون وظایف زیر را اجراء نموده و گزارش اقدامات انجام‌شده را به صورت ماهانه از طریق وزیر امور اقتصادی و دارایی به کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات و اقتصادی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید. ...» مجلس آمده و این بند الحاقی را اصلاح کرده است. ما در مورد این بند گفته بودیم که «تبصره الحاقی بند (۲-۳)، با توجه به ترکیب شورای پول و اعتبار، مغایر اصل (۶۰) قانون اساسی شناخته شد.»

۱. مصوبه‌ی اصلاحی مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۹ مجلس شورای اسلامی: «پاراگراف

اول ماده واحده به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده واحده- بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور از حیث منابع بالغ بر هفت میلیون و دویست و هفتاد و هفت هزار و شصت و چهار میلیارد و پانصد و ده میلیون (۷,۲۷۷,۰۶۴,۵۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و از حیث مصارف بالغ بر هفت میلیون و دویست و هفتاد و هفت هزار و شصت و چهار میلیارد و پانصد و ده میلیون (۷,۲۷۷,۰۶۴,۵۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به شرح زیر است: ...»

ایراد جدیدی دارد، آن را مطرح کنند.

آقای مؤمن - این وظایف اجرایی را خود بانک مرکزی انجام می‌دهد.

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی‌یزدی - پس با این تبصره‌ی اصلاح‌شده، الآن مجلس «تعیین میزان و نحوه مداخله در بازار آزاد ارز» را به عهده‌ی بانک مرکزی گذاشته است.

آقای مؤمن - این تبصره‌ی اصلاحی اشکال ندارد؛ چون از خارج از قوه‌ی مجریه کسی را نیاورده‌اند که بگویند کار اجرایی انجام دهد.

آقای مدرسی‌یزدی - اگر حکم این تبصره نبود، الآن این وظایفی که در اینجا ذکر شده، دست بانک مرکزی نبود؟! این وظایف به حسب طبع تاکنون در اختیار چه کسی بوده است؟

آقای سلیمی - اصلاً چنین وظایفی تا کنون وجود نداشته است.

آقای علیزاده - بله، چنین وظایفی وجود نداشته است.

آقای مدرسی‌یزدی - به هر حال، بازار ارز که یک تنظیمی می‌شد، نمی‌شد؟!

آقای جنتی - این کار [تنظیم بازار ارز]، کار بانک مرکزی است.^۱ همان وقت هم کار بانک مرکزی بوده است.

آقای مدرسی‌یزدی - حاج آقا درست می‌فرمایند که عملاً [تنظیم بازار ارز قبلاً هم] به عهده‌ی بانک مرکزی بوده است؛ منتهای مراتب حالا که این مصوبه‌ی قانونی، این وظایف را منحصر در بانک مرکزی کرده است، اگر این وظایف جزء «برنامه» باشد [و ماهیت برنامه‌ای داشته باشد]، مسئولیتش با رئیس جمهور است؛ چون اصل (۱۲۶) قانون اساسی می‌گوید که رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور

۱. ماده (۱۱) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ با اصلاحات بعدی آن: «ماده ۱۱- بانک مرکزی ایران به عنوان تنظیم‌کننده نظام پولی و اعتباری کشور موظف به انجام وظایف زیر می‌باشد:
الف- انتشار اسکناس و سکه‌های فلزی رایج کشور طبق مقررات این قانون.

ب- نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری طبق مقررات این قانون.

ج- تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارزی و تعهد یا تضمین پرداخت‌های ارزی با تصویب شورای پول و اعتبار و همچنین نظارت بر معاملات ارزی.

د- نظارت بر معاملات طلا و تنظیم مقررات مربوط به این معاملات یا تصویب هیئت وزیران.

ه- نظارت بر صدور و ورود ارز و پول رایج ایران و تنظیم مقررات مربوط به آن با تصویب شورای پول و اعتبار»

۴- مدیریت نرخ ارز با توجه به حفظ دامنه رقابت‌پذیری در تجارت خارجی

۵- تعیین قیمت محاسباتی ارز جهت تسویه حساب وزارت نفت، بانک مرکزی و خزانه‌داری کل کشور، ظاهراً جمله‌ی آخر این تبصره‌ی الحاقی که می‌گفت «وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل بانک مرکزی در حُسن اجرای این مصوبه مسئولیت مشترک دارند» را هم الآن حذف کرده‌اند.

آقای مؤمن - [با تغییراتی که در این تبصره‌ی الحاقی ایجاد شده است]، این تبصره دیگر ایرادی ندارد؟ الآن وظایف مذکور در این تبصره‌ی الحاقی، کار اجرایی نیست؟ تعیین قیمت محاسباتی ارز، کار اجرایی نیست؟

آقای علیزاده - کار اجرایی بوده که ما قبلاً [در مرحله‌ی رسیدگی قبلی، از این جهت] ایراد نگرفته‌ایم.

آقای یزدی - [در مصوبه‌ی قبلی شخص دارای صلاحیت برای انجام این امور اجرایی] شورای پول و اعتبار بود که در این مصوبه‌ی اصلاحی، «بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران» جایگزین شده است.

آقای علیزاده - ایراد ما به خاطر ترکیب شورای پول و اعتبار بوده است.

آقای مؤمن - چرا؟

آقای یزدی - شورای پول و اعتبار بوده است که حالا در این مصوبه‌ی اصلاحی، شورای پول و اعتبار به بانک مرکزی تبدیل شده است.

آقای مؤمن - اگر وظایف مذکور در این تبصره‌ی الحاقی، کار اجرایی است که باز هم اشکال این تبصره‌ی الحاقی باقی است.

آقای علیزاده - بانک مرکزی است که خودش این وظایف را انجام می‌دهد؛ حالا این مصوبه‌ی اصلاحی هم گفته است که بانک مرکزی این وظایف را انجام بدهد.

آقای یزدی - به جای شورای پول و اعتبار، گفته است بانک مرکزی.

آقای علیزاده - مجلس در این تبصره‌ی اصلاحی، شورای پول و اعتبار را برداشته است و به جای آن بانک مرکزی را گذاشته است.

آقای جنتی - موضوع منتفی شده است [و در نتیجه، ایراد برطرف شده است].

آقای علیزاده - حضرات آقایان اگر ایراد سابق را با اصلاح به عمل آمده، باقی می‌دانند، بفرمایند. اگر می‌فرمایند که این تبصره

ذهن رسید. در مرحله‌ی قبل هم به این تبصره‌ی الحاقی ایراد گرفتیم که حالا یک ایراد دیگری هم وارد است.

آقای جنتی - ایرادی که ما به این تبصره گرفتیم، الآن رفع شده است.

آقای علیزاده - حضرات آقایان، با توجه به اصلاح به عمل آمده، اگر ایراد سابق به قوت خود باقی است یا اینکه ایراد جدیدی ایجاد شده است، بفرمایند.

آقای مدرسی یزدی - محروم کردن رئیس جمهور از این [= ایفای نقش در خصوص وظایف مذکور در این تبصره‌ی الحاقی]، خلاف اصل (۱۲۶) است.

آقای یزدی - محروم نکرده است.

آقای علیزاده - حاج آقای مدرسی که معتقدند اشکال رفع نشده است، اشکالشان به مصوبه‌ی قبلی مجلس است، نه این مصوبه‌ی اصلاحی.

آقای رهپیک - البته حاج آقای مدرسی این ایراد را مشروط می‌گویند؛ می‌گویند اگر این [وظایفی که در این تبصره‌ی الحاقی آمده است، ماهیت بودجه‌ای دارد، نباید رئیس جمهور را از مسئولیت مستقیمش در این امر بودجه‌ای محروم کرد و الا مغایر با اصل (۱۲۶) قانون اساسی است].

آقای علیزاده - ایراد بعدی شورای نگهبان را بخوانید.

منشی جلسه - ایراد بعدی شورا [در بند (۳) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳]: «۳- در تبصره بند (۳-۷) و همچنین بند (۱۰-۳)، از این جهت که مشخص نیست آیا اصل (۵۳) قانون اساسی رعایت می‌گردد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

آقای علیزاده - این ایراد می‌گوید که آیا منابع موضوع تبصره‌ی بند (۳-۷) به خزانه واریز می‌شود یا نه؟ تبصره‌ی بند (۳-۷) را

۳. بند (۳-۷) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «۳-۷- شرکت‌های دولتی تابعه وزارتخانه‌های نفت و نیرو مکلفند کلیه درآمدهای ریالی و ارزی خود را به حساب‌های متمرکز وجوه ریالی و ارزی که از طریق خزانه‌داری کل کشور به نام آنها نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران افتتاح می‌شود واریز نمایند. خزانه‌داری کل کشور مکلف است متناسب با وصول، ماهانه و به صورت یک‌دوازدهم بودجه مصوب وجوه مذکور، سهم شرکت‌های فوق‌الذکر را برای مصارف جاری و تملک دارایی به آنها پرداخت نماید. تبصره - منابع حاصل از فروش انشعابات برق، گاز، آب و فاضلاب توسط شرکت‌های توزیع دولتی به حساب جداگانه‌ای که با مجوز خزانه توسط این دستگاه‌ها افتتاح می‌شود واریز و صد درصد (۱۰۰٪) این منابع برای طرح‌های توسعه‌ای این شرکت‌ها به مصرف می‌رسد.»

را بر عهده دارد.^۱ پس مسئول این کار باید رئیس جمهور باشد، نه اینکه رئیس بانک مرکزی این مسئولیت را به عهده بگیرد.

آقای رهپیک - نه، این بحث شما مصداقی است؛ در حالی که اصل (۱۲۶) کلی است.

آقای مدرسی یزدی - نه، اصل (۱۲۶) به صورت کلی نگفته است. اصل (۱۲۶) می‌گوید که رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را بر عهده دارد.

آقای رهپیک - این جور باشد که مسئول [همه چیز رئیس جمهور می‌شود].

آقای مدرسی یزدی - این [وظایف مقرر در این تبصره‌ی الحاقی] مربوط به بودجه است.

آقای سلیمی - [تنظیم بازار ارز] به رئیس جمهور مربوط است؟! **آقای مدرسی یزدی** - بله، مربوط است؛ چون جزء امور بودجه‌ای است دیگر. مجلس این وظایف را در بودجه آورده است. اگر بودجه‌ای نیست چرا در لایحه‌ی بودجه آورده‌اند.

آقای امیری - منظور از بودجه، دخل و خرج دولت است. این وظایف مربوط به بودجه نیست.

آقای مدرسی یزدی - واقعاً من احتمال قوی می‌دهم که محروم کردن رئیس جمهور از تصرف در این امور بودجه‌ای، خلاف اصل (۱۲۶) باشد.

آقای جنتی - شما این ایراد را قبلاً [در مرحله‌ی اول رسیدگی در شورای نگهبان] نفرمودید.^۲

آقای مدرسی یزدی - خب، الآن در خصوص این بند این ایراد به

۱. اصل یکصد و بیست و ششم قانون اساسی: «رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد و می‌تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد.»

۲. اصل نود و چهارم قانون اساسی: «کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدیدنظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است.»

اصل نود و پنجم قانون اساسی: «در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهار نظر نهایی کافی نداند، می‌تواند از مجلس شورای اسلامی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل خواستار تمدید وقت شود.»

تبصره (۲) ماده (۲۰۱) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۰ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن: «تبصره ۲- شورای نگهبان نمی‌تواند پس از گذشت مهلت‌های مقرر و رفع ایراد در نوبت اول مجدداً مغایرت موارد دیگری را که مربوط به اصلاحیه نمی‌باشد بعد از گذشت مدت قانونی به مجلس اعلام نماید مگر در رابطه با انطباق با موازین شرعی.»

مصوب شرکت‌ها پیش‌بینی می‌شود، این شرکت‌ها می‌گیرند [و خرج می‌کنند].^۱

آقای مؤمن - این تبصره نگفته است که سقف این درآمدها در بودجه‌ی مصوب آن شرکت‌ها پیش‌بینی می‌شود؛ بلکه می‌گوید هر چه به آن حساب واریز می‌کنند [برای طرح‌های توسعه‌ای این شرکت‌ها به مصرف برسد].

آقای علیزاده - این تبصره شرکت‌ها را گفته است.

آقای مؤمن - و الا اگر این‌طور باشد که شما می‌گویید، دیگر ریختن [این منابع حاصل از فروش توسط شرکت‌های دولتی] به حساب خزانه که لزومی ندارد؛ چون در شرکت‌های دولتی [رعایت اصل (۵۳) قانون اساسی] مطرح نیست. ایرادی که شما به این تبصره گرفته بودید [ابهام در خصوص رعایت اصل (۵۳) قانون اساسی بود].

آقای علیزاده - حاج‌آقا، بعضاً با توضیحاتی که در آنجا [کمیسیون تلفیق مجلس] داده‌اند، موضوع این است که عرض کردم. این توجیه را هم خود همان آقایان دولتی‌ها می‌گفتند و هم مجلسی‌ها و اعضای کمیسیون تلفیق می‌گفتند.

آقای مؤمن - اگر می‌گفتند مثلاً تا فلان مبلغ [از حساب مذکور برای طرح‌های توسعه‌ای این شرکت‌ها به مصرف برسد]، خیلی خوب بود و مشکلی نداشت.

آقای علیزاده - انشعاب برق را خود شرکت می‌فروشد؛ انشعاب برق را که دولت نمی‌فروشد. ببینید، این [منابع حاصل از فروش انشعابات برق، گاز، آب و فاضلاب] هم مثل درآمد شرکت است. آقایان، توجه فرمودید.

آقای مدرسی‌یزدی - پس اصلاً نباید [به این تبصره ابهام گرفته می‌شد].

آقای علیزاده - [به هر حال، ما به تبصره‌ی مصوب قبلی] این ابهام را گرفته‌ایم. مجلسی‌ها گفتند برای رفع ایرادی که شورای نگهبان به این تبصره گرفته است، اصلاحی را در این تبصره انجام بدهند تا شورای نگهبان بگوید که آن ایراد درست شده است.

به این شکل اصلاح کرده‌اند: «تبصره - منابع حاصل از فروش انشعابات برق، گاز، آب و فاضلاب توسط شرکت‌های ذی‌ربط به حساب خاصی که توسط خزانه‌داری کل تعیین می‌شود، واریز می‌گردد و صد درصد (۱۰۰٪) آن پس از دریافت از حساب مذکور برای طرح‌های توسعه‌ای این شرکت‌ها به مصرف می‌رسد.»
آقای یزدی - اشکال این تبصره‌ی بند (۷-۳) به خزانه نرفتن منابع حاصل از فروش بود که الان رفع شده است.

آقای مؤمن - در اصل (۵۳) دو مطلب بیان شده است؛ یکی صدر آن اصل که می‌گوید باید همه‌ی این دریافت‌های دولت به خزانه واریز بشود و مطلب دوم اینکه طبق ذیل این اصل، تمام پرداخت‌ها باید در حدود اعتبارات مصوب باشد.

آقای علیزاده - [برای اینکه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب باشد] ردیف تعیین می‌کنند.

آقای مؤمن - این تبصره، ردیف را نگفته است.

آقای علیزاده - چرا دیگر تعیین کرده‌اند.

آقای مؤمن - ردیف را تعیین کرده‌اند؟! در این تبصره، فقط مقداری را که به خزانه واریز می‌شود، مشخص کرده‌اند؛ اما بحثی از [مقدار و سقفی که از این محل پرداخت می‌شود، نکرده‌اند]. گفته‌اند که صد درصد (۱۰۰٪) آن منابع پس از دریافت از حساب مذکور مصرف می‌شود؛ یعنی هر چقدر که منابع حاصل شد، خرج شود؛ مقدار خرج را تعیین نکرده‌اند.

آقای علیزاده - ردیف تعیین می‌کنند.

آقای مؤمن - در این تبصره ردیف تعیین نکرده‌اند.

آقای علیزاده - [برای این منابع] حساب تعیین می‌کنند؛ حساب که [مقدارش مشخص است].

آقای مؤمن - برای واریز منابع حساب تعیین شده است؛ اما برای برداشت از این منابع هر چقدر که در این حساب واریز شد، برداشت می‌کنند.

آقای علیزاده - این منابع متعلق به درآمد شرکت‌ها است.

آقای مؤمن - خب، مربوط به درآمد شرکت‌ها باشد.

آقای علیزاده - سقف درآمد شرکت‌ها را در بودجه‌ی مصوب خود این شرکت‌ها مشخص می‌کنند؛ بنابراین [نیازی به تعیین سقف یا ردیف برای این درآمدها نیست].

آقای مؤمن - نه، این‌طور نیست.

آقای علیزاده - چرا، در این تبصره این را توضیح داده‌اند و گفته‌اند که [برای درآمد این شرکت‌ها] حساب تعیین می‌کنیم و این درآمدها را در آن حساب می‌ریزند و بعد صد درصد (۱۰۰٪) آن درآمدهای حاصله را که مقدارش در بودجه‌ی

۱. ماده (۳۹) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱: «ماده ۳۹ -

وجوهی که از محل درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار منظور در بودجه کل کشور وصول می‌شود و همچنین درآمدهای شرکت‌های دولتی به استثنای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه باید به حساب‌های خزانه که در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران افتتاح می‌گردد، تحویل شود. خزانه مکلف است ترتیب لازم را بدهد که شرکت‌های دولتی بتوانند در حدود بودجه مصوب از وجوه خود استفاده نمایند.»

بند را به این ترتیب اصلاح کرده‌اند: «در جزء (۳-۹) قبل از کلمه «صرفاً» عبارت «تا سقف شانزده هزار میلیارد (۱۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال» اضافه می‌شود.»

آقای یزدی - سقف را معین کرده‌اند.

آقای مؤمن - [با توجه به اینکه وجوه دریافتی در این بند، مال شرکت است، این ایراد ما اشتباه است؟] در این بند به برداشت‌های از خزانه ایراد گرفته بودید که آن را درست کرده‌اند. این درآمد و عوارض موضوع این بند، مال وزارتخانه است یا مال شرکت؟

آقای علیزاده - نه، درآمد و منابع این بند، متعلق به شرکت نیست؛ این عوارض را دولت می‌گیرد.

آقای مؤمن - این بند گفته است که «وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط».

آقای علیزاده - خب، وظیفه‌ی دریافت این عوارض برعهده‌ی وزارت نفت است.

آقای مؤمن - [منابع حاصل از فروش انشعابات برق، آب و ... هم مربوط به وظیفه‌ی وزارت نیرو است؛ در حالی که در ایراد قبلی شورای نگهبان در مورد تبصره‌ی بند (۳-۷)، این منابع جزء منابع شرکت دانسته شد.]

آقای علیزاده - آقایان در این بند (۳-۹) گفتند که این عوارض اضافه بر نرخ گاز را که می‌گیرند، به خزانه واریز شود؛ ما حرف دیگری نداریم؛ آنجا [در مورد تبصره‌ی بند (۳-۷)] این حرف را نگفتند.

آقای مؤمن - نه، در این بند (۳-۹) گفته‌اند که این «شانزده هزار میلیارد ریال» را بعد از ...

آقای علیزاده - این جزء که ایراد ندارد. آقایانی که ایراد را باقی می‌دانند، بفرمایند.

آقای مؤمن - نه، ایراد حل شده است.

منشی جلسه - ایراد بعدی شورا [در بند (۳) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳] این است: «در تبصره بند (۳-۷) و همچنین بند (۳-۱۰)،^۲ از این جهت که مشخص نیست آیا

۲. بند (۳-۱۰) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «۳-۱۰- به وزارت نفت از طریق شرکت‌های تابعه اجازه داده می‌شود برای تأمین مصارف سرمایه‌ای، منوط به تعهد و بازپرداخت اصل و سود از محل منابع داخلی شرکت‌های یادشده، با تشخیص و مسئولیت وزیر و مدیرعامل شرکت مربوط با هماهنگی وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان بورس و اوراق بهادار) و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و با رعایت قوانین و مقررات تا سقف ده میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار اوراق مشارکت ارزی و یا صکوک نفتی به فروش برساند.»

آقای مدرسی یزدی - نه، ما از اول آن ابهام را قبول نداشتیم؛ من از اول این ابهام را قبول نمی‌کردم. حالا دیگر گذشت.

آقای علیزاده - با توضیحی که در مجلس به من دادند، من دیدم که حرفشان صحیح است.

آقای مدرسی یزدی - پس شما [ابهام نداشتن آن تبصره را] قبول کردید.

آقای علیزاده - بله، ولی گفتم این‌جوری که شما در این تبصره می‌گویید که به یک حسابی برود، ممکن است در یک حسابی در بانک ملت برود. نمایندگان گفتند که نه، ما می‌گوییم که بانک مرکزی این حساب را تعیین کند.

آقای مدرسی یزدی - پس حالا من این سؤال را از شما بپرسم؛ پس به نظر شما دریافت شرکت‌های دولتی، دریافت دولت نیست؟

آقای علیزاده - نه دیگر، آقایان قبول ندارند که دریافت شرکت‌های دولتی، دریافت دولت است.

آقای مدرسی یزدی - خیلی خب.

آقای علیزاده - آقایانی که می‌گویند با اصلاح به عمل آمده، ایراد کماکان به قوت خودش باقی است، رأی بدهند. خیلی خب، برویم سراغ ایراد بعدی.

منشی جلسه - اشکال بعدی شورا [در بند (۴) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳] این است: «۴- در بند (۳-۹)^۱ باید ردیف مشخص یا سقف تعیین شود و الا اشکال دارد.» که آن

۱. بند (۳-۹) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «۳-۹- وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط موظف است علاوه بر دریافت نرخ گاز، به ازای مصرف هر متر مکعب گاز طبیعی، یکصد (۱۰۰) ریال به‌عنوان عوارض از مشترکین دریافت و پس از واریز به خزانه‌داری کل کشور، عین وجوه دریافتی را صرفاً برای احداث تأسیسات و خطوط لوله گازرسانی به شهرها و روستاها، با اولویت مناطق سردسیر، نفت‌خیز، گازخیز و استان‌هایی که برخوردار از آنها از گاز کمتر از متوسط کشور است، هزینه نماید. منابع مذکور به‌عنوان درآمد شرکت ذی‌ربط محسوب نمی‌گردد و مشمول مالیات نمی‌باشد.

تبصره- دو هزار میلیارد (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از منابع حاصله متناسب با وصولی‌ها، برای تأمین و استانداردسازی سامانه گرمایشی مدارس با اولویت مدارس روستاها به وزارت آموزش و پرورش (سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور) اختصاص می‌یابد.

وزارت نفت از طریق شرکت دولتی تابعه ذی‌ربط مکلف است به‌منظور اجرای خطوط لوله گازرسانی به شهرها و روستاهای استان سیستان و بلوچستان و شرق هرمزگان، تا مبلغ پنج هزار میلیارد (۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به‌ترتیب سه هزار میلیارد (۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و دو هزار میلیارد (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل مازاد تراز صادرات و واردات گاز طبیعی در سال ۱۳۹۲ را به پروژه‌های مربوط اختصاص دهد و مازاد آن را تا سقف پنجاه هزار میلیارد (۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال صرف توسعه پالایشگاه‌ها و خطوط انتقال گاز طبیعی سراسری با اولویت خطوط انتقال صادراتی کند.»

آقای علیزاده - آنجایی که ما حرف داریم در مورد بند (۹-۳)، در مواردی است که طوری بشود که احتمال اضافه برداشت بشود.

آقای مؤمن - نه، طبق اصل (۵۳) قانون اساسی، باید اعتبار، مصوب باشد.

آقای یزدی - وقتی درآمدی سقف دارد، بیشتر از سقف چگونه باید بدهند.

آقای علیزاده - اعتبار مصوب بند (۱۰-۳) هم ده میلیارد دلار است.

آقای مؤمن - نه، اعتبار مصوب آن، ده میلیارد دلار نیست.

آقای علیزاده - چرا دیگر!

آقای یزدی - بیشتر از ده میلیارد دلار که در آن حساب چیزی نیست که بردارند.

آقای علیزاده - این بند می‌گوید که بروند از این حساب خاص در خزانه بگیرند.

منشی جلسه - مورد بعدی در مصوبه‌ی اصلاحی مجلس، بند (۱۷-۳) است که شورای نگهبان ایرادی به این بند نداشت؛ ولی خود مجلس به این صورت آن را اصلاح کرده است: «در جزء (۱۷-۳) بعد از عبارت «نسبت به» عبارت «تولید آب شیرین از روش‌های حرارتی بازیافتی» اضافه می‌شود.»

اصل بند (۱۷-۳) این بوده است: «(۱۷-۳) به وزارتخانه‌های نفت و نیرو اجازه داده می‌شود از طریق قراردادهای بیع متقابل با بخش‌های غیردولتی نسبت به کاهش تلفات توزیع برق، آب و حامل‌های انرژی اقدام و هزینه‌های سرمایه‌گذاری و سود متعلقه را از محل صرفه‌جویی‌های انجام‌شده پرداخت نمایند.»

آقای علیزاده - خود مجلس این بند را اصلاح کرده است؛ روشن کرده‌اند. با این عبارتی که به این بند اضافه شده است، اشکالی ایجاد نشده است. یک عبارتی را اضافه کرده‌اند. بعدی را بخوانید.

منشی جلسه - [ایراد بند (۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳: «۵- بندهای (۱۰)،^۱ (۳-۲۴) و همچنین بندهای الحاقی سوم و هشتم مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد.»

که در مورد اصلاح بند (۱۰) گفته‌اند: «در بند (۱۰) پس از عبارت

اصل (۵۳) قانون اساسی رعایت می‌گردد یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» در مورد اصلاح بند (۱۰-۳) گفته‌اند: «به انتهای جزء (۱۰-۳) عبارت «و به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز نماید.» اضافه می‌شود.»

آقای علیزاده - گفته بودیم که مشخص نیست که آیا اصل (۵۳) قانون اساسی رعایت می‌گردد یا خیر؛ ابهام دارد. برای رفع این ابهام گفته‌اند: «به وزارت نفت از طریق شرکت‌های تابعه اجازه داده می‌شود برای تأمین مصارف سرمایه‌ای، ... با رعایت قوانین و مقررات تا سقف ده میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار اوراق مشارکت ارزی و یا صکوک نفتی به فروش برسانند.» گفته‌اند این ده میلیارد دلار به خزانه واریز شود. آقایانی که با این اصلاح به عمل آمده، معتقدند که همچنان ایراد باقی است، بفرمایند.

آقای مؤمن - باز در این بند مقدار برداشت از خزانه را نگفته‌اند. آنجا در جزء (۹-۳) تا سقف شانزده هزار میلیارد ریال را گفته‌اند؛ ولی اینجا نگفته‌اند.

آقای علیزاده - از این خزانه که نگفته‌اند برداشت کنید. اصلاً اگر هیچ پولی از خزانه بردارند، اشکال دارد؟

آقای مؤمن - نخیر.

آقای علیزاده - [وقتی بند (۱۰-۳) گفته است که «با رعایت قوانین و مقررات تا سقف ده میلیارد (۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار اوراق مشارکت ارزی و یا صکوک نفتی به فروش برساند و به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز نماید»، یعنی] بیشتر از این ده میلیارد دلار هم نمی‌توانند برداشت کنند. یک حساب تعیین می‌کنند و آن مبالغ حاصل از فروش اوراق مشارکت را هم به این حساب می‌ریزند. سقف آن مبالغ هم معلوم است که ده هزار میلیارد دلار است که به این حساب می‌ریزند.

آقای مؤمن - بند (۱۰-۳) گفته است «برای تأمین مصارف سرمایه‌ای».

آقای علیزاده - این بند گفته است که اوراق مشارکت را تا ده میلیارد دلار بفروشند و به آن حساب خاص خزانه واریز بکنند و بعد از آن حساب بردارند؛ این حساب سقفش معلوم است، وقتی یک طرفش معلوم است، طرف دیگر هم معلوم است.

آقای مؤمن - نخیر، خودتان هم این حرف را قبول ندارید؛ والا به بند (۹-۳) هم ایراد عدم تعیین ردیف و سقف نمی‌گرفتید.

آقای علیزاده - نه، حضرت آیت‌الله مؤمن، اضافه‌تر از آن میزانی که به حساب مذکور در بند (۱۰-۳) مشخص کرده‌اند، نمی‌توانند برداشت کنند. آنجایی که ما حرف داریم ...

آقای یزدی - اضافه بر آن مبالغی که به این حساب واریز می‌شود، اصلاً چیزی نیست که بخواهند بردارند.

۱. بند (۱۰) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۰- به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات اجازه داده می‌شود با تصویب دولت، درآمد حاصل از تکالیف مقرر در پروانه اپراتورها را جهت تحقق اهداف و برنامه‌های خدمات عمومی اجباری و پایه با اولویت روستایی و کمک به تقویت دفاتر موجود و ایجاد دفاتر جدید ارتباطات و فناوری اطلاعات روستایی (ICT روستایی) به صورت جمعی - خرجی و با استفاده از مشارکت اپراتورها به مصرف برساند.»

«اطلاعات روستایی (ICT روستایی)» عبارت «از محل ردیف ۳۵-۵۳۰۰۰۰» اضافه می‌شود.

آقای علیزاده - اشکال ما به این بند، اصل (۵۳) بوده است، از جهت اینکه نگفته بودند که چگونه عمل شود، آیا منابع به خزانه برود یا نرود؟ حالا در این اصلاحیه گفته‌اند که به این ردیف خزانه برود و بعدش هم از این ردیف پرداخت بشود. ایراد ما این بود که «بندهای ۱۰، (۳-۲۴) و همچنین بندهای الحاقی سوم و هشتم مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد».

آقای یزدی - جواب ایراد ما این است که درآمد این بند باید به خزانه ریخته شود و بعد [از خزانه تخصیص داده شود].

آقای علیزاده - در این بند (۱۰) که اصلاً ردیف تعیین کرده‌اند؛ ردیف خاص (۳۵) مربوط به این درآمد وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات است. من از آقایان در مجلس پرسیدم که آیا این ردیف (۳۵)، مصارف متعددی دارد و پول‌های متعددی به اینجا می‌رود که گفتند نه، این ردیف مختص این بند است.

آقای مؤمن - بر فرض هم اگر [پول دیگری به این ردیف] برود، ایرادی ندارد.

آقای علیزاده - حضراتی که می‌فرمایند با این اصلاح به عمل آمده در بند (۱۰)، ایراد باقی است، بفرمایند. کسی چیزی نفرمود. بنابراین ایراد این بند هم درست شده است.

منشی جلسه - [ایراد بند (۶) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳: «۶- منظور از تکلیف دولت در بند (۱۴-۱۳)، روشن نیست که آیا مربوط به فروش حداقل (۵۰٪) از سهام است یا مربوط به سقف سیصد هزار میلیارد ریال یا فروش رساندن آن به صورت نقدی و یا همه این موارد را شامل می‌شود؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. علاوه بر این دولت مدعی است بخشی از این سهام قبلاً واگذار گردیده که در این صورت آیا شامل آنها نیز می‌شود یا خیر؟»

که این بند را به این ترتیب اصلاح کرده‌اند: «جزء (۱۴-۱۳) به شرح ذیل اصلاح می‌شود:

۱۳-۱۴- دولت مکلف است آن بخش از سهام شرکت

مادر تخصصی (هلدینگ) صنایع پتروشیمی خلیج فارس را که تا پایان سال ۱۳۹۱ به فروش قطعی نرفته است با رعایت قوانین و مقررات، به صورت نقدی و قسطی به فروش رسانده و منابع اخذ شده را به حساب درآمد عمومی ردیف ۳۱۰۵۰۲ واریز نماید تا جهت اجرای حکم موضوع جزء (۳-۱۳) با اولویت برای پرداخت کلیه مطالبات قانونی ایثارگران هزینه شود.»

آقای مؤمن - از این عبارت «به فروش قطعی نرفته است»، معلوم می‌شود که این بند مربوط به آنجاهایی است که هنوز این سهام به فروش نرسیده است.

آقای مدرسی یزدی - با اصلاحی که صورت گرفته است، این بند (۱۴-۱۳) خیلی فرق کرده و خوب خوب شده است.

آقای علیزاده - [نمایندگان مجلس با اصلاح این جزء]، یک حرفی با دولتی‌ها دارند. آقایان دولتی‌ها که پرپرور به اینجا آمده بودند، می‌گفتند که با توجه به این قانون سه‌دوازدهم بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور^۲ که به ما اجازه داده است تا طبق بودجه‌ی سال گذشته اقدام کنیم، ما آمده‌ایم بعد از تصویب این قانون هم طبق بودجه‌ی سال گذشته اقدام کرده‌ایم. آقای رئیس کمیسیون [تلفیق مجلس]، برای اینها [= دولت] نوشت که با توجه به این حکم جزء (۱۴-۱۳)، آقایان دولتی دیگر شما اقدام جدیدی در مورد واگذاری سهام شرکت مادر تخصصی (هلدینگ) صنایع پتروشیمی خلیج فارس انجام ندهید؛ چون دولتی‌ها شنبه گفته بودند که دارند این واگذاری‌ها را قطعی می‌کنند. آقایان [نمایندگان دولت و نمایندگان مجلس] آنجا [در کمیسیون تلفیق مجلس] با هم بر سر این موضوع بسیار بحث کردند. من آنجا صحبتی نکردم، چون گفتم که این موضوع باید به اینجا بیاید و ما در مورد آن صحبت بکنیم. آن حکم قانون سه‌دوازدهم بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور، بیشتر بر می‌گردد به جنبه‌ی اجرایی و به چیزهایی از این قبیل تا کارهای دستگاه‌های اجرایی نخواهد؛ نه اینکه دولت بیاید کارهای جدیدی غیر از تعهدات سال گذشته انجام دهد؛ یعنی با حکم قانون سه‌دوازدهم، دولت باید آن تعهدات نیمه‌مانده - فرضاً حقوق کارمندان - را بیاید انجام بدهد. در واقع، حکم قانون بودجه‌ی سه‌دوازدهم شامل امثال واگذاری هلدینگ خلیج فارس نمی‌شود که دولتی‌ها الآن می‌گویند ما واگذاری آن را [بر اساس حکم قانون بودجه‌ی سه‌دوازدهم] از این به بعد انجام می‌دهیم. آقایان [نمایندگان مجلس] در کمیسیون تلفیق بر این ایراد خیلی اصرار داشتند.

۲. قانون سه‌دوازدهم بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۲۷.

۱. بند (۱۴-۱۳) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۴-۱۳- دولت مکلف است حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) از سهام شرکت مادر تخصصی (هلدینگ) صنایع پتروشیمی (ها) در سقف سیصد هزار میلیارد (۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال مذکور در جزء (۳-۱۳) را به صورت نقدی به فروش رسانده و منابع اخذ شده را به خزانه واریز نماید تا جهت موضوع حکم (۳-۱۳) با اولویت اول برای پرداخت کلیه مطالبات ایثارگران هزینه شود.»

آقای یزدی - انصافاً اینکه در بودجه‌ی سه‌دوازدهمی، اجازه [عمل بر طبق بودجه‌ی سال ۱۳۹۱] داده شده است، به معنای جواز انجام کار جدید نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - اگر متن آن قانون سه‌دوازدهم بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور هست، آن را بیاورید تا در جلسه بخوانیم.

آقای یزدی - معنای بودجه‌ی سه‌دوازدهم این است که چون قانون بودجه هنوز تصویب نشده است و نمی‌شود امور کشور هم بخوابد، دولت برای انجام کارهای عادی، روزانه و جاری [مجاز به عمل بر اساس قانون بودجه‌ی سال گذشته است].

آقای علیزاده - در واقع، آن قانون، اصلاً بودجه‌ی سه‌دوازدهم نیست؛ بلکه آن قانون یک بودجه‌ای بود که داشت به دولت اجازه می‌داد [تا در انجام هزینه‌ها و دریافت‌های خود در این سه‌ماهه‌ی ابتدای سال ۱۳۹۲، دچار مشکل نشود].

آقای جنتی - در همین سه ماهی اول، دولتی‌ها یک قراردادهایی را بسته‌اند یا عمل کرده‌اند ...

آقای علیزاده - نه، دولتی‌ها نمی‌توانند چنین کاری بکنند.

آقای یزدی - نمی‌توانند.

آقای مدرسی‌یزدی - از کجا چنین برداشتی را می‌کنید؟ عبارت قانون سه‌دوازدهم بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور را بخوانید.

آقای علیزاده - اصلاً ما آن مصوبه [= قانون سه‌دوازدهم بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور] را بودجه‌ی جدید نمی‌دانستیم؛ ما می‌گفتیم که مجلس آمده است در آن مصوبه گفته است که کارهای جریانی و مستمر دولت نخوابد و تعطیل نشود.

آقای مدرسی‌یزدی - حالا متن آن قانون سه‌دوازدهم بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور را بخوانید تا ببینیم که متنش چیست.

آقای علیزاده - قانون سه‌دوازدهم بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور را بیاورید.

آقای مدرسی‌یزدی - بله، عبارت قانون سه‌دوازدهم بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور را نگاه کنید. حکم این مصوبه، مطلق است؛ گفته

است: «به دولت اجازه داده می‌شود در سه‌ماهه اول سال ۱۳۹۲ مطابق احکام و جداول قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور و اصلاحات بعدی آن بر مبنای سه‌دوازدهم ارقام مصوب آن با رعایت سایر قوانین و مقررات عمل نماید. ...» این متن قانونی، همه‌ی احکام قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱ کل کشور را شامل می‌شود.

آقای علیزاده - فروش سه‌دوازدهم داریم؟! ببینید، همین بحث‌ها آنجا [در کمیسیون تلفیق مجلس] انجام شد. فروش سه‌دوازدهم داریم؟!؟

نمی‌دانم، دیروز یکی از این آقایان دولتی‌ها هم به من زنگ زد و همین حرف‌ها را به من زد؛ ولی به نظر من، این کار دولت در واگذاری سهام شرکت مادر تخصصی (هلدینگ) صنایع پتروشیمی خلیج فارس در سه‌ماهه‌ی اول امسال، با این اشکال مواجه است.

آقای مدرسی‌یزدی - حالا چرا در این جزء (۱۴-۱۳)، «تا پایان سال ۱۳۹۱» گفته‌اند؟ شاید سهام آن شرکت مادر تخصصی را مثلاً تا آخر فروردین امسال فروخته باشند.

آقای علیزاده - دیگر نمی‌توانند سهام آن شرکت را بفروشند؛ قانون بودجه‌ی سال گذشته به دولت اجازه‌ی این کار را داده بود.^۱

آقای اسماعیلی - آن [مجوز فروش سهام] مربوط به قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱ بود.

آقای مدرسی‌یزدی - خب، این قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱ [با قانون بودجه‌ی سه‌دوازدهم] برای سه ماه تمدید شد دیگر.

آقای یزدی - منظور از قانون سه‌دوازدهم بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور این است که این زمان سه‌ماهه را نمی‌شود صرف چیزهای [= تعهدات] جدید کرد.

آقای علیزاده - آن [قانون سه‌دوازدهم بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور] گفته است که دولت بیاورد طبق سال گذشته، اعتبارات و احکام آن قانون را انجام بدهد؛ یعنی همان میزان بگیرد و به همان میزان هم پرداخت کند؛ نه اینکه دولت برود کارهای جدید انجام بدهد؛ مگر دولت می‌تواند چنین کند؟! یعنی می‌فرمایید دولت [با قانون سه‌دوازدهم بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور] می‌توانست الآن خودش برود یک طرح جدیدی را طبق مقررات قانون بودجه‌ی سال گذشته [= ۱۳۹۱] قرارداد ببندد؟!؟

آقای مدرسی‌یزدی - حالا باید متن این قانون سه‌دوازدهم بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور را بخوانیم دیگر.

۱. قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۲/۳۰: «... ۳-۲۴- به دولت و دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی اجازه داده می‌شود با رعایت قوانین و مقررات مربوطه در سقف سیصد و سی و پنج هزار میلیارد (۳۳۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال با فروش سهام، سهم‌الشرکه، اموال، دارایی‌ها و حقوق مالی و نیروگاه‌های متعلق به دولت و مؤسسات و شرکت‌های دولتی تابعه و وابسته، منابع حاصله را به حساب خاصی نزد خزانه واریز نماید. همچنین دولت و دستگاه‌های یادشده با رعایت قوانین و مقررات مربوطه می‌توانند علاوه بر فروش، نسبت به واگذاری موارد مذکور در سقف یادشده نیز به شرح زیر اقدام نمایند: ...»

آقای مدرسی یزدی - پس هر فروشی که دولت تا الآن [به استناد قانون سه دوازدهم بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور] کرده است، ممنوع است.

آقای علیزاده - [در قانون سه دوازدهم بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور،] کجا گفته شده است که دولت نباید قانون بودجه‌ی سال گذشته را ادامه بدهد؟ در آن مصوبه گفته شده که دولت نباید امسال سه دوازدهم آن [= قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور] را اعمال کند.

آقای مدرسی یزدی - ببینید، بر همین اساسی که بنده گفتم، ذیل قانون سه دوازدهم بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور نوشته شده است که استقراض ممنوع است، اما نگفته است که فروش ممنوع است. در آن قانون نوشته شده است که «و نیز استقراض - در هر شکل آن - در سه ماهه اول سال ۱۳۹۲ ممنوع است».^۲

آقای علیزاده - همین [حکمی که خواندید] برای سه دوازدهم گفته است که استقراض ممنوع است.

آقای مدرسی یزدی - استقراض که سه دوازدهم ندارد.

آقای یزدی - در زمان سه ماهه استقراض نمی‌تواند بکند؛ چون استقراض ...

آقای مدرسی یزدی - این مصوبه، ایراد دارد.

آقای علیزاده - آقایان، اگر در مورد هلدینگ صحبت دیگری دارند، بفرمایند.

آقای رهپیک - اگر خاطرتان باشد، این جزء (۱۴-۱۳) یک اشکالی داشت که اینها [= فروش سهام شرکت هلدینگ خلیج فارس] چند مرحله‌ای بود و دولت فقط یک بخشی از این سهام را واگذار کرده بود؛ یک پنج درصدی از سهام این شرکت را برای کشف قیمت در بورس گذاشته بودند ...

آقای ؟ - آقایان می‌گویند که واگذاری سهام این شرکت، قطعی شده است.

آقای رهپیک - آن موقعی که کشف قیمت می‌شود، یعنی قیمت اصلی تعیین می‌شود، آن وقت این واگذاری قطعی می‌شود. حالا

آقای مدرسی یزدی - تمامش؛ هر جا [در قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور] رقم دارد، رقم آن سه دوازدهم است و هر جا رقم ندارد، احکامش مُراد است؛ لذا جواز دولت بر اجرای احکام قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور، آن [= موضوع واگذاری سهام شرکت مادر تخصصی (هلدینگ) صنایع پتروشیمی خلیج فارس] را هم شامل می‌شود.

آقای یزدی - [در قانون سه دوازدهم بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور،] قید «با رعایت سایر قوانین و مقررات» آمده است.

آقای مدرسی یزدی - در این خصوص، هیچ چیز دیگری وجود ندارد تا قید با رعایت سایر قوانین و مقررات، محدودش کند.

آقای علیزاده - آن [قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور] آمده گفته است که احکام این قانون، امسال قابل اجرا است.^۱

آقای یزدی - اجازه‌ی مصرف موقت [که در قانون سه دوازدهم بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور آمده است]، شامل یک مصرف کلی قانونی بودجه‌ای نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - چرا نمی‌شود؟!

آقای یزدی - معلوم است که نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - [قانون سه دوازدهم بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور] اطلاق دارد؛ می‌گوید دولت می‌تواند مطابق احکام قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور عمل کند.

آقای یزدی - معنای اجازه این است که چون دولت نمی‌داند چگونه هزینه‌ها و دریافتی‌هایش را در سال ۱۳۹۲ انجام دهد، بر اساس قانون بودجه‌ی سال قبل عمل کند. رعایت «احکام» هم به این معنا است که اعتبارات جدید بودجه‌ای را مصرف نکن، چیزهای اجازه‌ای را ...

آقای مؤمن - احکام، غیر از عملیات است.

آقای علیزاده - ببینید حضرت آیت‌الله یزدی، همان‌طور که شما فرمودید این [قانون سه دوازدهم بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور] نمی‌خواهد بگوید که بیا بعد بودجه‌ی سال گذشته را امسال هم ادامه بدهید؛ بلکه می‌آید می‌گوید که برای سه ماهه‌ی اول، آن حکم‌هایی از قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور را که قابل سه دوازدهم است، اعمال بکنید. فروش قطعی [مثل فروش سهام شرکت مادر تخصصی (هلدینگ) صنایع پتروشیمی خلیج فارس] که سه دوازدهم و چهار دوازدهم ندارد [که در قالب قانون سه دوازدهم بودجه، قابل انجام باشد].

۱. بند (۱۱۴) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۲/۳۰: «۱۱۴- احکام این قانون در سال ۱۳۹۱ قابل اجرا است.»

۲. قانون سه دوازدهم بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۲۷: «ماده واحده- به دولت اجازه داده می‌شود ...

الف- هر نوع پرداخت مازاد بر سه دوازدهم (۳/۱۲) ردیف‌ها و مبالغ متناظر با مجوزها و احکام قانون بودجه سال ۱۳۹۱ و اصلاحیه‌های بعدی آن از هر محل اعم از ایجاد بدهی و تعهد پرداخت بعد از سه ماهه اول سال ۱۳۹۲ و یا دریافت علی‌الحساب، تنخواه و نیز استقراض - در هر شکل آن - در سه ماهه اول سال ۱۳۹۲ ممنوع است و تخطی از این حکم تصرف غیرقانونی در اموال عمومی محسوب می‌گردد.»

سه ماهه‌ی اول سال ۱۳۹۲ را در بر نگیرد، خلاف می‌دانیم.
آقای علیزاده - حضرات آقایان فقهای که می‌گویند حکم این جزء باید تا انتهای مهلت اجرای قانون سه‌دوازدهم [یعنی انتهای خرداد ۱۳۹۲] ادامه پیدا کند و باید این قید را به جای عبارت «انتهای سال ۱۳۹۱» در جزء (۱۴-۱۳) گذاشت و الا ابلاغ این مصوبه، شرعی نیست، رأی بدهند. (۲) نفر رأی دادند.

آقای مدرسی‌یزدی - بنده رأی می‌دهم.

آقای علیزاده - آقایان اعضایی که می‌فرمایند این اصلاحی که به عمل آمده است، اشکال قبلی را رفع نکرده است و در نتیجه، خلاف قانون اساسی است، رأی بدهند. خیلی خوب، این هم تأیید شد.

اشکال بعدی ما [در بند (۷) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳] این بود که «۷- منظور از واژه‌های «شبه‌دولتی»، «هواداران»، «اهلیت» و «قابلیت» در جزء الحاقی (۲) بند (۱۴-۱۳)^۲ مشخص نیست. به علاوه روش واگذاری در فراز دوم این جزء در خصوص باشگاه‌های استقلال و پیروزی روشن نیست که آیا واگذاری اینها نیز از طریق بورس انجام می‌گیرد یا خیر؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

آقای مؤمن - این جزء را عوض کرده‌اند.

آقای علیزاده - برای رفع ایراد ما به این جزء، آمده‌اند گفته‌اند که «جزء الحاقی (۲) بند (۱۴-۱۳) به شرح ذیل اصلاح می‌شود:

جزء الحاقی ۲- دولت مجاز است سهام خود در باشگاه‌های ورزشی از جمله استقلال و پیروزی را با رعایت قوانین و مقررات از طریق بورس به بخش‌های خصوصی و تعاونی واگذار و درآمد حاصل را به حساب درآمد عمومی ردیف ۳۱۰۵۲۰ واریز نماید.» چون یکی از ایرادات ما به این جزء این بود که آیا منظور این است که دولت بیاورد تمام سهام آن شرکت [= باشگاه‌های ورزشی] را بفروشد؛ که در این جزء اصلاحی گفته‌اند که نه، دولت سهامی را که در آن باشگاه‌های ورزشی دارد، بفروشد.

آقای مؤمن - الآن عبارات «شبه‌دولتی» و... همه‌اش کنار رفته است.

ممکن است این موضوع به ضرر سهامدارانی که سهام این شرکت به آنها واگذار شده است، یک اشکالی را ایجاد کند. یعنی مثلاً اگر سهام شرکت در سال ۱۳۹۱ به افرادی به صورت غیرقطعی واگذار شده است؛ یعنی بدون آنکه قیمت نهایی سهام مشخص باشد، صرفاً آن سهام واگذار شده است و قطعی شدن این واگذاری به این بوده است که ارزش سهام در بورس کشف قیمت شود، اگر معنای این موضوع این باشد که آن واگذاری‌های اول به هم بخورد ...

آقای علیزاده - آقای دکتر، همه‌ی ما این بحث را آن روز در هنگام بررسی مصوبه در مرحله‌ی اول، داشتیم^۱ که آقایان فقها آن را قبول نفرمودند. این بحث آن روز شد که آیا اینکه در واگذاری‌ها آمده‌اند تعهد به واگذاری کرده‌اند و گفته‌اند که ما سهام شرکت هلدینگ خلیج فارس را به مردم می‌دهیم و بعد، قیمت واقعی سهام را تعیین می‌کنیم، درست است یا نه؟ آقایان فقها گفتند که این کار، واگذاری سهام نیست؛ واگذاری سهام وقتی است که سهام به صورت قطعی به فروش برسد. این موضوع که در آن روز بحث شد. به همین خاطر، الآن آقایان نمایندگان مجلس، در این مصوبه‌ی اصلاحی گفته‌اند که فروش آن سهام‌هایی که تا آخر سال ۱۳۹۱ قطعی شده است، قطعی است؛ و در مورد آن سهام‌هایی که قطعی نشده است، باید طبق این جزء (۱۴-۱۳) عمل بکنند.

آقای رهپیک - [در این صورت، مردمی که این سهام را خریده‌اند، آن سهام را] برگردانند؟

آقای علیزاده - [در این جزء (۱۴-۱۳)، حکمی در مورد اینکه چنین سهام‌هایی را] برگردانند، نیست.

آقای رهپیک - یعنی سهامی که غیرقطعی واگذار شده است، برگردد؟

آقای علیزاده - مگر [فروش و واگذاری سهام شرکت هلدینگ خلیج فارس] قطعی شده است؟ اگر جناب‌عالی خانه‌ات را به صورت غیرقطعی بفروشی، می‌توانی این عمل خود را رد کنی یا نمی‌توانی؟

آقای سلیمی - وقتی مالی به صورت قطعی فروخته نشده باشد، می‌شود آن مال را برگرداند.

آقای مدرسی‌یزدی - به هر حال، ما اطلاق حکم جزء (۱۴-۱۳) این مصوبه که فقط ناظر به سهام فروخته‌شده به صورت قطعی تا آخر سال ۱۳۹۱ باشد و واگذاری قطعی‌های بعد [= تا پایان

۲. جزء الحاقی (۲) بند (۱۴-۱۳) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «جزء الحاقی ۲- به دولت اجازه داده می‌شود در سقف جزء (۳-۱۳)، سهام کلیه باشگاه‌های ورزشی دولتی و شبه‌دولتی را که به نحوی از انحا از بودجه دولتی استفاده می‌نمایند، از طریق بورس به بخش‌های خصوصی و تعاونی که از اهلیت و قابلیت لازم برخوردارند، واگذار کند.

سهام باشگاه‌های استقلال و پیروزی، چهل و نه درصد به هواداران و پنجاه و یک درصد به بخش‌های خصوصی و تعاونی که اهلیت و قابلیت آنها به تأیید وزارت ورزش و جوانان رسیده است، واگذار می‌شود.»

۱. بنگرید به: مشروح مذاکرات جلسه‌ی صبح مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۲ شورای نگهبان.

۳-۲۴)، عبارت «و به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز نماید.» اضافه می‌شود. ایراد اصل (۵۳) به این بند مطرح شده بود.

آقای یزدی - اشکالش همین بود که [منابع موضوع این بند] به خزانه نمی‌رفت. الآن در این بند اصلاحی گفته‌اند که به خزانه برود.

آقای اسماعیلی - بله، گفته بودیم که بند (۳-۲۴) با اصل (۵۳) مغایر است که در این مصوبه‌ی اصلاحی گفته‌اند منابع این بند به خزانه برود.

آقای علیزاده - بله، گفته‌اند: «به انتهای بند (۳-۲۴)، عبارت «و به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز نماید.» اضافه می‌شود.»

منشی جلسه - [ایراد بند (۱۰) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان]: «در بند (۳۵)، تجویز وصول سود سهام دولت در شرکت دولتی و مالیات متعلق به این سود توسط سازمان امور مالیاتی و در وجه خود، از این حیث که مشخص نیست که آیا اصل (۵۳) قانون اساسی رعایت می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» که [برای رفع این ابهام] عبارت «خود یا» حذف شده است. پس در وجه خزانه‌داری وصول می‌شود.

آقای علیزاده - تذکر بدهید که در این بند، از نظر عبارتی، باید عبارت «وجه خود یا» حذف بشود.

آقای سلیمی - این عبارت «خود یا» را برداشته‌اند دیگر.

آقای علیزاده - نوشته‌اند که عبارت «وجه خود یا» حذف می‌شود!؟

منشی جلسه - [با اصلاحی که کرده‌اند، عبارت این بند] «در وجه خزانه‌داری کل کشور» می‌شود.

آقای علیزاده - در وجه خزانه‌داری کل کشور که معنا ندارد! آن زمان [= در کمیسیون تلفیق مجلس] قرار بود که عبارت «وجه خود یا» را بردارند و بگویند در خزانه‌داری کل وصول می‌شود. خیلی خوب، آنچه که ما [در کمیسیون تلفیق مجلس با نمایندگان] قرار گذاشته بودیم، این نبود.

منشی جلسه - [ایراد بند (۱۱) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان]: «۱۱- در بند (۴۴)، منظور از حق انتفاع پروانه روشن نیست که آیا همان حق مالکانه است یا خیر؟ همچنین مشخص نیست که آیا شامل واگذاری‌های قبلی نیز می‌شود یا نه، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» که برای رفع این ایراد گفته‌اند: «در سطر چهارم بند (۴۴)، بعد از عبارت

آقای علیزاده - بله، همه‌اش کنار رفته است؛ یعنی در این جزء اصلاحی گفته‌اند که هر جا که دولت سهام دارد، سهامش را بفروشد و عبارات «اهلیت» و غیره را هم برداشته‌اند. [بنابراین، ایراد شورا رفع شده است.]

منشی جلسه - مجلس بند (۱۵) مصوبه^۱ را هم حذف کرده است. با توجه به اینکه بند (۳) ماده (۳۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی [اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است]، بند (۱۵) مصوبه را حذف کرده‌اند.

آقای مؤمن - حذف کرده‌اند؟

منشی جلسه - بله، حذف کرده‌اند.

آقای علیزاده - ما گفته بودیم که این بند (۱۵)، مغایر قانون اساسی است^۲ که حالا این بند را حذف کرده‌اند.

منشی جلسه - [ایراد بند (۹) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان]: «۹- در بند (۲-۲۱)، واژه «فاینانس» بدون معادل فارسی آن به کار رفته است که لازم است مانند بند (۱-۲۱) اصلاح گردد.» که به همین ترتیب اصلاح کرده‌اند.

آقای علیزاده - [در مورد بند (۲-۲۱)] گفته‌اند که «قبل از کلمه «فاینانس»، عبارت «تأمین مالی خارجی» اضافه می‌شود.»

منشی جلسه - بند (۳-۲۴)^۳ مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شده بود^۴ که برای رفع این ایراد، گفته‌اند: «به انتهای بند

۱. بند (۱۵) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۵- عبارت «معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور» جایگزین بند (۳) ماده (۳۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی می‌شود.»

۲. بند (۸) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، مصوب ۱۳۹۲/۳/۷ مجلس: «۸- در بند (۱۵)، با توجه به اینکه بند (۳) ماده (۳۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است، اصلاح آن به این صورت مغایر اصل (۱۱۲) قانون اساسی و نظریه تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان می‌باشد.»

۳. بند (۳-۲۴) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «۳-۲۴- وزارت نیرو مکلف است دوازده هزار میلیارد (۱۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال جهت کنترل و بهره‌برداری هر چه سریع‌تر از آب‌های مرزی از طریق فروش اموال و سهم‌الشرکه و یا اوراق مشارکت با تضمین دولت اقدام نماید.»

۴. بند (۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، مصوب ۱۳۹۲/۳/۷ مجلس: «۵- بندهای (۱۰)، (۳-۲۴) و همچنین بندهای الحاقی سوم و هشتم مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد.»

کسی که دارد استخراج می‌کند، می‌گیرند؛ چون پروانه برای دولت است، به او [= دارنده‌ی پروانه‌ی بهره‌برداری از معدن] می‌گویند که باید تو این حق را پرداخت کنی. این دو را از هم جدا کرده‌اند. الآن تنها دلیلی که اینجا پیدا کرده‌اند و گفته‌اند در مورد آنجاهایی که قبلاً واگذار شده است، چون حق انتفاع پروانه‌ی بهره‌برداری برای دولت است و دولت حق انتفاع را به دیگران داده است، حق دولت و آن حق انتفاع را شرکت دولتی پرداخت می‌کند و حق انتفاع از پروانه را این بهره‌بردار می‌دهد. این تبصره‌ی الحاقی، این را گفته است.

آقای مدرسی یزدی - یعنی دو پروانه دارد؛ یک پروانه، دولت دارد و یک پروانه، اشخاص دارند. آن معدن‌هایی که اشخاص، طبق پروانه‌ی خودشان استخراج می‌کنند ...

آقای علیزاده - آن معدن‌ها همچنین چیزی [= حقوق دولتی] را نمی‌دهند؛ آنها فقط حقوق مالکانه می‌دهند.

آقای مدرسی یزدی - نه دیگر، حق انتفاع دارد. حق انتفاع حقی است که به دارنده‌ی پروانه ...

آقای علیزاده - بله، آنها حق انتفاع را می‌دهند؛ اما آنهایی که حق انتفاع ...

آقای یزدی - حق انتفاع برای کسی است که پروانه‌ی انتفاع دارد؛ یعنی اجازه گرفته است از این معدن خاص استفاده کند.

آقای علیزاده - سازمان بورس می‌گوید که این شرکت‌های چادرملو و گل‌گهر یزد یا کرمان را به مردم واگذار کرده‌اند و بعداً آمده‌اند پروانه‌ی بهره‌برداری را به نام سازمان توسعه و نوسازی معادن ایران (ایمیدرو) که برای دولت است، گرفته‌اند. الآن اینها [= دولتی‌ها] می‌گویند که شرکت‌های چادرملو و گل‌گهر فقط آن حق انتفاعی را که در ماده (۱۲) آمده است،^۱ به ما می‌دهند؛ خروار خروار سنگ و شمش و این‌طور چیزها را

«شمش فولاد خوزستان» عبارت «از سنگ آهن، دانه‌بندی و یا کنستانتره اخذ و» اضافه می‌شود. یعنی بند (۴۴) مصوبه به این ترتیب می‌شود: «۴۴- کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی استخراج‌کننده معادن سنگ آهن که پروانه بهره‌برداری آنها به نام سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران و یا شرکت‌های تابعه می‌باشد، موظفند بابت حق انتفاع دارنده پروانه بهره‌برداری (به مأخذ حداقل پنج درصد (۵٪) میانگین قیمت آزاد (دوره سه‌ماهه) شمش فولاد خوزستان) از سنگ آهن، دانه‌بندی و یا کنستانتره اخذ و به حساب درآمد عمومی موضوع ردیف ۱۳۰۴۱۹ جدول شماره (۵) این قانون واریز نمایند. ...»

آقای علیزاده - متن اصلاح‌شده‌ی این بند (۴۴)، دنباله هم دارد؛ آن را بخوانید و بعد اینجا را بخوانید. [مجلس در این مصوبه‌ی اصلاحی] آمده گفته است که «بعد از عبارت «شمش فولاد خوزستان»، عبارت «از سنگ آهن، دانه‌بندی و یا کنستانتره اخذ و» اضافه شود؛ به این عبارت که ما ایراد نگرفته بودیم.

آقای مدرسی یزدی - پس، ابهام ما را حل نکرده‌اند.

آقای علیزاده - نه، [مصوبه‌ی اصلاحی مجلس در این خصوص] دنباله دارد.

آقای مدرسی یزدی - کنستانتره هم معادل دارد و باید معادلش را بیاورند.

منشی جلسه - در ادامه، این تبصره را به بند (۴۴) اضافه کرده‌اند: «تبصره الحاقی ۲- حقوق دولتی حقی است که به استناد ماده (۱۲) قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲ پرداخت می‌گردد. حق انتفاع حقی است که به دارنده پروانه بهره‌برداری از معدن تعلق می‌گیرد تا مطابق این بند توزیع گردد. حق انتفاع پروانه بهره‌برداری مربوط به گذشته صرفاً شامل معادنی است که پروانه بهره‌برداری آن متعلق به سازمان توسعه و نوسازی معادن ایران بوده است.»

آقای علیزاده - سازمان بورس و اوراق بهادار یک دعوی بزرگی با آقایان وزارت صنعت، معدن و تجارت دارند. اینها آمدند گفتند که سازمان بورس می‌گوید که ما قبلاً معادن را واگذار کرده‌ایم ... **آقای مؤمن -** این یک تبصره را اضافه کرده‌اند.

آقای علیزاده - ایراد ما این بود که «در بند (۴۴)، منظور از حق انتفاع پروانه روشن نیست که آیا همان حقوق مالکانه است یا خیر؟ همچنین مشخص نیست که آیا شامل واگذاری‌های قبلی نیز می‌شود یا نه، ابهام دارد.» آقایان [= نمایندگان مجلس] در این مصوبه‌ی اصلاحی تعریف کرده‌اند؛ گفته‌اند که حقوق دولتی، حقی است که به استناد ماده (۱۲) قانون معادن گرفته می‌شود؛ آن هم از دارنده‌ی پروانه گرفته می‌شود. اما این حق انتفاع پروانه را از آن

۱. ماده (۱۲) قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲: «ماده ۱۲- ماده

(۱۴) قانون به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۴- دارنده پروانه بهره‌برداری باید درصدی از بهای ماده معدنی موضوع پروانه را به نرخ روز در سر معدن به صورت استخراج‌شده یا کانه‌آرایی‌شده یا فرآوری‌شده در چهارچوب بودجه مصوب به تشخیص وزارت صنعت، معدن و تجارت به عنوان حقوق دولتی به وزارت صنعت، معدن و تجارت پرداخت نماید. ضوابط تعیین زمان و میزان درصد یادشده با توجه به عوامل مؤثری همچون محل و موقعیت معدن، شرایط و موقعیت منطقه، میزان و نوع کانه‌آرایی، وضعیت ذخیره معدنی، روش استخراج، تعهدات و سود ترجیحی بهره‌بردار در آیین‌نامه اجرایی این قانون مشخص می‌شود. درآمدهای حاصل از اجرای این ماده به حساب خزانه‌داری کل کشور منظور می‌گردد.»

چون ما این شرکت‌ها را این‌طور [و با این وضعیت که پروانه‌ی بهره‌برداری آنها متعلق به ایمیدرو باشد]، واگذار نکرده‌ایم. ما در جواب به آنها گفتیم که شما [= سازمان بورس و ایمیدرو] در این مسئله، با هم یک اختلاف و دعوی دارید که در دادگستری مطرح است و باید از آن طریق حل بشود.

آقای مدرسی‌یزدی - در این تبصره‌ی الحاقی می‌گوید که حق انتفاع حقی است که به دارنده‌ی پروانه بهره‌برداری از معدن تعلق می‌گیرد که این، روشن است؛ یعنی یک کسی مالک پروانه است و با پروانه‌ی خودش می‌رود از معدن بهره‌برداری می‌کند. در اینجا، مالک این پروانه یک چنین حقی را [به عنوان حقوق دولتی] به دولت می‌دهد. ولی آن جمله‌ی آخر این تبصره‌ی الحاقی که در مورد حق انتفاع پروانه‌ی بهره‌برداری مربوط به گذشته است، صرفاً شامل معادنی است که پروانه‌ی بهره‌برداری آن متعلق به سازمان توسعه و نوسازی معادن ایران بوده است.

آقای علیزاده - پروانه‌ی بهره‌برداری برای سازمان توسعه و نوسازی معادن ایران است که الان اجازه داده است تا بهره‌برداری را شرکت گل‌گهر برای خودش بکند. [سازمان توسعه و نوسازی معادن ایران] می‌گوید که باید شرکت گل‌گهر به من حق انتفاع پروانه‌ی بهره‌برداری بدهد و حقوق دولتی را که برای دولت و موضوع ماده (۱۲) قانون اصلاح قانون معادن است، من [= سازمان توسعه و نوسازی معادن ایران] پرداخت می‌کنم.

آقای مدرسی‌یزدی - باید [حق انتفاع پروانه‌ی بهره‌برداری را] به سازمان توسعه و نوسازی معادن ایران بدهد.

آقای علیزاده - بله، طبق ماده (۱۲) قانون اصلاح قانون معادن، [حق انتفاع پروانه‌ی بهره‌برداری را] به سازمان توسعه و نوسازی معادن ایران پرداخت می‌کند. از این به بعد، می‌خواهند واگذار کنند و تکلیف را روشن کنند. اینها [= سازمان بورس] حرفشان این است.

آقای مدرسی‌یزدی - این وسط، اشکال شرعی پیدا نمی‌کند؟ اگر یک چیزی را به صورت قطعی فروخته‌اند و او [مثلاً شرکت گل‌گهر] مالک شده است ...

آقای علیزاده - اینها [= سازمان توسعه و نوسازی معادن ایران و دولت] می‌گویند که ما [پروانه‌ی بهره‌برداری را به این شرکت‌ها] به صورت قطعی فروخته‌ایم. اینها می‌گویند آنجا [= در چادرملو یزد یا گل‌گهر سیرجان] یک کارخانه‌ای بوده است که کار این کارخانه این است که می‌رود از معدن، سنگ برمی‌دارد و از آن، مس یا فولاد می‌گیرد. ما [= دولت] آمده‌ایم آن کارخانه را به اینها [= شرکت‌های چادرملو و گل‌گهر] واگذار کرده‌ایم، اما

می‌برند استفاده می‌کنند و هیچ چیز به ما نمی‌دهند. دولت در مورد آن شرکت‌های بهره‌بردار معدنی که مردم آنها را از طریق بورس خریده‌اند، می‌گوید پروانه‌ی بهره‌برداری این شرکت‌ها برای من است؛ سازمان ایمیدرو که دولتی است،^۱ این را می‌گوید؛ می‌گوید حقوق دولت را من مثل شرکت ملی نفت ایران پرداخت می‌کنم، اما حق بهره‌برداری که برای من ایمیدرو است را باید آن شرکت‌ها به من بدهند. البته هیچ کدام از شرکت‌ها حق بهره‌برداری را به این سازمان نمی‌دهند، بلکه همه‌ی این حق بهره‌برداری‌ها به حساب خزانه‌داری می‌رود. اینها دعوی‌شان روی این موضوع است. [الآن با این مصوبه‌ی اصلاحی هم] باز دعوی‌شان ختم نشده است ولی ما [در کمیسیون تلفیق مجلس] این مصوبه را از جهت تعریف درست کردیم. حالا اینها می‌گویند شرکت‌هایی که پروانه‌ی بهره‌برداری برای خودشان است و خودشان پروانه‌ی بهره‌برداری گرفته‌اند، فقط حق انتفاع را می‌دهند و آن شرکت‌هایی که حق بهره‌برداری از پروانه برای یک شخص است و حق انتفاع برای دیگری است، این دو تا [= حقوق دولتی و حق انتفاع] را بهره‌بردار نمی‌دهد؛ یکی را آنکه پروانه دارد، می‌دهد و یکی را هم دارنده‌ی حق انتفاع می‌دهد. دولتی‌ها ناراحت بودند که این موضوع اشکال پیدا می‌کند. ما هم این‌طوری حلش کردیم. البته سازمان بورس راضی نشد؛ آنها می‌گویند که این بند اشکال دارد؛

۱. مواد (۱) و (۲) قانون تأسیس سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران مصوب ۱۳۴۶/۴/۲۶ با اصلاحات بعدی آن: «ماده ۱ (اصلاحی ۱۳۵۸/۷/۲۴) - به دولت اجازه داده می‌شود به منظور گسترش و نوسازی صنایع و معادن کشور از راه بررسی‌های علمی و صنعتی و تهیه تربیت کادر مدیریت و تأسیس شرکت‌های صنعتی و معدنی و خدمات و یا مشارکت در آنها و کمک و راهنمایی‌های فنی به واحدهای صنعتی و معدنی، مؤسسه مستقلی به نام سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران که در این قانون سازمان نامیده می‌شود، تأسیس و اساسنامه آن را پس از تصویب کمیسیون‌های اقتصاد و دارایی و امور استخدام مجلسین به مورد اجرا بگذارد. تغییر و یا اصلاح اساسنامه به پیشنهاد مجمع عمومی سازمان با تصویب هیئت وزیران به عمل خواهد آمد.

ماده ۲- سازمان دارای شخصیت حقوقی است و به صورت شرکت سهامی اداره می‌شود. این سازمان و کلیه شرکت‌ها و واحدهای تابعه و وابسته به آن از هر لحاظ استقلال کامل داشته و تابع قوانین و مقررات و آیین‌نامه‌های عمومی مربوط به مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و قانون محاسبات عمومی نمی‌باشد، مگر آنکه در قانون مربوط صراحتاً از سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران اسم برده شود. این سازمان و کلیه شرکت‌های وابسته منحصراً تابع این قانون و مقررات اساسنامه خود بوده و در مواردی که در این قانون و اساسنامه پیش‌بینی نشده باشد، سازمان تابع مقررات قانون تجارت بوده و بر طبق اصول بازرگانی اداره می‌شود.»

معدن را که به اینها واگذار نکرده‌ایم. **آقای مدرس‌یزدی** - آن معادن برای خود سازمان [توسعه و نوسازی معادن ایران (ایمیدرو)] است. **آقای علیزاده** - الان در این مسئله با هم اختلاف دارند. **آقای مدرس‌یزدی** - آن اختلاف به ما ربطی ندارد. **آقای امیری** - وزیر صنعت، معدن و تجارت هم با من تماس گرفتند و همین فرمایش آقای علیزاده و مثالی که ایشان زد را می‌گفت. ایشان می‌گفتند مثال این مسئله عین این می‌ماند که ما یک پالایشگاه را به شخصی بدهیم و بگوییم که با این کار، چاه نفت را هم واگذار می‌کنیم. ما اجازه‌ی بهره‌برداری از این چاه را می‌دهیم، ولی چاه برای دولت است. فقط آن شخص مجوز بهره‌برداری دارد. مثال این مسئله هم دقیقاً همین‌طوری است. سازمان بورس می‌گوید که نه، این‌طور نیست. اگر این نظر و خواسته‌ای که وزارت صنعت و معدن می‌خواهد، اتفاق بیفتد، ارزش بازار بورس پایین می‌آید. دعوای بین سازمان بورس و وزارت صنعت، معدن و تجارت یک چنین مسئله‌ای است. این [اصلاحی که مجلس در بند (۴۴) مصوبه‌ی خود انجام داده است] هم، هیچ‌کدام آنها را راضی نمی‌کند؛ ولی [یک موضع و نظر] بینابین است؛ چاره‌ای غیر از این نداریم.

آقای علیزاده - آنها [= شرکت‌های چادرملو و گل‌گهر و...] دولتی‌ها را راضی می‌کنند. دولتی‌ها راضی شدند؛ آقای وزیر آمدند [و موافقت کردند]؛ ولی اینها [= سازمان بورس و اوراق بهادار] راضی نشدند و مجلسی‌ها هم می‌گفتند که شما در شورای نگهبان، خوب به این بند ایراد گرفته‌اید. جریان از این قرار است که اینها [= سازمان بورس با وزارت صنعت، معدن و تجارت] روی نحوه‌ی واگذاری با هم اختلاف دارند؛ یعنی متن واگذاری طوری روشن نبوده است که این اختلاف پیش نیاید. حرف دولت این است که آنجا [= در چادرملو یزد یا گل‌گهر سیرجان] یک خاکی را مثلاً برای مس کرمان برمی‌دارند، در ماشین می‌ریزند و می‌برند و در سال هم دو میلیارد استفاده می‌کنند [و با این حال،] به دولت هم هیچ چیزی پرداخت نمی‌کنند. خب، این معدن متعلق به مردم است.^۱ حالا آقایان

آقای علیزاده - [باید عبارت سطر آخر این بند را این‌طور می‌نوشتند که] جریمه‌ها را به نرخ سالانه ۱۵ درصد پرداخت نمایند؛ یعنی به جای «جبران نمایند»، باید می‌گفتند «پرداخت

آقای مؤمن - نه، نمی‌خواهد. **آقای یزدی** - پس، اشکال شما همین بوده است که منظور از ضرر و زیان در بند (۵۹)، جریمه است یا نه؟ مجلس هم گفته است که بله، منظورم جریمه است.

آقای علیزاده - [باید عبارت سطر آخر این بند را این‌طور می‌نوشتند که] جریمه‌ها را به نرخ سالانه ۱۵ درصد پرداخت نمایند؛ یعنی به جای «جبران نمایند»، باید می‌گفتند «پرداخت

۲. بند (۵۹) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «۵۹- کلیه سازمان‌های بیمه‌گر خدمات درمانی موظفند شصت درصد (۶۰٪) صورت‌حساب‌های ارسالی از سوی مؤسسات و مراکز بهداشتی و درمانی و بیمارستان‌های طرف قرارداد را قبل از رسیدگی حداکثر ظرف دو هفته به عنوان علی‌الحساب و بقیه مطالبات را حداکثر تا سه ماه پس از تحویل اسناد مربوط، پرداخت کنند. در صورت عدم اجرای حکم این بند، سازمان‌های بیمه‌گر موظفند ضرر و زیان آن را به نرخ سالانه پانزده درصد (۱۵٪) جبران نمایند.»

۳. مصوبه‌ی اصلاحی مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۹ مجلس شورای اسلامی در خصوص بند (۵۹): «در سطر آخر بند (۵۹)، کلمه «جریمه‌ها» جایگزین عبارت «ضرر و زیان» می‌شود.»

۱. اصل چهل و پنجم قانون اساسی: «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.»

که مجلس این بند را به این ترتیب اصلاح کرده است: «عبارت «در نه‌ماهه سال ۱۳۹۲» جایگزین عبارت «از تاریخ تصویب این قانون» می‌شود و بعد از عبارت «سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌های کشور را» عبارت «به عنوان بیست درصد (۲۰٪) حق بیمه سهم کارفرما» اضافه می‌شود.

در پاراگراف دوم بعد از عبارت «مکلف است» عبارت «تکالیف مذکور در قانون فوق را از محل وجوه پرداختی انجام دهد و کلیه کارگران ساختمانی را تحت پوشش بیمه‌ای این قانون قرار داده» حذف و عبارت «با رعایت قوانین و مقررات مربوط و دریافت هفت درصد (۷٪) حق بیمه سهم بیمه‌شده از کارگر و بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما هشتصد هزار نفر از کارگران ساختمانی را بیمه نماید.» جایگزین می‌شود.

آقای علیزاده - ببینید، الآن این موضوع بیمه‌ی کارگران ساختمانی، قانون دائمی دارد.^۸ طبق آن قانون دائمی قرار بود که چند هزار نفر کارگر ساختمانی را - به نظرم یک میلیون و دویست هزار نفر را - بیمه کنند. اینها [= دولت] آمده‌اند یک تعدادی از کارگران ساختمانی را بیمه کرده‌اند و بقیه را بیمه نکرده‌اند. پارسال مجلس یک مصوبه‌ی موقت تصویب کرد تا این قانون را اصلاح کند که ما ایراد گرفتیم.^۹ امسال آمدند برای



متوقف می‌شود. سازمان مالیاتی مکلف است معادل مبلغ نه هزار میلیارد (۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال عوارض ارزش افزوده شهرداری‌ها و دهیاری‌ها از محل منابع مندرج در بندهای (ج) و (د) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده متمرکز نزد سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌های کشور را برای بیمه کارگران ساختمانی به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نماید.

سازمان تأمین اجتماعی مکلف است تکالیف مذکور در قانون فوق را از محل وجوه پرداختی انجام دهد و کلیه کارگران ساختمانی را تحت پوشش بیمه‌ای این قانون قرار داده و گزارش عملکرد خود در این خصوص را هر سه ماه یک‌بار به کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات و اجتماعی مجلس شورای اسلامی ارسال نماید. کارفرمایان امور ساختمانی موظفند کارگران ساختمانی غیرمشمول این بند را بیمه حوادث حین کار نموده و اسناد مربوطه را به مراجع صدور پروانه ارائه نمایند.

۷. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، مصوب ۱۳۹۲/۳/۷ مجلس: «۱۵- بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۶)، (۵۵) و (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

۸. قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶/۸/۹. ۹. به نظر می‌رسد منظور، «طرح رفع موانع اجرایی قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی و نحوه مجازات متخلفان مصوب ۱۳۹۱/۹/۲۹» است که پس از دو مرحله رفت و برگشت این مصوبه بین مجلس و شورای نگهبان، نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۲ به تأیید شورای نگهبان رسید.

نمایند». حالا اینکه جریمه را با عبارت «جبران نمایند» آورده‌اند هم اشکال ندارد.

منشی جلسه - ایراد بعدی [در بند (۱۲) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان]، ایراد غیر بودجه‌ای بودن مصوبه بوده است^۱ که تبصره‌ی الحاقی بند (۶۱) را حذف کرده‌اند.^۲ بند (۶۵) هم به همین ترتیب است.^۳

آقای یزدی - این روش بدی است که در حال رسیدگی و تصویب بودجه در مجلس بخواهند قانون‌گذاری هم بکنند.

منشی جلسه - بند (۶۶) هم حذف شده است.^۴

آقای علیزاده - «بیومتریک» را هم به «زیست‌سنجی» تبدیل کرده‌اند.^۵

منشی جلسه - در بند (۱۵) ایراداتمان [در نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان] گفته بودیم: بند الحاقی (۱۰)،^۶ غیر بودجه‌ای است و مغایر اصل (۵۲) است^۷

۱. بند (۱۲) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، مصوب ۱۳۹۲/۳/۷ مجلس: «۱۲- نظر به اینکه تبصره الحاقی بند (۶۱) دارای ماهیت بودجه‌ای نیست، مغایر اصل (۵۲) شناخته شد. علاوه بر این از حیث عدم تعیین منبع، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی است.»

۲. مصوبه‌ی اصلاحی مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۹ مجلس شورای اسلامی در خصوص تبصره‌ی الحاقی بند (۶۱): «تبصره الحاقی بند (۶۱)، حذف می‌شود.»

۳. بند (۱۳) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، مصوب ۱۳۹۲/۳/۷ مجلس: «۱۳- بندهای (۶۵)، (۶۶) و الحاقی (۳۷)، از حیث عدم ذکر منبع اشکال دارد.» مصوبه‌ی اصلاحی مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۹ مجلس شورای اسلامی در خصوص بند (۶۵): «بند (۶۵) حذف می‌شود.»

۴. بند (۱۳) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، مصوب ۱۳۹۲/۳/۷ مجلس: «۱۳- بندهای (۶۵)، (۶۶) و الحاقی (۳۷)، از حیث عدم ذکر منبع اشکال دارد.» مصوبه‌ی اصلاحی مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۹ مجلس شورای اسلامی در خصوص بند (۶۵): «بند (۶۶) حذف می‌شود.»

۵. بند (۱۴) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، مصوب ۱۳۹۲/۳/۷ مجلس: «۱۴- در بند الحاقی (۲)، استفاده از واژه «بیومتریک»، مغایر اصل (۱۵) قانون اساسی شناخته شد.»

مصوبه‌ی اصلاحی مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۹ مجلس شورای اسلامی در خصوص بند الحاقی (۲): «در بند الحاقی (۲)، قبل از کلمه «بیومتریک»، کلمه «زیست‌سنجی» اضافه می‌شود.»

۶. بند الحاقی (۱۰) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «بند الحاقی ۱۰- از تاریخ تصویب این قانون پرداخت حق بیمه و ارائه اسناد در زمان صدور پروانه ساختمان موضوع قانون بیمه اجتماعی کارگران ساختمانی در شهرها و روستاهای کشور



بیمه‌ی سهم کارفرما برای بیمه‌ی کارگران ساختمانی را تأمین نمی‌کند. اینها [= نمایندگان مجلس] آمدند جمع و ضرب کردند و به ما گفتند که این مبلغ (۹۰۰) میلیارد تومان است، در حالی که حق بیمه‌ی سهم کارفرما برای بیمه‌ی کارگران ساختمانی، اگر با حداقل دستمزد بخواهیم حساب بکنیم، (۸۰۰) میلیارد تومان می‌شود و لذا ما به اینها [= سازمان تأمین اجتماعی] اضافه هم داده‌ایم. به نظر من، اشکال ما بر این مصوبه رفع شده است.

منشی جلسه - مجلس در ادامه‌ی اصلاحیه‌ی بند الحاقی (۱۰) گفته است: «... در پاراگراف دوم بعد از عبارت «مکلف است» عبارت «تکالیف مذکور در قانون فوق را از محل وجوه پرداختی انجام دهد و کلیه کارگران ساختمانی را تحت پوشش بیمه‌ای این قانون قرار داده» حذف و عبارت «با رعایت قوانین و مقررات مربوط و دریافت هفت درصد (۷٪) حق بیمه سهم بیمه‌شده از کارگر و بیست درصد (۲۰٪) سهم کارفرما هشتصد هزار نفر از کارگران ساختمانی را بیمه نماید.» جایگزین می‌شود.»

آقای عزیززاده - با این اصلاحیه، مجلس آمده یک کمی محکم‌کاری کرده است.

آقای مؤمن - ایراد این بند الحاقی چه بود؟

منشی جلسه - حاج‌آقا، ایراد را خواندم. گفته بودیم که این بند الحاقی، غیر بودجه‌ای است.

آقای عزیززاده - بله، ایراد ما همان بود که گفتند. در این اصلاحی که صورت گرفته، مجلس گفته است که باید کارفرما بیست درصد (۲۰٪) بابت حق بیمه بدهد و هفت درصد (۷٪) حق بیمه را هم خود کارگر می‌دهد. مجلس می‌گوید شمایی که می‌گویید با حکم بند الحاقی (۱۰)، سازمان تأمین اجتماعی ضرر می‌کند، ما همه‌ی اینها را در این بند حساب و کتاب کردیم و گفتیم تعداد کارگرانی که تحت پوشش بیمه‌ای قرار می‌گیرند، (۸۰۰,۰۰۰) نفر باشد، نه بیشتر. چون مسئولان سازمان تأمین اجتماعی می‌گفتند که با حکم بند الحاقی (۱۰)، شوهر تاکسی هم الآن می‌آید بیمه می‌شود. حالا مجلسی‌ها گفته‌اند که [چون در این بند بر عبارت «با رعایت قوانین و مقررات مربوط» تصریح شده است،] طبق آن قانون [= قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی]^۲ که گفته است کارگران برای مشمول بیمه‌شدن، باید

ما در آنجا [= کمیسیون تلفیق] حساب کردند. الآن تنها کاری که شده است، این است که گفته شده امسال [حق بیمه‌ی سهم کارفرما برای بیمه کارگران ساختمانی را] از این ردیف بدهید و از آن سازندگان ساختمان چیزی نگیرید.^۱ اگر حالا اگر در سال بعد، در بودجه‌ی مصوب، چنین ردیفی پیش‌بینی نشد، دوباره بر اساس قانون سابق، حق بیمه این کارگران را از سازندگان ساختمان می‌گیرند. ما چیزی را آنجا [در مورد ردیف مزبور و سهم هر دستگاه] نمی‌خواهیم بگوییم؛ اما در خصوص شهرداری‌ها که به این اصلاح صورت‌گرفته اعتراض داشتند و می‌گفتند که سهم ما [از آن ردیف و منبع اعتباری] کم می‌شود، اینها [= دولتی‌ها] گفتند که اولاً در طول سال گذشته، وزارت کشور یک قران از این پول و ردیف اعتباری را به شهرداری‌ها نداده است؛ ثانیاً پارسال این عوارض بر اساس نرخ (۱۰۰) تومان گرفته می‌شد و امسال گفته‌ایم که بر مبنای نرخ (۴۶۷) تومان بگیرند؛ یعنی در مورد آن ردیف، با وجود گرفتن این بیست درصد (۲۰٪) حق بیمه‌ی سهم کارفرما از آن ردیف، سهم شهرداری‌ها را هم اضافه کرده‌ایم. بنابراین، از سهم شهرداری‌ها نه تنها چیزی کم نمی‌شود، بلکه زیاد هم می‌شود، به شرط اینکه این پول را بتوانند از دولت بگیرند. ظاهراً با این اصلاحاتی که در این بند الحاقی به عمل آورده‌اند، اشکال رفع می‌شود. یعنی خود دولت هم موظف بود که تا آخر امسال، همه‌ی این کارگران ساختمانی را بیمه بکند. اینها [= نمایندگان مجلس] آمده‌اند در این مصوبه، مجلس را تأمین کرده‌اند و حداقل دستمزد را پیش من حساب کردند. سازمان تأمین اجتماعی می‌گفت که این ردیف، حق

۱. قانون اصلاح ماده (۵) قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶، مصوب ۱۳۸۷/۱۲/۱۴: «ماده واحده - ماده (۵) قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶/۸/۹ به شرح ذیل اصلاح می‌شود: ماده ۵- در مواردی که انجام کارهای ساختمانی مستلزم اخذ پروانه می‌باشد مراجع ذی‌ربط مکلفند صدور پروانه را منوط به ارائه رسید پرداخت حق بیمه برای هر متر مربع نمایند. حق بیمه متعلقه برای هر متر مربع زیربنا بر اساس حداقل دستمزد ماهیانه مصوب شورای عالی کار و بر مبنای ارزش معاملاتی املاک و متراژ و طبقات موضوع ماده (۶۴) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن، سطح زیربنا و سایر شاخص‌های ارزش‌گذاری منطقه‌ای اعم از شهری و روستایی با توجه به ضریب محرومیت آنها طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و با هماهنگی سایر دستگاه‌های ذی‌ربط تهیه و حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. در هر صورت، نرخ حق بیمه با توجه به شاخص‌های مورد اشاره در آیین‌نامه موصوف نباید بیش از چهار درصد (۴٪) حداقل دستمزد ماهیانه مصوب شورای عالی کار باشد.»

۲. ماده (۳) قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی مصوب ۱۳۸۶/۸/۹: «ماده ۳- وزارت کار و امور اجتماعی (سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای) موظف است نسبت به فراخوان و آموزش کارگران شاغل در کارهای ساختمانی اقدام و کارت مهارت فنی برای آنها صادر نماید.»

«مالیات» می‌شود.»

آقای علیزاده - البته بند الحاقی (۱۲) را درست نکرده‌اند. البته آقایان [فقها به این بند] ایراد نگرفته‌اند که چرا در این بند گفته‌اند بیایند صد درصد (۱۰۰٪) سود اعطایی بالاتر از نرخ سود مصوب قانونی را به عنوان مالیات بگیرند. آخر بانک‌ها در این مورد یک ایراد بزرگی دارند که حضرت آیت‌الله جنتی هم در جریان هستند؛ بانک‌ها می‌گویند که الان تسهیلات دو جور است که ما در مورد یک قسمت آن حرفی نداریم؛ اما در مورد این قسمت از تسهیلات که بانک‌ها می‌روند با انعقاد قرارداد علی‌الحساب با افراد، پول آنها را می‌گیرند، ایراد داریم. یعنی مثلاً بانک‌ها به افراد می‌گویند که به شما سود علی‌الحساب بیست درصدی (۲۰٪) می‌دهیم، بعداً که آن کار سرمایه‌گذاری تمام شد، ممکن است که سود آن سرمایه‌گذاری بیست و دو درصد (۲۲٪) بشود. مجلس در این بند الحاقی (۱۲) می‌گوید که آن دو درصد (۲٪) را دیگر به این افراد سرمایه‌گذار ندهید؛ بلکه این دو درصد (۲٪) سود اضافی را بیایید به دولت بدهید. آقایان [فقها] می‌گویند که این حکم اشکال شرعی دارد. واقعاً هم اشکال دارد. ببینید، همه‌ی شما وقتی که پولی را در بانک برای سرمایه‌گذاری می‌گذارید بانک به صورت علی‌الحساب با شما قرارداد می‌بندد که مثلاً به شما سود بیست درصد (۲۰٪) بدهد. این مقدار سود بیست درصدی (۲۰٪) را که در قرارداد آمده است، از بانک می‌گیرید؛ چون این مقدار سود، تضمینی است. اما اگر در واقع در معامله سود بیشتری از آن سود بیست درصدی (۲۰٪) حاصل شود، در بند الحاقی (۱۲) گفته شده است که بانک‌ها آن مقدار سود حاصل‌شده‌ی بیشتر از بیست درصد (۲۰٪) را به عنوان فلان به دولت بدهند.

آقای جنتی - به عنوان مالیات.

آقای علیزاده - قبلاً به عنوان «مالیات» گفته بودند؛ الان اصلاح کرده‌اند و گفته‌اند که به عنوان «جریمه» این مقدار سود بیشتر را بدهند. چه جریمه‌ای؟ [چرا باید جریمه بدهند؟]

آقای مؤمن - چه جریمه‌ای؟ جریمه بدتر است.

آقای علیزاده - بله، جریمه بدتر است. البته شما فقهای شورا به این بند الحاقی (۱۲) ایراد نگرفتید؛ ولی با این اصلاحی که الان مجلس در این بند انجام داده است، واقعاً می‌شود به آن ایراد گرفت. ببینید، ما واقعاً در زمان بررسی مصوبه‌ی مجلس در مرحله‌ی اول، متوجه این موضوع در بند الحاقی (۱۲) نشدیم.

آقای یزدی - بند الحاقی (۱۲) می‌گفت که «در صورتی که سود

مهارت فنی داشته باشند، در این بند به همه‌ی آن افراد کارگر این شرایط را مقید کرده‌اند. یعنی با اصلاحی که انجام داده‌اند، یک کاری کردند که راه سوءاستفاده‌ها هم بسته شود.

آقای یزدی - معیناً رقم و تعداد کسانی را که باید بیمه بشوند، معین کرده‌اند. همچنین رقم پولی هم که سهم کارفرما و کارگر در پرداخت حق بیمه است، مشخص شده است.

آقای علیزاده - بله، سهم هر یک از کارگر و کارفرما را در پرداخت حق بیمه مشخص کرده‌اند. بعد هم گفته شده است که همین جور هر کسی را تا سقف (۸۰۰) هزار نفر بیمه نکنند؛ بلکه طبق آن قانونی که گفته است باید کارگران ساختمانی بروند از سازمان فنی و حرفه‌ای کارت مهارت فنی بگیرند، عمل شود.

آقای یزدی - بله، در این بند اصلاحی «با رعایت قوانین و مقررات مربوط» گفته شده است.

آقای علیزاده - کارگران ساختمانی باید بیایند از سازمان فنی و حرفه‌ای گواهی مهارت فنی بگیرند و یا اگر این گواهی را دارند، می‌توانند بیایند طبق این بند بیمه بشوند. باید همه‌ی این شرایط را رعایت بکنند.

آقای مؤمن - همه‌ی قوانین باید رعایت بشود.

آقای علیزاده - بله، همه‌ی قوانین باید لحاظ بشود.

آقای جنتی - پس ایراد بند الحاقی (۱۰) با اصلاحاتی که در آن صورت گرفته است، رفع شده است.

منشی جلسه - شورای نگهبان به بند الحاقی (۱۲)^۱ ایرادی نداشت؛ ولی مجلس خودش این بند را به این شکل اصلاح کرده است: «در بند الحاقی (۱۲) کلمه «جریمه»، جایگزین کلمه

→

تبصره ۱- زمان‌بندی، شرایط و ترتیب صدور، تمدید، تعلیق و کارت مهارت فنی و نحوه شناسایی کارگران شاغل در کارگاه‌های ساختمانی موضوع این ماده و اشتغال آنها در طول دوره اعتبار کارت، طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که مشترکاً توسط وزارتخانه‌های رفاه و تأمین اجتماعی، کار و امور اجتماعی، مسکن و شهرسازی و کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۲- کارگران شاغل دارای کارت مهارت فنی معتبر از تاریخ نام‌نویسی در سازمان تأمین اجتماعی مبتنی بر کد ملی مشمول مقررات این قانون هستند و از تعهدات آن بهره‌مند خواهند شد.»

۱. بند الحاقی (۱۲) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «بند الحاقی ۱۲- بانک‌های عامل مکلفند سود تسهیلات اعطایی را مطابق دستورالعمل شورای پول و اعتبار دریافت نمایند. در صورتی که سود تسهیلات اعطایی بالاتر از نرخ سود تعیین‌شده توسط شورای پول و اعتبار باشد، دولت مکلف است مبلغ مازاد را به عنوان مالیات تشخیص داده و صد درصد (۱۰۰٪) آن را وصول نماید.»

به کلمه‌ی «جریمه» شده است.

آقای مدرسی یزدی - نه، ما نسبت به «مالیات» در این بند الحاقی ایراد نگرفته بودیم.

آقای مؤمن - چرا؟

آقای یزدی - چرا دیگر، اشکال ما همین بوده است.

آقای جنتی - نه، بند الحاقی (۱۲) جزء ایرادات شورای نگهبان نبوده است؛ ولی بعداً بعضی افراد به ما نامه نوشته بودند که این بند الحاقی، اجحاف است. ما هم این را گفتیم و خود مجلس این بند را اصلاح کرده است.

آقای مدرسی یزدی - خب، با اصلاحی که مجلس در این بند الحاقی کرده است، وضع بدتر شده است. به قول حاج آقا، کسی کار خلافی نکرده است تا جریمه بشود. بله، اگر کاری برخلاف قانون عملیات بانکی بدون ربا باشد، یک حرفی است. البته اگر این کار، خلاف دستور بانک مرکزی باشد، بله می‌شود جریمه کرد.

آقای مؤمن - بانک خلاف کرده است.

آقای مدرسی یزدی - بله، بعید نیست؛ چون مثلاً بانک مرکزی به بانک عامل گفته است که سود را از بیست درصد (۲۰٪) بیشتر نگیر و حالا که بیشتر گرفته‌ای، باید جریمه پرداخت کنی.

آقای علیزاده - بانک مرکزی نگفته است که بیشتر نگیر.

آقای مدرسی یزدی - چرا؛ همین بند الحاقی (۱۲) دارد همین را می‌گوید.

آقای علیزاده - بانک مرکزی به بانک‌ها می‌گوید که من الآن نرخ سود علی‌الحساب را این قدر تعیین می‌کنم.

آقای مدرسی یزدی - نه، بانک مرکزی به بانک عامل می‌گوید که در نهایت بیشتر از بیست درصد (۲۰٪) سود نگیر. این سود علی‌الحساب را برای مشتری می‌گویند نه برای خود بانک. شما اشتباه نکنید؛ بر عکس حساب نکنید. این بند الحاقی می‌گوید وقتی که خود بانک از کارهایی سود می‌برد، مثلاً یک کالاهایی را که بانک خودش نقدی خریده است، می‌خواهد اقساطی بفروشد، باید آن کالا را به قدری بفروشد که به اندازه‌ی بیست درصد (۲۰٪) از محل فروش اقساطی سود ببرد و نه بیشتر؛ و اگر به سود بیشتری بفروشی، به اندازه‌ی کل آن سود بیشتری که فروخته‌ای، جریمه می‌شوی. ظاهراً این حکم، عیبی ندارد.

آقای اسماعیلی - بند الحاقی (۱۲) این را نمی‌گوید.

آقای علیزاده - این بند الحاقی، این را نمی‌گوید.

آقای یزدی - این بند الحاقی یعنی اینکه شورای پول و اعتبار

تسهیلات اعطایی بالاتر از نرخ سود تعیین شده توسط شورای پول و اعتبار باشد، دولت مکلف است مبلغ مازاد را به عنوان مالیات تشخیص داده و صد درصد (۱۰۰٪) آن را وصول نماید. که حالا آمده‌اند به این صورت اصلاح کرده‌اند: «در بند الحاقی (۱۲) کلمه‌ی «جریمه» جایگزین کلمه‌ی «مالیات» می‌شود.»

آقای مدرسی یزدی - همان «مالیات» که گفته بودند، خوب بود.

آقای یزدی - گفته‌اند «در بند الحاقی (۱۲) کلمه «جریمه» جایگزین کلمه «مالیات» می‌شود.»

آقای مدرسی یزدی - ببینید آقا، اصلاً آن طوری که من می‌فهمم اصل قضیه این است که بانک‌ها مثلاً از طریق فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک و یا از طریق جعاله می‌آیند به افراد تسهیلات می‌دهند. بانک مرکزی باید روی این بانک‌ها نظارت داشته باشد. بند الحاقی (۱۲) می‌گوید ولو اینکه یک فرد خاصی بتواند از فروش اقساطی سودی بالاتر از مثلاً بیست درصد (۲۰٪) به دست آورد، ...

آقای علیزاده - اینها در مورد فروش اقساطی حرفی ندارند.

آقای مدرسی یزدی - اجازه بدهید. کلمه‌ی «تسهیلات» در بند الحاقی (۱۲) اطلاق دارد و همه‌ی این تسهیلات را شامل می‌شود.

آقای علیزاده - می‌گویند که یک قسمت از این تسهیلات‌ها ایرادی ندارد و یک قسمت دیگر ایراد دارد.

آقای مدرسی یزدی - حالا در بند الحاقی (۱۲) به صورت کلی «سود تسهیلات اعطایی» را گفته است که شامل همه‌ی انواع تسهیلات می‌شود. بانک مرکزی به بانک‌ها می‌گوید که سود بیشتر از سود مصوب نگیرید؛ اگر سود بیشتری گرفتید، ما آن سود بیشتر را به عنوان مالیات از بانک می‌گیریم. بگذارید این سودها [در مورد تسهیلاتی که بانک‌ها به مردم می‌دهند] به خود مردم برسد. حکم این بند الحاقی، این است. طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا هم، این کار ربا نیست. این بند الحاقی می‌گفت که اگر سودی اضافه‌تر از سود مصوب گرفته شود، دولت صد درصد (۱۰۰٪) آن را به عنوان مالیات می‌گیرد.

آقای جنتی - اگر ما در شورای نگهبان به این موضوع مالیات در بند الحاقی (۱۲) ایراد گرفتیم، حالا [می‌توانیم نسبت به آن اظهار نظر کنیم].

آقای مؤمن - حاج آقا، ما به این بند الحاقی (۱۲) ایراد نگرفته بودیم.

آقای جنتی - الآن در بند الحاقی (۱۲)، کلمه‌ی «مالیات»، تبدیل

عامل اجازه می‌دهد که اگر تسهیلاتی را به برخی از افراد داده‌اند و سودش از نرخ تعیین شده از سوی شورای پول و اعتبار بیشتر بود، بتوانند آن سود را بگیرند. اگر حکم این بند نبود، باز هم بانک‌ها ملزم بودند بر اساس آن نرخ سود مصوب عمل کنند و فرضاً اگر قراردادشان با افراد در قالب تسهیلات با سود بیست و پنج درصد (۲۵٪) بود، نتوانند مثلاً سود بیشتر از بیست درصد (۲۰٪) را بگیرند. این بند الحاقی می‌گوید که آن سود مازاد را باید به عنوان جریمه بگیرد؛ قبلاً این بند گفته بود که به عنوان مالیات بگیرد و الآن طبق اصلاح به عمل آمده، گفته باید این سود مازاد را به عنوان جریمه بگیرد. یعنی این بند اجازه می‌دهد که بانک‌ها بتوانند سود بیشتر از سود مصوب را بگیرند. اگر چنانچه آقایان فقها این کار را خلاف شرع می‌دانند، بگویند خلاف شرع است؛ اگر خلاف شرع نیست که هیچ.

آقای علیزاده - ببینید من این قسمت نامه^۱ را یک بار می‌خوانم. در این نامه می‌گویند که «در مورد نرخ سود غیرمشارکتی، موضوع صریح و واضح است»؛ یعنی آنجا که بانک‌ها مشارکت نمی‌کنند، تکلیف معلوم است؛ خوب، به بانک‌ها می‌توانند بگویند که سود این نوع تسهیلات را بیشتر از نرخ مصوب نگیرید و اگر بیشتر گرفت، حکم آن، این است. «و تکلیف بانک در صورت اعطای تسهیلات بر مبنای عقود غیرمشارکتی (مبادله‌ای) روشن است؛ ولی در مورد نرخ سود عقود مشارکتی که دامنه آن قابل درج در قرارداد بوده و نرخ سود قطعی پس از اتمام پروژه معلوم می‌گردد و بر مبنای عملکرد واقعی پروژه تعیین می‌شود، مصوبه اخیر مجلس محترم کاملاً مبهم بوده و به هیچ وجه قابلیت اجرا ندارد». این پول‌هایی که بانک‌ها از ما می‌گیرند و می‌گویند که شما آن را بیاورید در بانک بگذارید تا ما این قدر درصد به شما سود علی‌الحساب بدهیم و اگر در نتیجه‌ی کارهای مشارکتی سود بیشتری به دست آمد، آن سود بیشتر را هم به صاحبان پول می‌دهیم.

آقای مؤمن - چه کسی سود بیشتر گرفته است؟

آقای علیزاده - بانک سود بیشتر گرفته است.

آقای مؤمن - بانک می‌گیرد.

آقای علیزاده - [بانک این سود مازاد را] می‌گیرد و بعد آن را به صاحبان پول می‌دهد.

آقای مؤمن - نه، مفاد بند الحاقی (۱۲) این نیست.

یک نرخ را برای تسهیلات معین کرده است، اما بانک عامل در تسهیلاتی که به فردی داده است، در حقیقت از این نرخ به اصطلاح مصوب شورای پول و اعتبار، بالاتر گرفته است.

آقای مدرسی یزدی - بله، درست است.

آقای یزدی - این سود مازاد بر سود مصوب را که گرفته است، باید به دولت بدهد.

آقای اسماعیلی - می‌گوید این سود مازاد به عنوان مالیات حساب می‌شود.

آقای یزدی - می‌گوید که این مازادی را که بانک گرفته است، باید از او بگیرند.

آقای مدرسی یزدی - یا به عنوان مالیات یا به عنوان جریمه باید از او بگیرند.

آقای یزدی - باید از او بگیرند، حالا تحت چه عنوانی؟

آقای مدرسی یزدی - تحت عنوان مالیات یا جریمه.

آقای یزدی - بانک موظف بوده است که فقط با نرخ تعیین شده توسط شورای پول و اعتبار، سود دریافت کند؛ حق نداشته است که سود بیشتری بگیرد.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای یزدی - چرا بیشتر گرفت؟ خلاف کردی، پس به عنوان جریمه باید برگردانی.

آقای مدرسی یزدی - حکم این بند الحاقی عیبی ندارد.

آقای یزدی - قبلاً در این بند الحاقی گفته بود که این سود مازاد را به عنوان مالیات برگردانند که حالا گفته‌اند به عنوان جریمه برمی‌گردانند.

آقای علیزاده - نه، ببینید این ...

آقای یزدی - چرا دیگر؛ ببینید، شورای پول و اعتبار یک نرخ سود تسهیلات معین کرده است و به هر بانکی اعلام کرده است که تسهیلات اعطایی باید با نرخ مصوب باشد. حالا این بانک عامل آمده است با نرخ بیش از آنچه این شورا تعیین کرده، به افراد تسهیلات واگذار کرده است و یا بیش از آن نرخ که شورای پول و اعتبار معین کرده، از اشخاصی که تسهیلات به آنها داده است، سود گرفته است. این بند الحاقی می‌گوید که دولت می‌آید این مازاد را از بانک عامل به عنوان مالیات یا نه به عنوان جریمه می‌گیرد.

آقای علیزاده - بگذارید من یک توضیحی بدهم.

آقای جنتی - آقای سلیمی بفرمایید.

آقای سلیمی - بسم الله الرحمن الرحیم. این بند به بانک‌های

۱. نامه‌ی رئیس شورای عالی کانون بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی، به شماره ۹۲/۶۰۸۸ ک هـ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۲ خطاب به حضرت آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان.

آقای مؤمن - به هر حال، بند الحاقی (۱۲) دارد جلوی بانک را می‌گیرد؛ الان این بند می‌گوید که بانک‌های عامل مکلفند سود تسهیلات اعطایی را [بر اساس نرخ تعیین شده از سوی شورای پول و اعتبار بدهند].

آقای علیزاده - خیلی خوب، [سراغ ایراد بعدی شورای نگهبان] برویم.

آقای مؤمن - این بند الحاقی می‌گوید که اگر افراد از بانک تسهیلات گرفته‌اند، بانک‌ها باید سود تسهیلاتی اعطاشده به آنها را طبق آنچه که شورای پول و اعتبار گفته است، بگیرند. این بند الحاقی دارد این را می‌گوید. می‌گوید که اگر بانک‌های عامل سود زیاده‌تری گرفتند، این مقدار مازاد را بی‌خود گرفته‌اند و باید آن مازاد را بابت مالیات حساب کنند یا باید جریمه بدهند.

آقای علیزاده - بانک‌ها همان اول که با افراد قرارداد می‌بندند، می‌گویند ...

آقای مؤمن - بانک‌ها حق ندارند سود بیشتری بگیرند.

آقای مدرسی‌یزدی - آقای علیزاده، این نامه احتمالاً این عبارت بند الحاقی را بد تلقی و برداشت کرده است. یک وقت موضوع مثل اوراق مشارکت است [در آنجا حرف شما صحیح است]؛ اما این بند اصلاً ناظر به اوراق مشارکت نیست.

آقای علیزاده - بله، ناظر به اوراق مشارکت نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - خوب، یا اینکه مثلاً کسی - حالا من نمی‌دانم که این موضوع قانون دارد یا نه - ابتدائاً می‌رود با دادن پول با بانک مشارکت می‌کند؛ در این مورد هم بانک، تسهیلاتی اعطا نکرده است، بلکه آن فرد آمده است و به بانک پول اعطا کرده است که این بند شامل آن هم نمی‌شود.

آقای مؤمن - بر عکس، همان تسهیلات ...

آقای مدرسی‌یزدی - نه، این بند الحاقی در مورد کسی است که از بانک تسهیلات گرفته است.

آقای مؤمن - تسهیلات اعطایی بانک همین است.

آقای مدرسی‌یزدی - اجازه بدهید.

آقای مؤمن - حاج‌آقا، تسهیلات اعطایی بانک همین است.

آقای مدرسی‌یزدی - آنچه که من از عبارت بند الحاقی (۱۲) می‌فهمم این است که بانک مالک آن پول است، حالا یا این پول

آقای مدرسی‌یزدی - [تسهیلات بانک‌ها] دو جور است.

آقای علیزاده - بله، دو جور است. یک قسم آن مشارکتی نیست و ما حکم این بند را در مورد آن قبول داریم؛ اما این قسمت دوم از تسهیلات ...

آقای مؤمن - توجه بفرمایید. آخر بند الحاقی (۱۲) این را نمی‌گوید.

آقای سلیمی - بانک می‌خواهد کل این سود را بگیرد [که این بند می‌گوید آن سود مازاد بر سود مصوب را] فقط [به عنوان جریمه و برای دولت] وصول کن.

آقای مؤمن - بند الحاقی می‌گوید این سودی را که بانک می‌گیرد، زیاده‌تر از آن سودی است که شورای پول و اعتبار برای بانک‌ها مقرر کرده است.

آقای علیزاده - شورای پول و اعتبار اینجا را می‌گوید ...

آقای مؤمن - این عبارت این بند، این را می‌گوید.

آقای علیزاده - حالا یک دقیقه اجازه بدهید تا این نامه را بخوانیم.

آقای مؤمن - شما بند الحاقی (۱۲) را بخوانید و ببینید که چه می‌گوید. بند الحاقی می‌گوید اگر بانک‌ها بیشتر از آن سودی که شورای پول و اعتبار گفته است، سود دریافت کنند، باید به عنوان جریمه به دولت بدهند.

آقای علیزاده - در مورد عقود مشارکتی، سود این عقد مشارکتی را خود بانک‌ها دریافت می‌کنند و به سهامدارانشان می‌دهند.

آقای مؤمن - آخر بانک‌ها اصلاً حق ندارند سود بیشتر از سود مصوب بگیرند.

آقای علیزاده - به هر حال بانک‌ها باید سود حاصل از مشارکت را به افرادی که سرمایه گذاشته‌اند و مشارکت کرده‌اند، بدهند.

آقای مؤمن - بانک‌ها حق ندارند سود بیشتری بگیرند.

آقای علیزاده - شما خودتان در معاملات گفته‌اید که سود پرداختی بانک‌ها، علی‌الحساب است. بانک‌ها از طرف سرمایه‌گذارها می‌روند و در پروژه‌ها مشارکت می‌کنند.^۱

۱. مواد (۳) و (۵) قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب ۱۳۶۲/۶/۸ با اصلاحات بعدی آن: «ماده ۳- بانک‌ها می‌توانند تحت هر یک از عناوین ذیل به قبول سپرده مبادرت نمایند: ... ب- سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار.

تبصره- سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که بانک در به‌کار گرفتن آنها وکیل می‌باشد، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد. ...

ماده ۵- منافع حاصل از عملیات مذکور در تبصره ماده (۳) این قانون، بر

عبارت به انتهای بند الحاقی (۱۶) اضافه می‌شود:

«اوراق وقفی، اوراق بهادار غیرانتفاعی است که بر اساس قرارداد صلح به منظور وقف منتشر می‌گردد. دارنده اوراق (مُصلِح) بخشی از اموال خود را بر اساس قرارداد صلح در اختیار بانی (متصلِح) قرار می‌دهد تا وی همراه سایر اموال صلحی طرح عام‌المنفعه‌ای را احداث کرده سپس از طرف صاحبان اوراق، وقف شرعی نماید.»

آقای عزیززاده - آقای محمدی^۲ یک کتابچه‌ای برای من فرستاده و گفته است که آن را به آقایان اعضای شورا بدهید تا متوجه این موضوع بشوند. در این کتابچه گفته شده که ما در خصوص وقف از آقایان مراجع تقلید و مقام معظم رهبری استفتا کرده‌ایم. آن استفتاها را من خواندم. البته خیلی مرتبط به این بند الحاقی نیست، بلکه استفتائات در موضوع وقف است. به هر حال، در کمیسیون ابتدا قرار شد که «اوراق وقفی» را حذف کنند؛ بعد [در مجلس] گفتند که سازمان اوقاف تعریف «اوراق وقفی» را بیاورند [تا در این بند ذکر کنیم] و اگر آقایان در شورای نگهبان این تعریف را قبول کردند، ما حرفی نداریم. بعد اینها [= مسئولان سازمان اوقاف و امور خیریه] رفتند از آقایان مراجع تقلید سؤال کردند. شاید من اگر جواب را بخوانم، شما متوجه شوید که سؤال چیست.

آقای سلیمی - مصالحه در وقف، شبیه وکالت در وقف است.

آقای عزیززاده - می‌خواهم همان سؤال را بخوانم.

آقای کدخدائی - همان مشارکت در وقف است.

آقای عزیززاده - سؤال این است: «سپرده‌گذاری در بانک برای اعطای قرض الحسنه به افراد نیازمند که در وقف تعیین می‌شود ... توضیح: سپرده‌گذار با افتتاح سپرده قرض الحسنه و وقف مبلغ معین در آن» که از این بند الحاقی موضوعاً خارج است. «... از آن حساب از بانک می‌خواهد تا آن مبلغ را تنها برای اعطای وام قرض الحسنه ازدواج، درمان و ... به افراد نیازمند که در وقف‌نامه تعیین می‌شود، بپردازند.» این را حرفی ندارند؛ این سؤال مرتبط با این بند الحاقی نیست. «۲- سپرده‌گذاری در بانک برای اعطای سود سپرده به افراد نیازمند که در وقف‌نامه تعیین می‌شود؛ به این بیان که سپرده‌گذار با افتتاح سپرده سرمایه‌گذاری و وقف مبلغی در آن حساب، از بانک می‌خواهد تا سود آن سپرده را به افراد نیازمند که در وقف‌نامه تعیین می‌شود، بپردازد.» این سؤال‌ها که اصلاً ارتباطی با این بند الحاقی ندارد.

آقای مؤمن - همین‌ها را نوشته است؟

از طریق سپرده‌گذاری افراد به دست بانک آمده است و یا کسی آن پول را به بانک قرض داده است یا اینکه این پول، جزء اعتبارات خود بانک است. این بند الحاقی می‌گوید که اگر بانک از اموالش به کسی تسهیلات بدهد، سودی که در قبال آن دریافت می‌کند باید بر اساس نرخ سود مصوب شورای پول و اعتبار باشد؛ یعنی اگر مثلاً گفته شده است که بیست درصد (۲۰٪) یا سی درصد (۳۰٪) سود بگیرد، اگر بانک سود بالاتری گرفت، این سود مازاد را باید از بانک بگیرند.

آقای مؤمن - [این تسهیلات اعطایی به] شخص نیست؛ خود بانک [تسهیلات اعطایی را] گرفته است.

آقای عزیززاده - خیلی خوب، حالا دیگر بحث نکنیم. در هر حال، می‌فرمایید بند الحاقی (۱۲) ایراد ندارد.

آقای اسماعیلی - حاج آقا، این بند ایراد ندارد. اگر این سود را مازاد از سود مصوب گرفته باشند، باید به دولت بدهند.

آقای یزدی - به این موضوع، عنوان جریمه بیشتر صدق می‌کند.

آقای عزیززاده - جریمه هم، همین‌طور است.

آقای مدرسی یزدی - هر دو تای مالیات و جریمه را می‌شود به این گفت. حالا مهم نیست.

منشی جلسه - حاج آقا، حالا گفته‌اند که کلمه‌ی «جریمه» جایگزین کلمه‌ی «مالیات» بشود.

آقای مؤمن - چه کسی را جریمه بکنند؟

آقای عزیززاده - آقایان فقها به این بند اشکال ندارند. ادامه دهیم. در واقع، این بند، اصلاً ماهیت بودجه‌ای ندارد.

آقای مدرسی یزدی - چرا؟ این بند الحاقی بودجه‌ای است. این بند می‌خواهد رونق اقتصاد کشور را که مرتبط با بانک‌ها است، تنظیم کند. رونق و کساد کشور با بانک‌ها مرتبط است.

آقای عزیززاده - خیلی خوب، ادامه دهیم. از این بند گذشتیم.

منشی جلسه - [ایراد بند (۱۶) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان:] «۱۶- در بند الحاقی (۱۶)،^۱ منظور از عبارت «اوراق وقفی» روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد». مجلس برای رفع این ابهام این‌طور گفته است: «این

۱. بند الحاقی (۱۶) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «بند الحاقی ۱۶- به سازمان اوقاف و امور خیریه اجازه داده می‌شود به منظور تأمین مالی طرح‌های انتفاعی عام‌المنفعه در حوزه توسعه موقوفات و بقاع متبرکه با نظارت بانک مرکزی و تضمین خود اقدام به انتشار اوراق مشارکت (اوراق صکوک اسلامی) تا سقف سه هزار میلیارد (۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و اوراق وقفی (بدون سود) تا سقف یک هزار میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال نماید.»

۲. حجت‌الاسلام علی محمدی، رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه کشور.

شود؛ لکن به مقتضای لاوقف إلا فی ملک، تحقق وقف از ناحیه متصالح می‌باشد. والله العلیم»

آیت‌الله مکارم فرموده‌اند: «این مسئله دو صورت دارد: گاه مؤسسه‌ای تشکیل شده که شخصیت حقوقی دارد و اموال به آن مؤسسه تملیک می‌شود مشروط بر اینکه بیمارستانی مثلاً بسازد و وقف کند و همچنین اگر به نهادی از نهادهای دولتی واگذار شود، در این صورت آن مؤسسه مالک است؛ و گاه به مؤسسه و نهادی تملیک نشده، بلکه آنها را به دست شخصی به عنوان مجری یا پیمانکار سپرده‌اند که پس از ساختن آن را وقف کند.

در اینجا حکم وکالت دارد که با موت موکل باطل است.»

آقای یزدی - حالا در هر صورت، الآن بحث در بند الحاقی (۱۶) راجع به وقف اوراق بهاداری است که می‌خواهند [به فروش برسانند].

آقای علیزاده - بله، من هم گفتم که استفتائات با موضوع این بند الحاقی یک مقدار فرق دارند.

آقای یزدی - این بند الحاقی هم راجع به اصل پولی است که کسی می‌خواهد مصالحه کند؛ سازمان اوقاف می‌خواهد اوراقی را چاپ بکند و تحت این عنوان بفروشد و از آن پول برای طرح‌های انتفاعی عام‌المنفعه استفاده کند و بعد هم در فاصله زمانی، به اصطلاح به صاحب آن اوراق، پول را برگرداند و در این مدت از منافعش استفاده کند. اصل مسئله این است: «بند الحاقی ۱۶- به سازمان اوقاف و امور خیریه اجازه داده می‌شود به منظور تأمین مالی طرح‌های انتفاعی عام‌المنفعه در حوزه توسعه موقوفات و بقاع متبرکه با نظارت بانک مرکزی و تضمین خود اقدام به انتشار اوراق مشارکت (اوراق صکوک اسلامی) تا سقف سه هزار میلیارد (۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و اوراق وقفی (بدون سود) تا سقف یک هزار میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال نماید.» این متن اولیه‌ای است که در بند الحاقی (۱۶) مصوبه‌ی مجلس در مصوبه‌ی بودجه آمده است. اشکال شورای نگهبان به این بند این بوده است که «در بند الحاقی (۱۶)، منظور از عبارت «اوراق وقفی» روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» حالا مجلس برای رفع این ابهام گفته است که اوراق وقفی اوراقی است که به شکل مصالحه برایش عمل شود.

آقای مدرسی‌یزدی - خوب، حالا چه کار می‌کنند؟ منظور چیست؟

آقای یزدی - نتیجه این می‌شود که سازمان اوقاف و امور خیریه اوراقی را چاپ می‌کند؛ مثلاً هر برگ (۱۰۰۰) تومان، و تعداد (۱۰۰,۰۰۰) تا برگ را می‌فروشد؛ به این معنا که تضمین می‌کند

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی‌یزدی - این مورد اخیر هم به فتوای مشهور، غلط است؛ این کار به فتوای مشهور، باطل است.

آقای مؤمن - نه، این سپرده را در بانک می‌گذارد که این سود و درآمدی را که از این سپرده دارد بدهد [برای مواردی که در وقف‌نامه تعیین شده است، هزینه شود].

آقای مدرسی‌یزدی - می‌گوید [که این سپرده را] وقف کند.

آقای علیزاده - حضرت آقا [=مقام معظم رهبری] جوابشان این است؛ گفته‌اند که «اگر مصالحه به نحو صحیح شرعی انجام گرفته باشد، مؤسسه مالک است. ... استفتای دوم در وقف جمعی است که در این استفتا گفته شده: به عرض می‌رساند امروزه بحثی تحت عنوان وقف جمعی مطرح است به این صورت که گروهی از خیرین هر کدام متناسب با توان مالی خود مبلغی پول به مؤسسه‌ای صلح می‌کنند، مشروط بر اینکه با آن پول برای مثال بیمارستانی ساخته شود و سپس از طرف صاحبان پول وقف گردد. در این مسئله سؤالاتی وجود دارد، مستدعی است ما را راهنمایی فرمایید. ۱- آیا در طول مدت احداث بیمارستان، صاحب پول (مُصالح) می‌تواند قرارداد را فسخ کند؟ ۲- اگر در مدت اجرا، مُصالح فوت کند، ورثه حق فسخ و تقاضای پول را دارند؟ ۳- در طول مدت احداث بیمارستان، مالکیت پول از آن کیست؟ مؤسسه‌ای که مجری احداث بیمارستان است یا مُصالح یا ورثه مُصالح؟ ۴- حین اجرای صیغه وقف، وقف از طرف مُصالح است یا ورثه یا متصالح؟

آقا [=مقام معظم رهبری] در جواب فرموده‌اند: «جواب ۱- نمی‌تواند قرارداد را فسخ نماید، مگر اینکه حق خیار فسخ را برای خود شرط کرده باشد. جواب ۲- از جواب قبلی مشخص شد.

جواب ۳- اگر مصالحه به نحو صحیح و شرعی انجام گرفته است، مؤسسه مالک است.

جواب ۴- تابع چگونگی شرط وقف، در ضمن عقد صلح است.» البته آقایان و مراجع دیگر هم در این زمینه فتوا دارند.

آقای مدرسی‌یزدی - چه کسانی فتوا داده‌اند؟

آقای علیزاده - آیت‌الله صافی فرموده‌اند: «صلح از عقود لازمه است و بعد از وقوع، مُصالح بدون مجوز شرعی حق فسخ آن را ندارد و در فرض سؤال که در ضمن عقد صلح شرط می‌کنند که متصالح مورد مصالحه را وقف نماید و متصالح این شرط را قبول کرده است، صلح صحیح است و باید طبق شرط عمل

این بخش جذب می‌کند.

آقای یزدی - اگر اوراق مشارکت برگرداندن نداشته باشد، معنایش این می‌شود؟

آقای رهپیک - بله.

آقای امیری - حاج‌آقا، معاون سازمان اوقاف که آدم مطلعی هم هست، با من تماس گرفت و همین فرمایش آقای دکتر رهپیک را گفت. ایشان می‌گفت بعضی‌ها نمی‌توانند - یعنی توانایی مالی‌شان این قدر نیست - که بتوانند ملک، مدرسه و امثال آن را وقف بکنند.

آقای یزدی - حتماً که نباید مبلغ قابل توجهی وقف بکنند؛ کمتر وقف می‌کنند.

آقای امیری - می‌خواهند با این مبالغ کوچک در وقف شریک باشند.

آقای یزدی - خب، نتیجه این می‌شود که مبالغ این اوراق برگرداندن ندارد.

آقای مدرسی یزدی - بله، برگرداندن ندارد. مثل این پول‌هایی است که کمک می‌کنیم برای هیئت سیدالشهدا که مثلاً نذری بدهند.

آقای یزدی - ولی در حالت اولیه که الآن من این اوراق را می‌خرم، چون الآن امکان وقف وجود ندارد، با متصالح مصالحه می‌کنم که او بعد از جمع‌آوری مبالغ که مثلاً چندین میلیارد تومان شد، برود این کار خیر را انجام بدهد و وقف کند؛ به متصالح اختیار داده می‌شود که وقف بکند.

آقای امیری - بله، همین است که می‌فرمایید. با این توضیح که ایشان [معاون سازمان اوقاف] دادند، منظور از این بند الحاقی همین است که گفتید. ایشان می‌گفت که در کشورهای اسلامی دیگر هم دارند از این کارها می‌کنند.

آقای یزدی - چون بلا اشکال است.

آقای امیری - حالا این نمونه‌اش [= نمونه‌ی اوراق وقفی] را از جای دیگری آورده‌اند.

آقای مدرسی یزدی - یک فرق این اوراق وقفی با وکالت این است که چون ممکن است از نظر زمانی طول بکشد تا طرح به نتیجه برسد، [اوراق وقفی را ضمن عقد صلح منعقد می‌کنند].

چون در وکالت وقتی که طرف [= موکل] بمیرد، وراثت موکل می‌تواند پول را برگرداندند.^۱ اوراق وقفی را می‌خواستند فقط به

که در یک زمان معینی پول این اوراق را به صاحبانش برگرداند. معنای اوراق مشارکت این است؛ مشارکت با صاحب پول است. یعنی من که می‌آیم این اوراق را می‌خرم، بعد از شش ماه، یک سال یا دو سال پولم را برمی‌گردانم.

آقای رهپیک - نه حاج‌آقا، این پول بر نمی‌گردد.

آقای یزدی - حالا اجازه بدهید، آن چیزی که من می‌فهمم را دارم عرض کنم. در این فاصله‌ی زمانی از این پول استفاده می‌کنند؛ آن استفاده مال سازمان اوقاف می‌شود.

آقای رهپیک - حاج‌آقا، پول را بر نمی‌گردانند. ببینید، سازمان اوقاف برای اینکه برای وقف کردن جذب سرمایه کند، این اوراق را چاپ می‌کند.

آقای یزدی - سود این اوراق مشارکت مورد وقف است، نه اصل این اوراق.

آقای رهپیک - نه حاج‌آقا، این تعریفی که این بند الحاقی از اوراق وقفی ارائه کرده است، این نیست.

آقای یزدی - سود حاصله از اوراق مشارکت، وقف می‌شود.

آقای رهپیک - نه؛ یک وقت یک کسی مثلاً ده میلیارد تومان پول دارد، خودش می‌رود یک جایی را وقف می‌کند. سازمان اوقاف برای اینکه پول‌های خرد و اندک را بتواند جمع بکند، اوراق وقفی مثلاً به قیمت (۱۰۰) تومان، (۱۰۰۰) تومان، (۵۰۰) تومان یا به هر مقدار دیگری چاپ می‌کند.

آقای یزدی - یعنی هر کسی که این یک برگه (۱۰۰) تومانی را خریده است، این (۱۰۰) تومان را وقف می‌کند؟!

آقای رهپیک - بله، این خریدار می‌خواهد وقف کند.

آقای یزدی - وقف می‌کند یا مشارکت در وقف می‌کند؟

آقای رهپیک - نه، می‌خواهد وقف بکند، ولی پولش این قدر است. سازمان اوقاف آمده است یک تدبیری کرده است؛ می‌گوید من این پول‌های خرد را جمع می‌کنم، منتها آن موقعی که دارم این پول را جمع می‌کنم با خریداران اوراق قرارداد می‌بندم و شرط می‌کنم و در واقع، مصالحه می‌کند. این فرد (۱۰۰) تومان می‌دهد که سازمان اوقاف، همراه با (۱۰۰)

تومان‌های دیگری که قبلاً جمع شده است، یک بیمارستان بسازد. در حقیقت، آن فرد این پول را به یک مؤسسه‌ای می‌دهد و به او اجازه می‌دهد که مثلاً از طرف او در بیمارستان وقف بشود. کسانی که اوراق (۱۰۰) تومانی خریداری کرده‌اند، به اندازه‌ی این (۱۰۰) تومان، در آن بیمارستان وقفی، سهام هستند. این پول‌ها هم دیگر بر نمی‌گردد. سازمان اوقاف این منابع را برای

۱. ماده (۶۷۸) قانون مدنی: «ماده ۶۷۸ - وکالت به طریق ذیل مرتفع می‌شود:

۱- به عزل موکل

عنوان صلح انجام شود.

آقای امیری - بله، می‌خواهند که این اوراق را در قالب صلح واگذار کنند.

آقای مدرسی یزدی - بله، صلح کنند تا دیگر قابل برگشت [به خریدار اوراق یا ورثه‌ی او] نباشد.^۱ بحث اصلی در این بند الحاقی فقط همین است؛ چیز دیگری نیست.

آقای امیری - بله، همین جوری است.

آقای یزدی - خیلی خوب، بالاخره ظاهراً با این اوصاف، این بند الحاقی اشکال ندارد دیگر.

آقای مدرسی یزدی - البته این بند الحاقی در صورتی اشکال ندارد که ما صلح یک طرفه را قبول کنیم.

آقای مؤمن - نه.

آقای مدرسی یزدی - مشهور هم صلح یک طرفه را قبول می‌کنند، ولی اگر صلح یک طرفه صحیح نباشد [ممکن است این بند الحاقی اشکال داشته باشد].

آقای یزدی - کسی که این اوراق را می‌خرد، معنایش همین است که چنین صلحی را قبول دارد.

آقای مؤمن - آن اوراق بهادار که در این بند الحاقی گفته شده است، چیست؟

آقای مدرسی یزدی - اسمی که برای این اوراق گفته‌اند، آلکی است.

آقای مؤمن - پس در واقع، این اوراق وقفی، اوراق بهادار نیستند.

آقای یزدی - اگر خریدار این اوراق را می‌خرد و اجازه‌ی وقف آن را هم می‌دهد، اشکالی برای وقف وجود ندارد.

آقای مدرسی یزدی - با این تعریف از اوراق وقفی، [این بند الحاقی] عیبی ندارد.

آقای مؤمن - نه، یعنی یک چیز همین‌طور جعلی که درست نیست. این [تعریف از اوراق وقفی]، شرعاً درست است یا نه؟

آقای مدرسی یزدی - بله، درست است.

→

۲- به استعفای وکیل

۳- به موت یا به جنون وکیل یا موکل.

۱. ماده (۷۶۰) و (۷۶۸) قانون مدنی: «ماده ۷۶۰- صلح، عقد لازم است اگر چه در مقام عقود جائزه واقع شده باشد و بر هم نمی‌خورد، مگر در موارد فسخ به خیار یا اقاله.

ماده ۷۶۸- در عقد صلح ممکن است احد طرفین در عوض مال‌الصلحی که می‌گیرد متعهد شود که نفقه معینی همه‌ساله یا همه‌ماهه تا مدت معین تأدیه کند. این تعهد ممکن است به نفع طرفین مصالحه یا به نفع شخص یا اشخاص ثالث واقع شود.»

آقای مؤمن - مگر وقف، «حفظ العین و تسبیل المنفعه» نیست.

آقای مدرسی یزدی - نه، [موضوع این بند الحاقی] این نیست.

آقای یزدی - معنای این بند الحاقی این است که (۱۰۰) برگ اوراق (۱۰۰,۰۰۰) تومانی که جمع شد با آن یک بیمارستان ساخته شود و بعد آن بیمارستان وقف شود.

آقای مؤمن - این که وقف نیست.

آقای یزدی - هر یک نفری که (۱۰۰,۰۰۰) تومان می‌دهد، با سازمان اوقاف مصالحه می‌کند که این پول در اختیار سازمان باشد، بعد شمای سازمان مختار هستی که با بقیه‌ی پول‌هایی که

جمع می‌کنی، یک کار خیر انجام بدهی.

آقای مدرسی یزدی - حاج آقا ببینید، الآن من یک توضیحی خدمت شما عرض می‌کنم ...

آقای مؤمن - شما بر اساس تعریفی که آقایان فقها از وقف کرده‌اند، این بند الحاقی (۱۶) را توضیح بدهید.

آقای مدرسی یزدی - چشم، حالا من عرض می‌کنم؛ خدمتتان هستم. ببینید، ممکن است مثلاً در جایی که می‌خواهند مسجدی

بسازند، یک آدم خیری جلو می‌افتد و به افراد می‌گوید شما برای این کار (۱۰۰,۰۰۰) تومان بده، شما (۵۰۰,۰۰۰) تومان و شما

(۶۰۰,۰۰۰) تومان بده. بعداً این آقا این پول‌ها را جمع می‌کند و با آن مسجد می‌سازد.

آقای مؤمن - عیبی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - خیلی وقت‌ها این مسئله پیدا شده است [و به همین صورت عمل شده است].

آقای مؤمن - عیبی ندارد؛ اما در اینجا در بند الحاقی (۱۶) چطور می‌شود؟ اینجا می‌گوید که پول‌هایی را به عنوان امانت نزد سازمان اوقاف می‌گذارند.

آقای مدرسی یزدی - بله، سازمان از طرف خریداران اوراق، وکیل می‌شود.

آقای مؤمن - سازمان هم می‌رود کار خیر را انجام می‌دهد. ورقه‌ی غیرانتفاعی قیمت‌دار نداریم.

آقای مدرسی یزدی - درست است. الآن من می‌خواهم همین را توضیح بدهم، اجازه بفرمایید. اینها [سازمان اوقاف] فقط در مثل

این مواردی که گفته شد، یک مشکلی پیدا کرده‌اند و آن این است که اگر یک کسی که پول داده است، فوت کند، در حالی

که هنوز با پولی که وی داده بود، مسجدی ساخته نشده است؛ آیا این پول به وراثش می‌رسد؟ بعضی از آقایان فقها می‌گویند که

وراث نمی‌توانند این پول را بگیرند. امام (ره) هم متعرض این

آقای یزدی - این اوراق را از این جهت که به بهای (۱۰۰) تومان می‌خرند، بهادار گفته است.

آقای مؤمن - پس اوراق بهادار در اینجا، یک معنایی غیر از معنای اصطلاحی آن را دارد. یعنی در اینجا عین معنای اوراق بهادار را اراده کرده است؟
آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای علیزاده - ببینید این اوراق وقفی مثل همان اوراق مشارکت است.

آقای مدرسی یزدی - نه آقای علیزاده. اوراق وقفی، مثل اوراق مشارکت نیست.

آقای علیزاده - چرا دیگر؛ مثل اوراق مشارکت است.

آقای مدرسی یزدی - نه آقا، مثل اوراق مشارکت نیست.

آقای یزدی - از جهت قرارداد خرید این اوراق وقفی، [مثل اوراق مشارکت است].

آقای جنتی - اگر این‌طور باشد [که آقای مدرسی می‌فرمایند]، گو اینکه فقط اسم این اوراق وقفی، اوراق بهادار است [بدون آنکه مسمای اصطلاحی آن مراد باشد].

آقای مدرسی یزدی - بله، اسم هم که مهم نیست.

آقای امیری - حاج آقا، اوراق مشارکت، انتفاعی است؛ اما در این بند الحاقی خود مجلس گفته است که اوراق وقفی، غیرانتفاعی است [پس این اوراق وقفی، مثل اوراق مشارکت نیستند].

آقای مدرسی یزدی - این اوراق وقفی، هیچ چیزی نیست؛ مثل کمک به ساخت ضریح امام حسین (سلام‌الله علیه) است که مردم کمک می‌کنند [و فیش پرداخت کمک می‌گیرند].

آقای علیزاده - ما که نمی‌گوییم این اوراق وقفی عیناً همان اوراق مشارکت است.

آقای مدرسی یزدی - آقا، اگر اشکالی به این بند الحاقی (۱۶) وارد باشد، اشکال شرعی است که رأی هم ندارد.

آقای علیزاده - حضرات آقایان، اصل قضیه - همان‌طور که حاج آقای مدرسی می‌گویند - این است که مثلاً فردی می‌گوید من می‌خواهم اینجا مسجد بسازم و بانی هستم؛ هر کس هر مقداری که می‌خواهد پول برای ساخت مسجد کمک کند، این برگه را بگیرد و این قدر پول را به این مؤسسه صلح بکند. صلح که شد، ضمن این صلح شرط می‌کنیم که بانی باید این مسجد را بسازد. یک طرف صلح معلوم است. من از طرف مؤسسه با آن آقایی که پول‌دهنده است صلح می‌کنیم، بعد ضمن این صلح شرط می‌کنیم که هر وقت این مسجد ساخته شد، من بانی این بنا را وقف بکنم.

مسئله شده‌اند؛ ولی یادم نیست که فتوای ایشان چیست.^۱ بعضی از فقها می‌گویند که می‌توانند به وراثت بدهند.

آقای مؤمن - به هر حال، یا می‌توانند به وراثت بدهند یا نمی‌توانند.

آقای مدرسی یزدی - اجازه بدهید. بعضی در این موارد آمده‌اند و یک سر و صورتی به این موضوع و مسئله داده‌اند. گفته‌اند یک نفر که می‌خواهد کار خیر بکند، ما یک ورقه چاپ می‌کنیم و به او می‌گوییم شما که (۱۰۰,۰۰۰) تومان می‌خواهی برای ساخت این مسجد کمک کنی، ما این ورقه را به علامت اینکه (۱۰۰,۰۰۰) تومان است به تو می‌دهیم. قرارمان هم این است که شما این (۱۰۰,۰۰۰) تومان را به من یا به فلان مؤسسه یا هر شخص دیگری مصالحه می‌کنی، به شرط اینکه این فرد متصالح از این (۱۰۰,۰۰۰) تومان من و بقیه‌ی (۱۰۰,۰۰۰) تومان‌ها که جمع می‌شود، مسجد بسازد.

آقای علیزاده - بله.

آقای مؤمن - خیلی خوب، باشد؛ اما این ورقه که ارزش پیدا نمی‌کند.

آقای مدرسی یزدی - نه، هیچ ارزشی ندارد.

آقای مؤمن - فقط کاشف از این است که من (۱۰۰,۰۰۰) تومان اینجا گذاشته‌ام.

آقای مدرسی یزدی - بله، این هم چیزی بیشتر از این نیست.

آقای مؤمن - اشکال من بر این عنوان «اوراق بهادار غیرانتفاعی» است. مگر این ورقه‌ها، بهادار است!

آقای مدرسی یزدی - نه، این اوراق بهادار یعنی بها برای آخرت دارد. معنای عبارت بند الحاقی (۱۶) این است.

آقای علیزاده - نه، ببینید این منظور نیست.

آقای مؤمن - اوراق بهادار، قیمت بازاری دارد.

آقای مدرسی یزدی - نه حاج آقا، مراد از اوراق وقفی با تعریفی که ارائه شده است، اوراقی که در بازار قیمت دارد، نیست.

۱. «مسئله ۸- قبض در صحت وقف شرط است. ... وقف بر جهات عمومی و مصالح آنان مانند مساجد و آنچه که بر آنها وقف شده پس اگر واقف، برای آن قیم و متولی قرار بدهد قبض او یا حاکم معتبر است و احتیاط آن است که با وجود اولی به قبض حاکم اکتفا نشود و در صورت نبود قیم، حاکم متعین می‌شود. ...»

مسئله ۱۴- اگر واقف قبل از قبض بمیرد، وقف باطل می‌شود و به ورثه می‌رسد. موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریرالوسیله، ترجمه علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۲۱، ۱۴۲۵ ه. ق، ج ۳، صص ۱۱۳-۱۱۵

مردن و نمردن مُصالح در اینجا چه تأثیری دارد؟

آقای مؤمن - پول چطور می‌شود؟

آقای مدرسی یزدی - ما هم می‌گوییم که چون صلح شده است، فوت بانوی یا پول‌دهنده دیگر تأثیری در این کار ندارد.

آقای علیزاده - آقایان می‌گویند صلح واقع شده است و کار تمام است.

آقای یزدی - ظاهراً مشکلی ندارد.

آقای مؤمن - ایراد آشکار است. چه کسی می‌گوید که این کار وقف است؟ این چیست آخر؟

آقای یزدی - شخص پول‌دهنده مصالحه کرده است که وجوه پرداختی در اختیار سازمان اوقاف قرار بگیرد تا بعداً این سازمان آن را وقف بکند.

آقای مؤمن - آخر این تعریفی که در بند الحاقی (۱۶) هست، گفته است که اوراق وقفی، اوراق بهادار است.

آقای یزدی - اوراقی را که من با دادن (۱۰۰,۰۰۰) تومان خریدم و به سازمان داده‌ام را بهادار گفته است.

آقای مؤمن - این اوراق که قیمتی ندارد.

آقای یزدی - من این ورقه را (۱۰۰,۰۰۰) تومان می‌خرم. چند نفر هر کدامشان از این ورقه‌ها می‌خرند؛ این ورقه مال سازمان اوقاف است.

آقای مؤمن - حاج‌آقا، این ورقه که ارزش ندارد.

آقای یزدی - این ورقه‌ها ارزش دارد. سازمان اوقاف این اوراق را چاپ می‌کند.

آقای مؤمن - نخیر، این اوراق هیچ ارزشی ندارد و مثل حواله است.

آقای یزدی - چرا؛ این اوراق ارزش دارد. چون این پول داده می‌شود تا بعداً سازمان اوقاف با آن کار خیر انجام دهد. من می‌گویم این اوراق دارای اعتبار است. همین اعتبار است که دولت به سازمان اوقاف اجازه داده است که بتواند این اوراق را چاپ کرده و بفروشد و پولش را صرف یک کار خیر بکند.

آقای مؤمن - این اوراق که قیمتی ندارد.

آقای یزدی - بله، هر کسی که بخواهد پول می‌دهد و این اوراق را می‌خرد و ظاهراً از آن پول که داده است در کار خیر استفاده می‌شود. ماهیت اوراق بهادار همین است دیگر؛ روشن است.

آقای مؤمن - این اوراق وقفی چیست؟ مثل پولی است که قیمت دارد یا خود پول است؟

آقای مدرسی یزدی - اصلاً این اوراق قیمتی ندارد.

آقای مؤمن - خب، پس چرا به آن اوراق بهادار گفته‌اند؟

آقای مدرسی یزدی - اسم اوراق وقفی را اوراق بهادار غیرانتفاعی گذاشته‌اند.

آقای مؤمن - پس یک چیز غیرواقعی است.

آقای یزدی - اعتبار است.

آقای مؤمن - اعتبار دروغی است!

آقای جنتی - خود قانونگذار «اوراق وقفی» را در این بند الحاقی معنی کرده است.

آقای مؤمن - حاج‌آقا، لطف کنید آخر. شما می‌گویید پولی به یک مؤسسه، بانک یا هر جای دیگری داده شده است تا ...

آقای یزدی - در این بند الحاقی، اصلاً بانک مطرح نیست؛ سازمان اوقاف موضوع این بند است.

آقای مؤمن - سازمان یا هر کس دیگری که مطرح باشد.

آقای یزدی - به سازمان اوقاف اجازه داده شده است که ورقه‌ای را چاپ بکند و روی هر ورقه مثلاً بنویسد (۱۰۰,۰۰۰) تومان. بعد (۱۰۰) تا (۱۰۰,۰۰۰) تومان را از (۱۰۰) آدم خیر بگیرد. این اشخاصی هم که این (۱۰۰,۰۰۰) تومان‌ها را داده‌اند، به سازمان اجازه می‌دهند تا وقتی که مقدار قابل توجهی پول جمع شد، یک مسجد یا یک پل بسازد و یا با آن کار خیر انجام بدهد. این از قراردادهای صد درصد (۱۰۰٪) عرفی، عقلایی، شرعی و اجتماعی است [که درست است].

آقای مؤمن - حاج‌آقا، آن وقت این باعث می‌شود که این کاغذ و ورقه قیمت پیدا کند؟!

آقای مدرسی یزدی - نه آقا، لازم نیست که قیمت پیدا بکند.

آقای مؤمن - پس قیمت پیدا نمی‌کند؛ من این را قبول دارم.

آقای یزدی - بله، من این کاغذ را (۱۰۰,۰۰۰) تومان می‌خرم. یعنی آدم‌های عاقل این ورقه‌ها را در بازار به قیمت (۱۰۰,۰۰۰) تومان از سازمان اوقاف می‌خرند. [اگر قیمت ندارد، پس] چرا می‌خرند؟

آقای مؤمن - این اوراق اصلاً قیمتی ندارد.

آقای یزدی - قیمت دارد؛ چون سازمان اوقاف مجاز شده است که روی این اوراق و برگه‌ها بنویسد (۱۰۰,۰۰۰) تومان؛ یک برگه‌ی دیگری را (۵۰,۰۰۰) تومان و برگه‌ی دیگری را هم مثلاً (۵,۰۰۰) تومان بنویسد. هر کسی با توجه به قیمتی که روی این کاغذها نوشته شده است، این اوراق را می‌خرد؛ چون این برگه‌ها متعلق به سازمان است، این پول را به سازمان واگذار می‌کند و بعداً سازمان با آن پول‌ها مثلاً مسجد می‌سازد. بحثش هم خیلی روشن است. حالا خیلی بحث نکنیم.

آقای مدرس‌یزدی - گفته شده است که «متن زیر جایگزین بند الحاقی (۳۱) می‌شود».

منشی جلسه - نه، بند الحاقی (۲۸) را عرض کردم. ایراد بعدی ما در مورد بند الحاقی (۳۱) بوده است که آن را حذف نکرده‌اند و یک متنی را جایگزین آن کرده‌اند. متن اصلاحی این است: «متن زیر جایگزین بند الحاقی (۳۱) می‌شود:

به دولت اجازه داده می‌شود در سال ۱۳۹۲ نرخ خدمات توزیع فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی فشرده را معادل قسمتی از ارزش فرآورده‌های قابل عرضه با تصویب شورای اقتصاد تعیین و اعمال نماید.»

آقای علیزاده - ببینید، در کمیسیون قرار شد که این بند الحاقی را حذف کنند که کردند؛ اما بعد مثل اینکه دوباره آورده‌اند. توجه‌شان این است که می‌گویند جایگاه‌داران می‌خواهند جایگاه‌های عرضه‌ی سوخت را تعطیل کنند. کسی هم با این شرایط قبول نمی‌کند که جایگاه جدید احداث کند. من آنجا در کمیسیون این را قبول نکردم ولی ظاهراً در صحن مجلس این متن را تصویب کرده‌اند و اینجا آورده‌اند. ظاهراً با این متنی که الان جایگزین شده است، بند الحاقی (۳۱) اشکال ندارد.

آقای اسماعیلی - بله، این بند الحاقی اشکالی ندارد.
منشی جلسه - حاج‌آقا، در این بند الحاقی گفته است «در سال ۱۳۹۲».

آقای علیزاده - بله، گفته‌اند که در سال ۱۳۹۲ دولت بیاورد این کار را بکند. حضرات آقایانی که با اصلاح به عمل آمده در این بند الحاقی، همچنان ایراد دارند، بفرمایند.

آقای یزدی - در اینجا چون گفته است که «معادل قسمتی از ارزش فرآورده‌های قابل عرضه با تصویب شورای اقتصاد»، اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - بله.

آقای مؤمن - خیلی خوب، باشد؛ می‌گویید که این بند الحاقی مغایر با شرع نیست، مسئولیتش با خودتان است. با این توصیف شما، هر چیزی قیمت پیدا کرد؛ کاغذ، قیمت پیدا کرد.

آقای یزدی - بفرمایید آقا [ایراد بعدی را بخوانید]. معطل نشویم دیگر. این بحث‌ها روشن است.

آقای مؤمن - بسیار خوب، معطل نشویم.

آقای جنتی - حداکثر این است که این بند الحاقی را خلاف شرع نمی‌دانیم.

آقای مؤمن - خیلی خوب.

آقای علیزاده - آقایانی که این تعریف از اوراق وقفی در این بند الحاقی را خلاف شرع می‌دانند، رأی بدهند.

آقای مؤمن - من می‌گویم این تعریف خلاف شرع است.

آقای علیزاده - خیلی خوب، حضرت آیت‌الله مؤمن رأی به خلاف شرع بودن دارند. برویم.

آقای سلیمی - مصوبه‌ی اصلاحی مجلس را هم رأی بگیرید.

آقای علیزاده - ما در ایرادمان به مصوبه‌ی اولیه‌ی مجلس، نسبت به عدم تعریف اوراق وقفی ایراد داشتیم.

آقای سلیمی - ابهام گرفته بودیم.

آقای علیزاده - بله، حالا با این تعریفی که ارائه شده است، آن ابهام رفع شده است.

آقای یزدی - اوراق وقفی را تعریف کرده‌اند و حالا این بند الحاقی اشکالی ندارد.

آقای علیزاده - و بعد هم، آیا این بند الحاقی اصلاحی، اشکالی دارد یا ندارد؟

آقای یزدی - اشکال ندارد.

آقای علیزاده - خیلی خوب، ادامه بدهیم.

منشی جلسه - در مورد بند الحاقی (۲۸) مصوبه هم، باز ایراد غیر بودجه‌ای بودن داشتیم^۱ که مجلس این بند را در مصوبه‌ی اصلاحی حذف کرده است.^۲

آقای علیزاده - [آن ایراد غیر بودجه‌ای بودن فقط] یک مورد نیست.

۳. بند الحاقی (۳۱) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «بند الحاقی ۳۱- به منظور برطرف کردن مشکلات مربوط به جایگاه‌های عرضه سوخت و ایجاد انگیزه لازم برای ورود بخش خصوصی به فعالیت جایگاه‌داری، از تاریخ ابلاغ این قانون، نظام کارمزدی به نظام حق‌العمل‌کاری تغییر می‌کند. میزان حق‌العمل باید از قسمتی از ارزش فرآورده‌های قابل عرضه (فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی فشرده) و با توجه به نرخ تورم سالانه اعلام‌شده از سوی بانک مرکزی، وضعیت مجاری عرضه و میزان فروش فرآورده توسط مبادی عرضه با تصویب شورای اقتصاد به عنوان قیمت پایه تعیین و به مرحله اجراء درآید.»

۱. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، مصوب ۱۳۹۲/۳/۷ مجلس: «۱۵- بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۶)، (۵۵)، (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

۲. مصوبه‌ی اصلاحی مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۹ مجلس شورای اسلامی در خصوص بند الحاقی (۲۸): «بند الحاقی (۲۸) حذف می‌شود.»

اصلاح بند الحاقی (۳۷) این متن را اضافه کرده‌اند: «به انتهای پاراگراف اول بند الحاقی (۳۷) متن زیر اضافه می‌شود: استفاده ایثارگران از خدمات درمانی بنیاد شهید و امور ایثارگران منوط به واریز هزینه‌های مربوط از دستگاه اجرایی به بنیاد می‌باشد. اعتبارات این بند از محل ردیف ۱۰۷-۵۵۰۰۰۰ تأمین می‌گردد.»

آقای علیزاده - می‌دانید که این بند الحاقی (۳۷) مربوط به چیست؟ این بند می‌گوید که ایثارگرانی که در دستگاه‌های دولتی کار می‌کنند، مجازند از همان بیمه‌های آن دستگاه استفاده کنند یا بروند از دستگاه‌های بیمه‌ی مربوط به بنیاد شهید استفاده کنند. ما گفتیم که اگر این ایثارگران به بنیاد شهید مراجعه کنند، بنیاد شهید هزینه‌های بیمه را از کجا باید تأمین کند؟ الان آمده‌اند گفته‌اند که دستگاه‌های اجرایی هزینه‌های درمانی این ایثارگران را کسر کنند و به بنیاد شهید بدهند. البته این مقدار هم کفاف آن هزینه‌های بنیاد شهید برای درمان ایثارگران را نمی‌دهد؛ ولی می‌گویند یک آقای معلولی - مثل آقای جهان‌باز - که یک چشمش را از دست داده است، دستگاه دولتی برای گذاشتن چشم مصنوعی، به او هیچ پرداخت بیمه‌ای نمی‌دهد؛ در حالی که بنیاد شهید همین را با بیمه حساب می‌کند. من هم گفتم پس این حکم کسر کردن را یک طوری بگویید که از آن ردیف هزینه‌ای دستگاه‌های اجرایی بیاورند؛ این‌طور آورده‌اند و حل کرده‌اند.

منشی جلسه - ایراد بعدی ما به بند الحاقی (۴۰)^۳ است که ایراد به غیر بودجه‌ای بودن آن بوده است.^۴

آقای علیزاده - آن را حذف کرده‌اند.

منشی جلسه - نه حاج‌آقا، کلمه‌ی «کلیه» را از ابتدای این بند و



سقف اعتبارات هزینه‌ای خود اقدام نمایند.»

۳. بند الحاقی (۴۰) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «بند الحاقی ۴۰- کلیه کارگاه‌های کشاورزی مشمول نظام صنفی کشاورزان، در شمول قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ و اصلاحات بعدی آن است. آیین‌نامه اجرای قانون مذکور توسط وزارت جهاد کشاورزی و صندوق تأمین اجتماعی ظرف یک‌ماه از تصویب قانون تهیه می‌شود و به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.

تبصره الحاقی- برای استفاده از این معافیت ارائه قولنامه محلی یا اسناد عادی اراضی کشاورزی مورد تأیید جهاد کشاورزی شهرستان ذی‌ربط بدون توجه به میزان و متراز، کافی است.»

۴. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، مصوب ۱۳۹۲/۳/۷ مجلس: «۱۵- بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۶)، (۵۵)، (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

منشی جلسه - ایراد بعدی ما [در نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳] به بند الحاقی (۳۴)^۱ و در مورد غیر بودجه‌ای بودن آن بند بود که حالا گفته‌اند: «با اصلاح جزء (۱۷)- (۳) به این نحو که عبارت «تولید آب شیرین از روش‌های حرارتی بازیافتی» بعد از عبارت «نسبت به» اضافه شود، بند الحاقی (۳۴) حذف شد.»

آقای علیزاده - چه گفتند؟

منشی جلسه - حاج‌آقا، این بند (۱۷-۳) را با هم بررسی کردیم که فرمودید ایراد ندارد. مجلس بند الحاقی (۳۴) را حذف کرده است.

آقای علیزاده - خیلی خوب، برویم دیگر. بند (۱۷-۳) را اصلاح کرده‌اند که آن را هم در بالا خواندیم و گفتیم که بند (۱۷-۳) ایراد ندارد. یادتان می‌آید؟

منشی جلسه - اصل این بند الحاقی (۳۴) را حذف کرده‌اند.

آقای علیزاده - بند (۱۷-۳) را قبلاً اصلاح کرده‌اند که به آن اصلاح ایراد نگرفتیم. این عبارت «تولید آب شیرین از روش‌های حرارتی بازیافتی» را به بند (۱۷-۳) اضافه کرده‌اند و این بند الحاقی (۳۴) را هم حذف کرده‌اند. تمام شد. آن عبارت را به آن بند اضافه کرده‌اند و این بند الحاقی را هم به طور کلی حذف کرده‌اند. آنجا که این عبارت را اضافه کرده‌اند، گفتیم اشکال ندارد. این بند الحاقی هم که حذف شده است.

منشی جلسه - در بند (۱۳) نظرم آن [در نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳] گفته بودیم که «بندهای (۶۵)، (۶۶) و الحاقی (۳۷)،^۲ از حیث عدم ذکر منبع اشکال دارد.» برای

۱. بند الحاقی (۳۴) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «بند الحاقی ۳۴- به منظور حمایت از تولید همزمان آب شیرین و برق با استفاده از روش تبخیری، وزارت نیرو مکلف است علاوه بر پرداخت قیمت خرید تضمینی آب تولیدی از محل منابع موجود داخلی، مبلغی معادل یارانه برق پرداخت‌شده به تولید هر متر مکعب آب شیرین در روش تراوایی (اسمز) معکوس به تولیدکنندگان روش تبخیری پرداخت نماید.»

۲. بند الحاقی (۳۷) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «بند الحاقی ۳۷- ایثارگران بازنشسته و شاغل در دستگاه اجرایی و افراد تحت تکفل آنها مختیر به استفاده از خدمات بیمه و درمان تکمیلی و صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی مربوطه از دستگاه اجرایی متبوع یا بنیاد شهید و امور ایثارگران می‌باشند.

در اجرای بند (ب) ماده (۴۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران دستگاه‌های اجرایی مکلفند نسبت به تأمین صد درصد (۱۰۰٪) هزینه‌های درمانی ایثارگران شاغل و افراد تحت تکفل آنان از



بند هزینه روی دست دولت گذاشته است.

آقای علیزاده - قرار بود این بند را حذف کنند؛ ولی خب حذف نکرده‌اند.

آقای یزدی - نه، با حکم این بند، نه درآمد دولت کم می‌شود، نه برای دولت هزینه دارد.

آقای علیزاده - در این بند الحاقی مجلس می‌خواهد بگوید که منظور از واژه‌ی «تولیدی» در آن قانون، کشاورزی هم هست.

آقای مدرسی یزدی - خب، حالا این بند همچنان ایراد دارد و باید ایراد آن را درست بکنند.

آقای جنتی - به مصوبه‌ی بودجه که ایراد مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی نمی‌گیریم.^۴

آقای مدرسی یزدی - چرا آقا، مبنای شما که دلیل نمی‌شود.

آقای علیزاده - مصوبه‌ی بودجه که ایراد مغایرت با اصل (۷۵) ندارد.

آقای جنتی - ما در مورد مصوبه‌ی بودجه می‌گوییم که سقف بودجه نباید دست بخورد.^۵

آقای مدرسی یزدی - این بند الحاقی اصلاً متعرض جبران بار مالی‌اش نشده است؛^۶ وقتی متعرض نشده است، اشکال مغایرت با اصل (۷۵) دارد.

آقای رهپیک - نه، اشکال ما به بند الحاقی (۴۰) این بود که ماهیت بودجه‌ای ندارد.

آقای مدرسی یزدی - حالا هم همین‌طور است [و اشکال همچنان باقی است].

آقای رهپیک - خب، همان اشکال قبلی باقی مانده است.

تبصره‌ی الحاقی آن بند را حذف کرده‌اند.^۱

آقای یزدی - تبصره‌ی بند الحاقی (۴۰) را حذف کرده‌اند و از ابتدای این بند الحاقی هم کلمه‌ی «کلیه» را حذف کرده‌اند. در نتیجه، الآن با این اصلاح، بند الحاقی (۴۰) به این صورت می‌شود: «کارگاه‌های کشاورزی مشمول نظام صنفی کشاورزان، در شمول قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ و اصلاحات بعدی آن است. آیین‌نامه اجرای قانون مذکور توسط وزارت جهاد کشاورزی و صندوق تأمین اجتماعی ظرف یک‌ماه از تصویب قانون تهیه می‌شود و به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد.»

آقای مدرسی یزدی - الآن محل تأمین اعتبار و بودجه‌ی این بند را مشخص نکرده‌اند.

آقای اسماعیلی - مشکل این بند الحاقی (۴۰) حل نشده است و اشکال باقی است.

آقای علیزاده - الآن به طور کلی در مورد چنین کارگاه‌هایی قانون^۲ داریم که طبق آن، کارگاه‌ها تا پنج نفر کارگر از پرداخت سهم بیمه‌ی کارگران معاف هستند.

آقای مدرسی یزدی - خب، اگر طبق قانون معاف هستند، پس چرا این حکم را در این بند الحاقی (۴۰) آورده‌اند؟

آقای علیزاده - چون در آن قانون کارگاه‌های تولیدی و اینها را گفته است، [در اینجا کارگاه‌های کشاورزی را هم ملحق به کارگاه‌های تولیدی کرده‌اند]. البته قرار شد مجلس این بند را حذف کند. اما به نظر من کارگاه‌های کشاورزی هم به نوعی کارگاه تولیدی است؛ مگر چیز دیگری است؟

منشی جلسه - حاج آقا، با توجه به بند الحاقی (۷۱)،^۳ حکم این بند الحاقی هم یک‌ساله می‌شود دیگر.

آقای مدرسی یزدی - الآن این بند الحاقی قید دیگری دارد؛ این

۱. مصوبه‌ی اصلاحی مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۹ مجلس شورای اسلامی در خصوص بند الحاقی (۴۰): «از ابتدای بند الحاقی (۴۰) کلمه «کلیه» و تبصره الحاقی آن حذف می‌شود.»

۲. قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ با اصلاحات بعدی آن: «ماده واحد- از آغاز سال ۱۳۶۲ کارفرمایان کلیه کارگاه‌های تولیدی و صنعتی و فنی که از خدمات دولتی (از قبیل برق، آب، تلفن، راه) استفاده می‌نمایند تا میزان ۵ نفر کارگر از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما معاف بوده و از ۵ نفر به بالا نسبت به مازاد ۵ نفر حق بیمه را خواهند پرداخت.»

۳. بند (۷۱) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «بند الحاقی ۷۱- احکام این قانون در سال ۱۳۹۲ قابل اجرا است.»

۴. نظریه‌ی مشورتی شماره ۵۵۹۹ مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۷ شورای نگهبان: «نظر مشورتی اکثریت بر این است که اصل (۷۵) قانون اساسی ناظر به پیشنهادهای نمایندگان در لایحه بودجه نمی‌باشد.»

۵. بند (۱) نظریه‌ی تفسیری شماره ۷۸/۲۱/۵۱۴۶ مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۴ شورای نگهبان: «۱- تغییر در ارقام بودجه به نحوی که در کل بودجه تأثیر بگذارد به وسیله طرح قانونی با توجه به اصل (۵۲) قانون اساسی امکان‌پذیر نیست.»

نظریه‌ی تفسیری شماره ۹۲/۳۰/۵۰۰۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱/۳۱ شورای نگهبان: «تغییر در ارقام بودجه به نحوی که شکله بودجه را تغییر دهد، امکان‌پذیر نیست و نتیجتاً خلاف اصل ۵۲ قانون اساسی می‌باشد.»

۶. اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی: «طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.»

آقای مدرسی یزدی - نه، این بند ایراد مغایرت با اصل (۷۵) هم دارد.

آقای علیزاده - اجازه بدهید این بند مراعا بماند تا ببینیم که ایراد دیگری به این مصوبه‌ی اصلاحی بودجه داریم یا نداریم.

آقای مدرسی یزدی - ما به این بند الحاقی (۴۰) ایراد داریم.

آقای علیزاده - من به ایراد قبلی یعنی نداشتن ماهیت بودجه‌ای رأی نمی‌دهم؛ اما اگر ایراد دیگری گرفتید، رأی می‌دهم. آقای دکتر اسماعیلی می‌گوید که این بند بماند تا آخر سر ببینیم که ایراد دیگری داریم یا نه.

آقای مدرسی یزدی - چرا؟ حکم این بند چه مجوز شرعی‌ای دارد؟

آقای یزدی - این بند چه ایرادی دارد؟

آقای علیزاده - باید مجوز قانون اساسی نداشته باشیم [تا بتوانیم به آن ایراد بگیریم]؛ مجوز شرعی که نیاز نیست داشته باشیم. اگر مجوز شرعی نداشتیم که مصوبه خلاف شرع نیست.

آقای یزدی - این بند الحاقی می‌گوید که کارگاه‌های کشاورزی هم تا پنج نفر کارگر از پرداخت حق بیمه معافیت دارند؛ یعنی اینکه کارفرمایان این حق بیمه را دیگر نپردازند. یک وقتی پیشنهاد نمایندگان بار مالی اضافی بر هزینه‌های عمومی می‌گذارد، یک وقت هم از درآمد عمومی دولت کم می‌کند. حکم بند الحاقی (۴۰) یعنی اینکه دولت دیگر چنین درآمدی ندارد.

آقای علیزاده - فعلاً بند الحاقی (۴۰) بماند؛ سراغ ایرادهای بعدی برویم.

آقای جنتی - آقای علیزاده، چرا می‌خواهید بماند؟ خب همین جا تمامش کنید.

آقای یزدی - بله.

آقای علیزاده - می‌خواهیم ببینیم که ایراد دیگری به این مصوبه داریم یا نداریم.

آقای اسماعیلی - می‌خواهیم ببینیم ایراد دیگری داریم یا نه.

آقای مدرسی یزدی - من می‌گویم واقعاً این قانون اساسی که به شورای نگهبان می‌گوید اگر ایرادی به مصوبات مجلس دارد، آن ایرادها را بیان کند، آیا اجازه داده است که بی‌خود و بی‌دلیل نسبت به ایرادها تسامح کنیم؟!

آقای یزدی - نه، نمی‌خواهیم تسامح کنیم.

آقای مدرسی یزدی - خب تسامح است دیگر.

آقای یزدی - نه.

آقای علیزاده - [بند الحاقی (۴۲) که در مصوبه‌ی اصلاحی

مجلس حذف شده است.] بند الحاقی (۴۳) را بخوانید.

منشی جلسه - ایراد شورا به بند الحاقی (۴۳)،^۱ غیر بودجه‌ای بودن آن بوده است.^۲ برای اصلاح این ایراد گفته‌اند: «در سطر دوم عبارت «یا شهر یا استان» حذف و عبارت «این قانون در سال ۱۳۹۲» جایگزین کلمه «قانون» می‌شود.» که با این اصلاح صورت گرفته، بند الحاقی (۴۳) این طور می‌شود: «کلیه افرادی که حق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر را پرداخت نموده‌اند، در صورتی که در روستای دیگری نیز ساکن باشند، می‌توانند از مزایای این قانون در سال ۱۳۹۲ استفاده نمایند. این حکم شامل افرادی است که در طول ایام اجرای قانون حق بیمه پرداخت کرده‌اند.»

آقای علیزاده - ایراد شورای نگهبان به این بند این بود که گفتیم شما با این حکم، افراد ساکن در شهر یا استان دیگر را هم مشمول این حق بیمه‌ی اجتماعی روستاییان و عشایر می‌کنید؛ به علاوه حکم این بند را هم دارید دائمی می‌کنید. الآن در اصلاحی که انجام داده‌اند، هم این بند را یک‌ساله کرده‌اند و هم حق بیمه شامل کسانی است که از روستایی به روستای دیگر رفته باشند. این که اشکال ندارد؛ اشکالش رفع شده است.

آقای اسماعیلی - بله، این بند اصلاحی اشکالی ندارد.

منشی جلسه - اشکال بعدی ما راجع به بند الحاقی (۴۵)^۳ بود که باز هم ایراد به غیر بودجه‌ای بودن آن بود.^۴ این بند را به این

۱. بند الحاقی (۴۳) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «بند الحاقی ۴۳- کلیه افرادی که حق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر را پرداخت نموده‌اند، در صورتی که در روستا یا شهر یا استان دیگری نیز ساکن باشند، می‌توانند از مزایای این قانون استفاده نمایند. این حکم شامل افرادی است که در طول ایام اجرای قانون حق بیمه پرداخت کرده‌اند.»

۲. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، مصوب ۱۳۹۲/۳/۷ مجلس: «۱۵- بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۶)، (۵۵)، (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

۳. بند الحاقی (۴۵) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «بند الحاقی ۴۵- در راستای اجرای ماده (۱۷۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، شهرداری‌ها موظفند نسبت به تقسیم عوارض صدور پروانه شهرداری موضوع ماده (۳۲) اصلاحی آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷، به مدت چهل و هشت ماه در کلان‌شهرها و مراکز استان‌ها و شصت ماه در سایر شهرها یا به‌صورت سررسید یکجا اقدام نمایند.»

۴. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، مصوب ۱۳۹۲/۳/۷ مجلس: «۱۵- بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)،

هم ایراد غیر بودجه‌ای بودن داشته که مجلس آن را به این ترتیب اصلاح کرده است: «در سطر دوم بند الحاقی (۵۵) کلمه «موظفند» حذف و در سطر ششم بعد از عبارت «دچار مشکل شده‌اند» عبارت «قادر به پرداخت اقساط تسهیلات دریافتی نیستند.» اضافه می‌شود.»

آقای علیزاده - حاج آقای مدرسی آن روز [در هنگام بررسی مصوبه‌ی اولیه مجلس] فرمودند که حداقل آنهایی که قادر به بازپرداخت تسهیلات هستند، باید بدهی‌های معوق خود را بپردازند؛ مجلس هم در این بند الحاقی در این حد می‌گوید. این حکم سال گذشته هم در قانون بودجه به همین شکل بوده است.^۴ حالا هم مجلس در حال تدوین یک قانون جدید در زمینه‌ی رفع موانع تولید است. مجلسی‌ها گفتند که این بحث بدهی‌های معوق را که در این بند آمده است، در آنجا پیش‌بینی می‌کنند و از ما خواستند که امسال هم یک‌طوری حکم این بند الحاقی در این مصوبه بیاید که گفتیم خیلی خوب. برای همین مجلس در این بند الحاقی (۵۵)، واژه‌ی «موظفند» را حذف کرده است و همچنین

ترتیب اصلاح کرده‌اند: «متن بند (۱۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور به شرح زیر جایگزین بند الحاقی (۴۵) می‌شود: ۱۲- در راستای اجرای ماده (۱۷۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مدت زمان تقسیط عوارض شهرداری‌ها، موضوع ماده (۳۲) قانون آیین‌نامه مالی و معاملاتی شهرداری‌ها^۱ تا شش سال افزایش می‌یابد.»

آقای علیزاده - یعنی به شهرداری‌ها اجازه داده‌اند که بتوانند عوارض را تا شش سال تقسیط بکنند. در قانون آیین‌نامه‌ی مالی شهرداری‌ها، شهرداری‌ها اجازه داشتند که عوارض را تا سی و شش ماه تقسیط بکنند، حالا در این بند گفته‌اند که امسال شهرداری‌ها اجازه دارند اگر خواستند عوارض را تا شش سال تقسیط بکنند.

آقای یزدی - آن چیزهای دیگر این بند هم که حذف شده است. **آقای علیزاده** - عبارت «موظفند» را هم از این بند برداشته‌اند. **منشی جلسه** - بندهای الحاقی (۴۶)، (۵۰) و (۵۲) ایراد غیر بودجه‌ای بودن داشت^۲ که آنها را حذف کرده‌اند. بند الحاقی (۵۵)^۳



انجام تسویه حساب کامل مورد تأیید بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری بخشوده می‌شود به نحوی که در این موارد، نرخ سود تسهیلات جدید حداکثر معادل نرخ سود تسهیلات تعیین‌شده توسط شورای پول و اعتبار باشد. چنانچه اشخاص حقیقی یا حقوقی برای تسویه بدهی‌های معوق خود به بانک‌های عامل مراجعه نمایند به هیئت مدیره بانک‌ها اجازه داده می‌شود با رعایت قوانین و مقررات، برای مطالبات بیش از پنج میلیارد (۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال خود از سایر اموال منقول و غیرمنقول آنان مازاد بر وثایق تحویلی به بانک‌ها اقدام نمایند.»

۴. بند (۲۹) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۲/۳۰: «۲۹- به منظور حمایت از تولید و اشتغال، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دولتی دارای مجوز از بانک مرکزی موظفند با درخواست متقاضی و پس از تأیید هیئت مدیره بانک، اصل و سود اعم از سود قبل و بعد از سررسید تسهیلات ریالی یا ارزی سررسید شده و معوقه پرداختی به اشخاص حقیقی و یا حقوقی بابت فعالیت در امور تولیدی صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدماتی را که در بازپرداخت اقساط تسهیلات دریافتی به دلایل موجه دچار مشکل شده‌اند را برای یک بار و تا پنج سال تقسیط و از سرفصل مطالبات سررسید گذشته و معوق خارج نمایند. همچنین با تأیید هیئت مدیره مذکور جریمه خسارت تأخیر پس از تعیین تکلیف تا آن زمان و انجام تسویه حساب کامل مورد تأیید بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری بخشیده شود به نحوی که در این موارد تفاوتی میان سود قبل و پس از سررسید وجود نداشته باشد. چنانچه اشخاص حقیقی یا حقوقی برای تسویه بدهی‌های معوق خود به بانک‌های عامل مراجعه نمایند به هیئت مدیره بانک‌ها اجازه داده می‌شود با رعایت قوانین و مقررات برای مطالبات بیش از پنج میلیارد (۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال خود از سایر اموال منقول و غیرمنقول آنان مازاد بر وثایق تحویلی به بانک‌ها با حکم مراجع قضایی اقدام نمایند.»



(۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۶)، (۵۵)، (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»
۱. ماده (۳۲) قانون آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها مصوب ۱۳۴۶/۴/۱۲ (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷): «ماده ۳۲- به شهرداری‌های کل کشور اجازه داده می‌شود تا مطالبات خود را با اقساط حداکثر سی و شش ماهه مطابق دستورالعملی که به پیشنهاد شهردار به تصویب شورای اسلامی شهر مربوطه می‌رسد دریافت نماید. در هر حال، صدور مفاسدحساب موقوفه به تأدیه کلیه بدهی مؤدی خواهد بود.» (گفتنی است مفاد این ماده به شرح فوق‌الذکر در ماده (۷۳) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ اصلاح شده است.)

۲. بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، مصوب ۱۳۹۲/۳/۷ مجلس: «۱۵- بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۶)، (۵۵)، (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

۳. بند الحاقی (۵۵) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «بند الحاقی ۵۵- به منظور حمایت از تولید و اشتغال، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی موظفند پس از تأیید هیئت مدیره بانک با درخواست متقاضی، اصل و سود اعم از سود قبل و بعد از سررسید تسهیلات ریالی یا ارزی سررسید گذشته و معوقه پرداختی به اشخاص حقیقی و یا حقوقی بابت فعالیت در امور تولیدی صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدماتی را که در بازپرداخت اقساط تسهیلات دریافتی به دلایل موجه دچار مشکل شده‌اند، برای یک‌بار و تا پنج سال تقسیط و از سرفصل مطالبات سررسید گذشته و معوق خارج نمایند. همچنین جریمه خسارت تأخیر پس از تعیین تکلیف تا آن زمان و



آقای مدرس‌یزدی - عبارت «قادر به پرداخت اقساط تسهیلات دریافتی نیستند» به این بند اضافه کرده است. پس حکم این بند شامل کسانی می‌شود که دچار مشکل شده‌اند و قادر به پرداخت اقساط خود نیستند.

آقای یزدی - حالا به هر صورت، الآن این فردی که تسهیلات گرفته است، نمی‌تواند اقساطش را بدهد.

آقای ره‌پیک - بند الحاقی (۵۵) اشکال دارد؛ ماهیت این بند اصلاً بودجه‌ای نیست.

آقای علیزاده - در بودجه [= قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱] این بحث استمهال بدهی‌های معوق را پذیرفته‌اید؛ ضمن اینکه حالا دارند قانونش را اصلاح می‌کنند [که در قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور آن را به صورت دائمی می‌آورند].

آقای مدرس‌یزدی - نه آقایان، اجازه بفرمایید. این بند الحاقی (۵۵) اشکال شرعی دارد. ما این را مشروع دانستیم که بانک خصوصی با محاسباتی که انجام می‌دهد تسهیلاتی را با شرایط و قرارداد مشخصی به افراد بدهد و اگر تا فلان مدت اقساط آن تسهیلات را بازپرداخت نکنند، فلان مبلغ را باید بپردازند. حالا اگر تسهیلات‌گیرنده‌ای قادر به پرداخت اقساط نباشند ولی مال دیگری داشته باشد، در صورتی که این حکم بند الحاقی (۵۵) نباشد، او باید از اموال دیگرش برداشته و این اقساط را بدهد. در این بند الحاقی (۵۵) گفته شده است که بانک خصوصی، حتی در صورتی که برای تسهیلات‌گیرنده مشکلی ایجاد نمی‌شود، حق ندارد از این افراد تسهیلاتی را که داده است، پس بگیرد. حکم این بند به این صورت علی‌الاطلاق درست نیست؛ اگر عدم توان پرداخت اقساط توسط تسهیلات‌گیرنده را طبق یک فرمول حسابی که نظم اجتماعی بر آن مترتب است محاسبه کنند، می‌توان گفت که این کار اشکال ندارد؛ ولی اگر همین‌طوری بدون حساب گفته باشند که فرد طلبکار نباید پولش را بگیرد، خلاف شرع است.

آقای علیزاده - همین بانکی که شما مجوز داده‌اید، در آن مجوز او را منوط کردید به رعایت بعضی از قوانینی که مجلس وضع می‌کند. بانک، همین‌جوری از طرف خودش و بدون مجوز فعالیت نمی‌کند. پروانه به او داده‌اید، اجازه‌ی فعالیت و بانکداری به او داده‌اید، همه چیز به او داده‌اید؛ گفته‌اید که ما می‌گوییم این افرادی که قادر به بازپرداخت اقساط خودشان نیستند، بیا بدهی این افراد را تقسیم کن؛ فقط جریمه را هم نگیر، سودت را هم بگیر.

این شرط را هم که «قادر به پرداخت اقساط تسهیلات دریافتی نیستند» به این بند اضافه کرده است. پس حکم این بند شامل کسانی می‌شود که دچار مشکل شده‌اند و قادر به پرداخت اقساط خود نیستند.

آقای یزدی - یعنی همان موردی که جناب آقای مدرس‌اشکال می‌کردند که وقتی شخص تسهیلات‌گیرنده توانایی بازپرداخت ندارد، چه کار باید بکند.

آقای سلیمی - عبارت «دچار مشکل شده‌اند» کجای این بند الحاقی (۵۵) است که عبارت «قادر به پرداخت اقساط تسهیلات دریافتی نیستند» بعد از آن اضافه می‌شود؟

آقای علیزاده - نه، به جای عبارت «دچار مشکل شده‌اند»، گفته‌اند که عبارت «قادر به پرداخت اقساط تسهیلات دریافتی نیستند» اضافه می‌شود.

آقای یزدی - «قادر به پرداخت اقساط تسهیلات دریافتی نیستند» یعنی نمی‌توانند قسطشان را بپردازند. واژه‌ی «موظفند» را هم برداشته‌اند.

آقای ره‌پیک - اگر دقت کنید، اشکال قبلی ما به این بند الحاقی (۵۵) رفع نشده است. اشکال قبلی ما این بود که این بند ماهیت بودجه‌ای ندارد. مجلس که از این حیث، این بند الحاقی را تغییر نداده است.

آقای یزدی - بله، بند الحاقی (۵۵) ماهیت بودجه‌ای ندارد.

آقای علیزاده - اجرای حکم این بند را به امسال محدود کردند.

آقای مدرس‌یزدی - نه آقا، کجا گفته شده است که محدود به امسال است.

آقای سلیمی - حاج آقا، آخر مصوبه [در بند الحاقی (۷۱)] گفته‌اند.

آقای علیزاده - در آخرش گفتند که کلیه‌ی احکام این قانون در سال ۱۳۹۲ قابل اجرا است.

آقای مدرس‌یزدی - همان زمانی که به بند الحاقی (۵۵) ایراد گرفتیم، این بند الحاقی (۷۱) هم وجود داشت؛ ولی باز هم ایراد بودجه‌ای نبودن به این بند الحاقی گرفتیم.

آقای سلیمی - به همین جهت [= وجود بند الحاقی (۷۱)]، آقای مؤمن به این ایراد رأی ندادند.

آقای علیزاده - خود شما در زمان بررسی این بند الحاقی فرمودید که تقسیم بدهی افرادی که واقعاً قادر به پرداخت اقساط نیستند، اشکال ندارد که مجلس هم این قید را اضافه کرده است.

آقای یزدی - عیبی ندارد.

درست شده است. ما در [بند (۱۷) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳] گفته بودیم که ذیل اصل (۵۳) قانون اساسی^۳ رعایت نشده است.^۴ این بند الحاقی (۶۷) به این صورت اصلاح شده است که «در سطر سوم بند الحاقی (۶۷) عبارت «حساب خاصی نزد» حذف و عبارت «تا سقف سیصد و نود میلیارد (۳۹۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال» بعد از عبارت «وجوه دریافتی» اضافه می‌شود.» پس اشکال این بند هم رفع شده است.

ایراد بعدی شورا به بند الحاقی (۶۹) بوده است. من بند الحاقی (۶۹) را برای شما یک توضیحی بدهم.

آقای یزدی - ایراد ما [در بند (۱۸) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳] به این بند الحاقی این بود: «بند الحاقی (۶۹)، علاوه بر اینکه ماهیت بودجه‌ای ندارد، مغایر اصل (۱۳۸) قانون اساسی نیز می‌باشد.»

آقای علیزاده - مجلس در بند الحاقی (۶۹) اصلاحی گفته است: «در سال ۱۳۹۲ ستاد تدابیر ویژه مقابله با تحریم موظف است کلیه



از محل حساب مذکور صرفاً جهت آبرسانی شرب روستایی اختصاص می‌یابد. اعتبار مذکور بر اساس شاخص کمبود آب شرب سالم بین استان‌های کشور در مقاطع سه‌ماهه از طریق شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور توزیع می‌شود تا پس از مبادله موافقتنامه بین معاونت برنامه‌ریزی، استانداری‌ها و شرکت‌های آب و فاضلاب روستایی استان‌ها هزینه گردد. اعتبار مذکور حسب وصولی‌ها صد درصد (۱۰۰٪) تخصیص یافته است و وجوه فوق به عنوان درآمد شرکت ذی‌ربط محسوب نمی‌گردد و مشمول مالیات نمی‌شود.»

۳. اصل پنجاه و سوم قانون اساسی: «کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.»

۴. بند (۱۷) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، مصوب ۱۳۹۲/۳/۷ مجلس: «۱۷- بند الحاقی (۶۷) و بند الحاقی پنجم، با توجه به ذیل اصل ۵۳ قانون اساسی اشکال دارند.»

۵. بند الحاقی (۶۹) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «بند الحاقی ۶۹- ستاد تدابیر ویژه مقابله با تحریم موظف است کلیه مصوبات ستاد را از ابتدای تشکیل ظرف پانزده روز بعد از ابلاغ این قانون و همچنین مصوبات ستاد بعد از تاریخ ابلاغ این قانون را ظرف بیست و چهار ساعت پس از تصویب برای رئیس مجلس شورای اسلامی ارسال نماید. چنانچه رئیس مجلس مصوبه‌ای را مغایر این قانون و سایر قوانین تشخیص دهد، موظف است آن را به شورای عالی امنیت ملی ارجاع دهد. این‌گونه مصوبات تنها در صورتی قابل اجراست که طی یک ماه با رعایت اصل یکصد و هفتاد و ششم (۱۷۶) قانون اساسی به تصویب شورای عالی امنیت ملی برسد. این بند رافع مسئولیت ستاد تدابیر ویژه مقابله با تحریم، در برابر قانون نیست.»

آقای مدرس‌یزدی - اگر این شرایطی که شما گفتید، جزء قرارداد اصلی بانک و این افراد باشد، بعید نیست که حکم این بند الحاقی (۵۵) درست باشد.

آقای علیزاده - ببینید، بانک از جانب خودش مطلق‌العنان و دارای اختیار تام که نیست؛ دولت به بانک اجازه‌ی فعالیت [در چارچوب قوانین و مقررات] می‌دهد.

آقای مدرس‌یزدی - بله.

آقای علیزاده - بند الحاقی (۵۵) دارد از او حمایت می‌کند؛ به بانک می‌گوید که تو بیا این کار را بکن.

آقای یزدی - بعد از اینکه واژه‌ی «موظفند» را از این بند بردارید، نتیجه این می‌شود: «به اشخاص حقیقی و یا حقوقی بابت فعالیت در امور تولیدی صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدماتی را که در بازپرداخت اقساط تسهیلات دریافتی به دلایل موجه قادر به پرداخت اقساط تسهیلات دریافتی نیستند، برای یک‌بار و تا پنج سال تقسیط و از سرفصل مطالبات سررسید گذشته و معوق خارج نمایند.»

آقای ره‌پیک - ما این ایراد ماهیت بودجه‌ای نداشتن را برای این بند الحاقی (۵۵) به دلیل دیگری نوشتیم؛ نمی‌خواستیم که صورت این بند درست بشود. در رسیدگی مرحله‌ی قبل هم در مورد این بند الحاقی بحث شد که ماهیت آن اشکال دارد. در این اوضاع و احوال اقتصادی که این همه بدهی و معوقه‌ی بانکی داریم، بند الحاقی (۵۵) این مجوز را می‌دهد که دوباره معوقات بانکی تا پنج سال دیگر برنگردد.

آقای علیزاده - آقایانی که می‌فرمایند اشکال این بند الحاقی کماکان به قوت خودش باقی است، رأی بدهند. مجلس بندهای الحاقی (۵۶) و (۶۳) را هم به کلی حذف کرده است.^۱

در بند الحاقی (۶۷)^۲ هم سقف تعیین شده است. این بند هم

۱. ایراد بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، مصوب ۱۳۹۲/۳/۷ مجلس: «۱۵- بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۶)، (۵۵)، (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه‌ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

۲. بند الحاقی (۶۷) مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «بند الحاقی ۶۷- وزارت نیرو از طریق شرکت‌های آب‌های شهری سراسر کشور مکلف است علاوه بر دریافت نرخ آب‌بهای شهری به ازای هر متر مکعب فروش آب شرب، مبلغ یکصد (۱۰۰) ریال از مشترکین آب دریافت و به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز نماید. صد درصد (۱۰۰٪) وجوه دریافتی



ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد. ریاست هر یک از شوراهای فرعی با رئیس جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس جمهور تعیین می‌شود. حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند.»

آقای مدرسی‌یزدی - [اصلاح مجلس در بند الحاقی (۶۹)، خوب است.

آقای عزیززاده - حالا مجلس در این اصلاحی که انجام داده است، گفته است که در امسال این مصوبات ستاد تدابیر ویژه را به خود اعضای شورای عالی امنیت ملی بدهند و اگر آنها ظرف ۴۵ روز مورد گفتند که این مصوبه ایراد ندارد، آن مصوبه اجرا می‌شود؛ آنها حق دارند تا ۴۵ روز بگویند که مصوبه‌ی ستاد تدابیر ویژه اجرا بشود یا نشود.

آقای مدرسی‌یزدی - خوب است.

آقای مؤمن - رئیس مجلس هم که [از اعضای اصلی شورای عالی امنیت ملی است].

آقای یزدی - [در این بند عبارت] در سال ۱۳۹۲ [تصریح شده است].

آقای عزیززاده - با اصلاحی که در بند الحاقی (۶۹) صورت گرفته است، آن ایراد اصل (۱۳۸) هم برطرف شده است.



۲- هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی-امنیتی.

۳- بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.

اعضای شورا عبارتند از:

- رؤسای قوای سه‌گانه

- رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح

- مسئول امور برنامه و بودجه

- دو نماینده به انتخاب مقام رهبری

- وزیر امور خارجه، کشور، اطلاعات

- حسب مورد وزیر مربوط و عالی‌ترین مقام ارتش و سپاه

شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد. ریاست هر یک از شوراهای فرعی با رئیس جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس جمهور تعیین می‌شود.

حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می‌رسد.

مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام معظم رهبری قابل اجراست.»

مصوبات خود را که دارای آثار اقتصادی، مالی و تجاری و مرتبط با این قانون است، طی بیست و چهار ساعت پس از تصویب کتباً برای کلیه اعضای اصلی شورای عالی امنیت ملی ارسال نماید. هر یک از اعضاء اگر مصوبه را خلاف قانون یا مصلحت کشور تشخیص دهند، می‌توانند لغو آن را از رئیس شورا تقاضا کنند. در این صورت، مصوبه ستاد تدابیر در جلسه شورای عالی امنیت ملی مطرح و در صورت تصویب با رعایت اصل یکصد و هفتاد و ششم (۱۷۶) قانون اساسی قابل اجرا است. چنانچه هیچ عضوی طی پنج روز از تاریخ دریافت مصوبه ستاد تدابیر، تقاضای لغو آن را نکند، مصوبه قابل اجرا است. مفاد این بند رافع مسئولیت قانونی ستاد تدابیر ویژه و اعضای آن نیست.» مجلس در بند الحاقی (۶۹) آورده بود که مصوبات ستاد تدابیر ویژه‌ی مقابله با تحریم برای رئیس مجلس ارسال شود [که ما به آن ایراد گرفتیم]. شورای عالی امنیت ملی ستادی را متشکل از چند وزیر با ریاست آقای رحیمی [معاون اول رئیس جمهور] ایجاد کرده است. آقایان [= نمایندگان مجلس] می‌گویند که در ستاد تدابیر ویژه مصوب کرده‌اند که فلان مقدار از صندوق ذخیره‌ی ارزی بردارند و خرج کنند. مجلس مدعی است که با تصویب بند الحاقی (۶۹) در بودجه‌ی امسال می‌خواسته جلوی این اقدام را بگیرد و بعد هم قانون دائمی برای آن ستاد تصویب کند. در مصوبه‌ی اولیه گفته بودند که مصوبات این ستاد را باید رئیس مجلس تأیید کند که ما گفتیم این خلاف اصل (۱۳۸) است. حالا در این مصوبه آمده‌اند و حکم جدیدی گفته‌اند که این مصوبات را برای ...

آقای اسماعیلی - بله، از خود شورای عالی امنیت ملی تقاضا کرده‌اند [که بر مصوبات ستاد تدابیر ویژه‌ی مقابله با تحریم نظارت کند].

آقای عزیززاده - بله، مجلس در این بند الحاقی (۶۹) اصلاحی گفته است که امسال یعنی در سال ۱۳۹۲ این ستاد هر مصوبه‌ای را که جنبه‌ی مالی و تجاری دارد، برای اعضای شورای عالی امنیت ملی بفرستد؛ چون اصل (۱۷۶) می‌گوید که وظیفه این کمیسیون‌های فرعی را قانون تعیین می‌کند. من یک بار برای شما انتهای اصل (۱۷۶)^۱ را بخوانم که می‌گوید «شورای عالی امنیت

۱. اصل یکصد و هفتاد و ششم قانون اساسی: «به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، «شورای عالی امنیت ملی» به ریاست رئیس جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد.
۱- تعیین سیاست‌های دفاعی-امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین‌شده از طرف مقام رهبری.



آقای مؤمن - این بند هم همین را گفته است.

آقای مدرسی یزدی - نخیر آقا، این بند می‌گوید که «در این صورت مصوبه ستاد تدابیر در جلسه شورای عالی امنیت ملی مطرح»؛ یعنی باید مصوبه‌ی ستاد تدابیر در جلسه شورای عالی امنیت ملی مطرح بشود؛ این بند [در صورت تأیید شورای نگهبان] یک قانون عادی است و نمی‌تواند چنین چیزی را بگوید. مجلس نمی‌تواند طرح مصوبه‌ی ستاد تدابیر در جلسه‌ی شورای عالی امنیت ملی را الزام کند.

آقای مؤمن - آنچه در این بند الحاقی گفته، الزام نیست.

آقای مدرسی یزدی - چرا دیگر.

آقای یزدی - فرض این است که مصوبه‌ی ستاد تدابیر مربوط به صرف یک مبلغی برای این کار است.

آقای مدرسی یزدی - باشد؛ ستاد تدابیر فقط مصوبه‌اش را به شورای عالی امنیت ملی اطلاع بدهد. این بند الحاقی (۶۹) نباید بگوید که این مصوبه در شورای عالی امنیت ملی مطرح بشود.

آقای یزدی - این یک قانون‌گذاری کلی است.

آقای مدرسی یزدی - ستاد تدابیر باید مصوبه‌اش را به شورای عالی امنیت ملی اطلاع بدهد؛ شورای عالی امنیت ملی اگر خواست آن مصوبه را در جلسه‌اش مطرح می‌کند و اگر نخواست، مطرح نمی‌کند.

آقای یزدی - این بند الحاقی می‌گوید که ستاد تدابیر که در سال ۱۳۹۲ می‌خواهد با تحریم مبارزه بکند، اگر تصویب کرد که یک مبلغی باید خرج بکنند، این صورت مصوبه‌اش را به اعضای شورای عالی امنیت ملی بدهد.

آقای مدرسی یزدی - خب، تا اینجا عیبی ندارد.

آقای یزدی - بعد شورای عالی امنیت ملی بررسی می‌کند که آیا این مبالغ صرف بشود یا نشود.

آقای مدرسی یزدی - همین که می‌گوید این مصوبه در شورای عالی امنیت ملی مطرح می‌شود، اشکال دارد.

آقای یزدی - اجازه بدهید. مسائل مربوط به شورای عالی امنیت ملی چون امنیتی است، ستاد تدابیر ویژه هم این پول را برای مبارزه با تحریم می‌خواهد، لذا گفته است که شورای عالی امنیت ملی این مصوبات ستاد را بررسی می‌کند. شورای عالی امنیت ملی اگر دید که واقعاً خرج کردن این مبلغ برای مبارزه با تحریم مناسب است، آن را قبول می‌کند؛ اما اگر دیدند که مناسب نیست، آن را رد می‌کند. این به معنای این نیست که دارند برای شورای عالی امنیت ملی قانون می‌گذارند. اصلاً مناسب‌ترین شخصی هم که

آقای مدرسی یزدی - البته این بند یک ایراد دارد و آن هم اینکه وظیفه‌ای را برای شورای عالی امنیت ملی قرار داده است.

آقای علیزاده - نه.

آقای مدرسی یزدی - چرا دیگر؛ این بند می‌گوید که «در این صورت مصوبه ستاد تدابیر ویژه در جلسه شورای عالی امنیت ملی مطرح و در صورت تصویب با رعایت اصل یکصد و هفتاد و ششم (۱۷۶) قانون اساسی قابل اجرا است». مجلس نمی‌تواند برای شورای عالی امنیت ملی قانون تعیین کند.

آقای اسماعیلی - این قانون برای آن شورای فرعی [مذکور در اصل (۱۷۶) قانون اساسی] است.

آقای علیزاده - بله، قانون برای شورای فرعی شورای عالی امنیت ملی است.

آقای مدرسی یزدی - ولی نه؛ این‌طور نیست؛ چون این بند می‌گوید که «در جلسه شورای عالی امنیت ملی مطرح» می‌شود، یعنی الآن این حکم برای شورای عالی امنیت ملی یک دستور است.

آقای یزدی - این بند گفته است که «اگر مصوبه را خلاف قانون یا مصلحت کشور تشخیص دهند، می‌توانند لغو آن را از رئیس شورا تقاضا کنند. در این صورت مصوبه ستاد تدابیر در جلسه شورای عالی امنیت ملی مطرح» می‌شود.

آقای علیزاده - و این همان تأییدی است که اصل (۱۷۶) قانون اساسی گفته است؛ طبق این اصل مصوبات شوراهای فرعی باید به تأیید شورای عالی امنیت ملی برسد.

آقای مدرسی یزدی - این تغییر باید اصلاح شود؛ چون اگر بابش باز شود، هر روز مجلس وظیفه‌ای را به گردن شورای عالی امنیت ملی می‌گذارد. به این توجه کنید که واقعاً این ایراد مسئله‌ی مهمی است. مجلس نمی‌تواند برای شورای عالی امنیت ملی تصمیم بگیرد. در این بند، مجلس دارد برای شورای عالی امنیت ملی تصمیم می‌گیرد.

آقای مؤمن - برای شورای عالی امنیت ملی تصمیمی نگرفته‌اند.

آقای مدرسی یزدی - چرا؛ حکم این بند الحاقی عملاً همین است.

آقای مؤمن - تکلیف این بند الحاقی، قانون‌گذاری برای شوراهای فرعی است.

آقای مدرسی یزدی - بله؛ ولی اگر گفته بودند که مصوبات شورای فرعی معتبر نیست مگر اینکه شورای عالی امنیت ملی آن مصوبه را تأیید کند، شاید می‌توانستیم بگوییم که ایراد ندارد.

را این طوری تصویب کن یا این طوری علنی اش کن. چه ایرادی دارد؟

آقای یزدی - این بند می گوید که وقتی ستاد تدابیر چیزی را تصویب کرد، شورای عالی امنیت ملی هم آن را ببیند و تصویب کند.

آقای سلیمی - بله، می گوید که ستاد تدابیر مصوبه اش را به شورای عالی امنیت ملی بدهد و اگر آنها اشکال نگرفتند، به آن مصوبه عمل کنند.

آقای یزدی - نه اصلاً ببینید، حکم این بند الحاقی (۶۹) کاملاً عقلایی است. ستاد تدابیر ویژه تصویب می کند تا یک مبلغی را برای مبارزه با تحریم که یک مسئله امنیتی است، خرج بکنند؛ واقعاً ممکن است این مبلغ بی دلیل زیاد یا کم در نظر گرفته شده باشد. چه کسی می تواند [تشخیص دهد که این مبلغ] مناسب است؟ اعضای شورای عالی امنیت ملی برای این کار مناسب هستند.

آقای علیزاده - طرفین بحث روشن است. حضرت آیت الله جنتی، اجازه می فرمایید رأی بگیریم؟ هر کس این اصلاح به عمل آمده را به هر جهت خلاف قانون اساسی می داند، رأی بدهد.

آقای مدرسی یزدی - بند الحاقی (۶۹) از باب اینکه شورای عالی امنیت ملی را الزام کرده است که مصوبه ستاد تدابیر را در جلسه اش مطرح کند، ایراد دارد.

آقای علیزاده - خیلی خوب، نظر ما این است که چنین الزامی در کار نیست.

آقای مدرسی یزدی - حالا شما به این ایراد رأی ندهید.

آقای جنتی - خیلی خوب، رأی نیاورد.

آقای علیزاده - بند الحاقی (۷۰) هم حذف شده است.^۱ در خصوص حذف این بند که فرمایشی ندارید؟

آقای جنتی - بند بعدی را بخوانید.

آقای علیزاده - ما در [بند (۱۹) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان

۱. ایراد بند (۱۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، مصوب ۱۳۹۲/۳/۷ مجلس: «۱۵- بندهای الحاقی (۱۰)، (۲۸)، (۳۱)، (۳۴)، (۴۰)، (۴۲)، (۴۳)، (۴۵)، (۴۶)، (۵۰)، (۵۲)، (۵۶)، (۵۵)، (۶۳) و (۷۰) از آنجا که ماهیت بودجه ای ندارند، مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

۲. بند الحاقی (۷۲) مصوبه ای مجلس در خصوص لایحه بودجه ای سال

می تواند درباره ی هزینه کردن یا هزینه نکردن این پول تصمیم بگیرد، شورای عالی امنیت ملی است؛ چون ستاد مذکور برای مبارزه با تحریم است و اینها [ستاد] نباید همین جوری مبالغی را تصویب بکنند و به نام مبارزه با تحریم در جاهای دیگر خرج بکنند.

آقای مدرسی یزدی - اینکه شما فرمودید توضیح و اوضحات بود. من فقط یک کلمه عرض می کنم. بند الحاقی (۶۹) دارد می گوید که مصوبات ستاد تدابیر باید در جلسه شورای عالی امنیت ملی مطرح بشود. ما می گوییم اگر شورای عالی امنیت ملی نخواهد مصوبات ستاد را در جلسه ی خود مطرح بکند، خلاف قانون کرده است یا نه؟

آقای یزدی - نخواهد مطرح بکند، یعنی چه؟

آقای مدرسی یزدی - یعنی شورای عالی امنیت ملی اصلاً نمی خواهد آن مصوبه ی ستاد را مطرح بکند.

آقای یزدی - یعنی چه که نمی خواهد؟ فرض بر این است که مسئله، امنیتی است؛ وظیفه ی شورای عالی امنیت ملی این است [که آن مسئله را مطرح کند و به آن رسیدگی کند].

آقای اسماعیلی - نه، اصلاً اگر شورای عالی امنیت ملی مصوبه ی ستاد تدابیر را مطرح نکند، چه اتفاقی می افتد؟ مصوبه ی کمیسیون فرعی [بی اثر می شود و قابل اجرا نیست].

آقای علیزاده - بله، آن مصوبه بی اثر می شود.

آقای مدرسی یزدی - این بند الحاقی (۶۹) دارد به شورای عالی امنیت ملی دستور می دهد؛ می گوید که باید مصوبات ستاد تدابیر را در جلسات خود مطرح بکنند.

آقای جنتی - به مصوبه ی ستاد تدابیر رأی ندهد.

آقای مدرسی یزدی - مجلس حق ندارد شورای عالی امنیت ملی را الزام کند که مصوبه ی ستاد را در جلسه ی خود مطرح بکند.

آقای اسماعیلی - چرا حق ندارد؟

آقای مدرسی یزدی - قانون عادی نمی تواند [و حق ندارد برای شورای عالی امنیت ملی تعیین تکلیف کند].

آقای سلیمی - ببینید، اصل (۱۷۶) قانون اساسی می گوید: «حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می رسد. مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام معظم رهبری قابل اجراست». حکم این بند الحاقی (۶۹) که به اینجا نرسیده که شما می گوید دارند این کارها را انجام می دهند. شورای فرعی چیزی را تصویب کرده است، قانون مصوب مجلس می گوید آن

بودیم: «در بند الحاقی (۷۲)، با توجه به اینکه مطابق تبصره ذیل ماده واحده قانون سه دوازدهم بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مقرر گردیده است «با تصویب قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور دولت موظف است از تاریخ ۱۳۹۲/۱/۱ بر اساس قانون مزبور اعمال حساب نماید»، منظور از «تاریخ تصویب» در این بند، روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» مجلس برای رفع این، این بند را به این شکل اصلاح کرده است: «در بند الحاقی (۷۲) عبارت «۱۳۹۲/۱/۱» جایگزین کلمه «تصویب» می‌شود.» یعنی این مصوبه را از اول سال ۱۳۹۲ قابل اجرا دانسته‌اند.

بند الحاقی سوم هم [که ایراد گرفته بودیم، در مصوبه‌ی اصلاحی مجلس] حذف شده است.^۱

منشی جلسه - حاج‌آقا، آن یک موردی هم که مانده بود، تعیین تکلیف بفرمایید.

منشی جلسه - برای بند الحاقی پنجم^۲ هم به این ترتیب سقف تعیین کرده‌اند: «در سطر دوم بند الحاقی پنجم بعد از عبارت «دارای دهیاری» عبارت «تا سقف یک هزار و پانصد میلیارد (۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال» اضافه می‌شود.»

آقای علیزاده - آن یک مورد مربوط به کجا بود؟ بند چندم بود؟
منشی جلسه - حاج‌آقا، صفحه (۸)، [بند الحاقی (۴۰)].

آقای علیزاده - در مورد بند الحاقی پنجم [در بند (۱۷) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان] گفته بودیم: «... با توجه به ذیل اصل (۵۳) قانون اساسی اشکال دارد» که مجلس برای رفع ایراد گفته است که اجازه‌ی پرداخت آن هزینه تا سقف یکهزار و پانصد میلیارد ریال باشد. پس ایراد این بند هم حل شده است.

آقای سلیمی - نسبت به آن بند رأی بگیریم.
آقای علیزاده - کسانی که معتقدند که ایراد این بند [= بند الحاقی (۴۰)] اصلاح نشده است و ایراد سابق شورای نگهبان به قوت خود باقی است، رأی بدهند.

آقای علیزاده - در مورد بند الحاقی هشتم^۳ [در بند (۵) نظر شماره

آقای اسماعیلی - کدام بند؟
آقای علیزاده - صفحه (۸)، بحث مربوط به معافیت مالیاتی کارگاه‌های کشاورزی.

منشی جلسه - حاج‌آقا، همان بحث مربوط به کارگاه‌های کشاورزی که فرمودید مراعا بماند.

آقای علیزاده - بله، گفتیم که بند الحاقی (۴۰) مراعا بماند تا ببینیم که تکلیف بندهای بعدی چه می‌شود. گفت: «صد بار به لطف و کرمت بخشیدی، این بار به سلطان خراسانم بخش.»

→
۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «بند الحاقی ۷۲- این قانون از تاریخ تصویب لازم‌الاجراء است.»

آقای ره‌پیک - آقا، این بند الحاقی (۵۵) خیلی مشکل دارد. باید در مورد آن بحث کنیم.

۱. ایراد بند (۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، مصوب ۱۳۹۲/۳/۷ مجلس: «۵- بندهای (۱۰)، (۳-۲۴) و همچنین بندهای الحاقی سوم و هشتم، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد.»

آقای علیزاده - بند الحاقی (۵۵) در مورد چیست؟
آقای ره‌پیک - در مورد این است که تسهیلات بازپرداخت نشده‌ی بانک‌ها، پنج سال معوق شود.

۲. بند الحاقی پنجم مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مورخ ۱۳۹۲/۳/۷: «بند الحاقی پنجم- عوارض ساخت و ساز و جرایم تخلفات ساختمانی خارج از حریم شهرها و خارج از محدوده روستاهای دارای دهیاری به حساب خزانه معین استان واریز تا صد درصد (۱۰۰٪) درآمد حاصل آن در جهت توسعه و عمران روستاها میان دهیاری‌های همان استان توزیع و هزینه گردد.»

آقای علیزاده - از بند الحاقی (۵۵) عبور کردیم دیگر.

۳. بند الحاقی هشتم مصوبه‌ی مجلس در خصوص لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «بند الحاقی هشتم- دولت مکلف است در سال ۱۳۹۲ علاوه بر هر گونه عوارض دریافتی برای واردات دخانیات به کشور به ازای هر نخ سیگار وارداتی مبلغ بیست (۲۰) ریال

→
دریافت نماید. پنجاه درصد (۵۰٪) از منابع حاصل به وزارت آموزش و پرورش (سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور) برای ساخت، تکمیل و تجهیز فضاهای ورزشی دانش‌آموزی و پنجاه درصد (۵۰٪) به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای احداث، تکمیل و تجهیز فضاهای فرهنگی دانشگاه‌ها اختصاص می‌یابد.»

←

آقای جنتی - آقای علیزاده، بررسی این مصوبه تمام است دیگر.
آقای علیزاده - بله؛ اگر ایرادی به آن بند الحاقی (۴۰) ندارید، تمام است. آقایانی که به این بند الحاقی (۴۰) ایراد دارند، بفرمایند.

آقای جنتی - آقای علیزاده، پس نظر شورای نگهبان در مورد این مصوبه‌ی بودجه را به مجلس بدهید.

آقای علیزاده - بررسی مصوبه‌ی بودجه تمام است. به آقای لاریجانی [= رئیس مجلس شورای اسلامی] اطلاع بدهید که من می‌خواهم با ایشان صحبت کنم. یک نامه‌ی فوری هم به مجلس بنویسید که اشکال‌های مصوبه‌ی مجلس در مورد بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور رفع شده است، ان‌شاءالله.

آقای جنتی - جواب نامه‌ی مجلس در خصوص بودجه را بنویسید و همین الآن برای مجلس بفرستید.

آقای علیزاده - آقای لاریجانی [= رئیس مجلس شورای اسلامی] گفته است که نتیجه‌ی بررسی بودجه را به من خبر بدهید. من به ایشان خبر بدهم که اشکالات آن، حل شده است.^۱

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۴۹ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۲۴۹/۱۶۷۴۹ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ و پیرو نامه شماره ۹۱/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳، لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور که با اصلاحاتی در جلسه مورخ نوزدهم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و دو به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

طرح اصلاح ماده (۱۹) قانون انتخابات

ریاست جمهوری اسلامی ایران

منشی جلسه - «طرح اصلاح ماده (۱۹) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران»^۱

آقای علیزاده - این ماده (۱۹) قانون انتخابات [ریاست جمهوری اسلامی ایران] را اصلاح کرده‌اند. من متن آن را بخوانم، بعد جناب عالی [= دکتر اسماعیلی] توضیحات را بفرمایید. مفاد طرح اصلاحی این است: «ماده واحده- در ماده (۱۹) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران اصلاحی مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲۶ و تبصره آن، عبارت «شماره ملی» به جای عبارت «کارت ملی» جایگزین می‌شود.

تبصره- این قانون از تاریخ تصویب، لازم‌الاجراء است.» در ماده (۱۹) قانون سابق این‌طور بود که باید کارت ملی را همراه شناسنامه داشته باشند.^۲ الآن این اصلاحیه می‌گوید: [به جای کارت ملی،] فقط شماره ملی را بدهند، کافی است. گویا اجرای ماده (۱۹) فعلی، مشکل داشته و لذا آن را اصلاح کرده‌اند. [جناب آقای دکتر اسماعیلی] بفرمایید، شما بهتر در مورد این موضوع اطلاع دارید.

آقای اسماعیلی - این طرح در هیئت اجرایی خیلی مفصل بحث شد. این هم پیشنهاد ما بود. حاج‌آقا، آن روزی که طرح اصلاح قانون انتخابات به اینجا آمد،^۳ من دقیقاً یادم است که ما در خود

شورا خیلی بحث کردیم. در [ماده (۲)] مصوبه گفته بودند: برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، ارائه شناسنامه و کارت ملی لازم است. خب، همان موقع در شورا خیلی بحث کردیم که خیلی‌ها کارت ملی نگرفته‌اند و یا خیلی‌ها ممکن است [در زمان رأی دادن، کارت ملی] همراهشان نباشد و این مشکلاتی که بود بیان شد، ولی به هر حال آن مصوبه در شورا تأیید شد. در هفته‌ی گذشته، وزیر کشور در جلسه‌ی هیئت اجرایی، گزارشی از پیش‌بینی سطح مشارکت ارائه داد که یک مقدار نگران‌کننده بود. خب، یکی از دلایل همین بود که خیلی‌ها کارت ملی ندارند و هنوز آن را نگرفته‌اند و یا خیلی‌ها [در زمان رأی‌گیری، کارت ملی خود را] همراه ندارند. از اینها مهم‌تر این است که انتخابات ریاست جمهوری به همراه انتخابات شوراهای شهر و روستا دارد برگزار می‌شود. در قانون انتخابات شوراهای، فقط ارائه‌ی شناسنامه [برای شرکت در انتخابات] کافی است.^۴ الآن طرف که پای صندوق می‌رود، اگر کارت ملی نداشته باشد، برای شوراهای او رأی می‌گیرند، ولی برای ریاست جمهوری از او رأی نمی‌گیرند. این تفاوت آرا فردا ممکن است خودش موجب یک فتنه بشود که چطور مثلاً [آمار رأی‌دهندگان در یکی از این انتخابات‌ها] کم شد یا زیاد شد و از این حرف‌ها. آنجا خیلی بحث شد. کارشناس‌هایشان هم آمده بودند. من از آنها پرسیدم چه چیز مشکل را حل می‌کند؟ گفتند در سیستمی که ما داریم، اگر به جای «کارت ملی» بگویید «شماره ملی»، مشکل حل می‌شود.

آقای مدرس‌یزدی - محاسبه‌اش می‌کنند.

آقای اسماعیلی - بله، اگر کسی کارت ملی داشت که هیچی، رأی می‌دهد؛ ولی اگر نداشت، در سیستم رایانه‌ای شماره‌ی ملی افراد هست. تا نامشان را در سیستم وارد کنند، خودبه‌خود شماره‌ی ملی آنها می‌آید. بنابراین، میزان مشارکت محفوظ باقی می‌ماند و بعداً هم خدای نکرده نسبت به سلامت انتخابات جای هیچ اشکال و ایرادی به وجود نمی‌آید. آن‌وقت آنجا قرار شد که من بروم با مجلس صحبت کنم. [به مجلس] رفتیم و این پیشنهاد را دادیم که به جای «شناسنامه و کارت ملی» بگویید «شناسنامه و شماره ملی». اگر کسی کارت ملی داشت، خب قیِّها، اگر نداشت،

۴. ماده (۱۸) قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱: «ماده ۱۸- در هر نوبت انتخابات، هر شخص واجد شرایط حق دارد فقط یک بار در یک شعبه اخذ رای با ارائه شناسنامه رأی دهد.»

۱. طرح اصلاح ماده (۱۹) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۳۲۰/۱۶۹۱۰ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان پس از بررسی این مصوبه در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰، نظر خود مبنی بر عدم مغایرت این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۶۰ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. ماده (۲) قانون اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۲۶: «ماده ۲- در ماده (۱۹) قانون و تبصره آن، بعد از کلمه «شناسنامه»، عبارت «و کارت ملی» اضافه می‌گردد.»
ماده (۱۹) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۴/۵: «ماده ۱۹- در هر مرحله انتخاباتی، هر شخص واجد شرایط می‌تواند فقط یک بار با ارائه شناسنامه خود رأی دهد.»

۳. طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران که در تاریخ ۱۳۹۱/۹/۲۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۶ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

در دستگاه برایش [شماره‌ی ملی را جست‌وجو می‌کنند و با ثبت شماره‌ی ملی، به او اجازه‌ی رأی دادن می‌دهند]. این دلیل ارائه‌ی این طرح و تصویب آن است.

آقای یزدی - خب حالا رأی بگیرید دیگر. الآن می‌شود رأی گرفت.

آقای مدرسی یزدی - معلوم است که این اصلاحیه، خلاف قانون اساسی نیست.

منشی جلسه - پس طرح اصلاح ماده (۱۹) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، خلاف شرع که نبود، خلاف قانون اساسی هم نیست.

آقای علیزاده - تمام شد؟

منشی جلسه - بله حاج‌آقا.

آقای علیزاده - خلاف تشخیص داده نشد؟

منشی جلسه - نه حاج‌آقا.^۱

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۶۰ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۳۲۰/۱۶۹۱۰ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰، طرح اصلاح ماده (۱۹) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران که در جلسه مورخ بیستم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و دو به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

طرح اصلاح موادی از قانون آیین‌نامه داخلی

مجلس شورای اسلامی (اعاده شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - دستور بعدی جلسه، بررسی «طرح اصلاح موادی از قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی»^۱ است.

آقای یزدی - رسیدگی به این مصوبه خیلی وقت نمی‌برد؛ فقط دو مورد خیلی جزئی است که به بررسی آنها هم می‌رسیم دیگر. یک ساعت هم وقت داریم.

آقای علیزاده - بله.

آقای جنتی - آخر ما یک کار دیگر هم داریم. جلسه‌ی شورای اداری داریم.

آقای علیزاده - پس اجازه بفرمایید حضرت آیت‌الله جنتی بروند. حالا به آن جلسه هم می‌رویم.

آقای جنتی - پس مصوبه را بخوانید. اگر زود تمام بشود حرفی نیست.

آقای یزدی - بله، زود تمام می‌شود.

منشی جلسه - طرح اصلاح موادی از قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی (اعاده شده از شورای نگهبان). اشکال اول شورای نگهبان به این مصوبه [در بند (۱) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۰۵۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۵ شورای نگهبان] این بوده است: «در ماده (۵) موضوع الحاق یک تبصره به ماده (۷۶) قانون، موظف نمودن دستگاه‌ها به مأمور نمودن اشخاص موجب اخلال در نظام اداری صحیح می‌گردد، بنابراین مغایر بند (۱۰) اصل (۳) قانون اساسی است. همچنین اطلاق این تبصره نسبت به تعداد اشخاص در مواردی که نیاز نیست و سبب ایجاد تشکیلات اداری غیر ضرور می‌گردد، مغایر بند (۱۰) اصل (۳) قانون اساسی شناخته شد.»

۱. طرح اصلاح موادی از قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۹۲/۱/۲۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۱۲۶/۳۹۱۶ مورخ ۱۳۹۲/۲/۱ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۲/۴ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۰۰۵۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۵ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. این مصوبه، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۲/۳/۸ مجلس، در مرحله‌ی دوم رسیدگی مجدداً در دستور بررسی شورای نگهبان قرار گرفت که در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۰۰۹۵۱ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

آقای علیزاده - مجلس در اصلاحیه‌ی خود به جای آن عبارت قبلی گفته است: «در تبصره موضوع ماده (۵) طرح، جمله «در این صورت دستگاه موظف است شخص یا اشخاص مزبور را به دفتر ارتباط مردمی نماینده مأمور کند» حذف و جمله «در این صورت با هماهنگی دستگاه مبدأ، درخواست مأموریت افراد مورد نظر معمول و شخص یا اشخاص مزبور به دفتر ارتباط مردمی نماینده مأمور می‌شوند» جایگزین می‌شود.» یعنی خود آنها برای انتقال اشخاص مورد نظر به دفاتر ارتباط مردمی نمایندگان با دستگاه مبدأ هماهنگی کنند و اگر دستگاه مبدأ راضی بود، درخواست مأموریت برای اشخاص مورد نظر بکنند. به جای تکلیف دستگاه‌ها به انتقال کارمندانشان به دفاتر نمایندگان که در عبارت مصوبه‌ی قبلی بود، این عبارت جدید را آورده‌اند.

اشکال بعدی [در همین ماده]، در مورد تعداد افراد مورد نیاز بود که ما گفتیم چرا شما می‌خواهید این همه نیرو را به دفاتر نمایندگان ببرید؟ آیا هر نماینده به این تعداد نیرو نیاز دارد یا ندارد؟ حالا تعداد افراد مورد نیاز هر حوزه انتخابیه را با توجه به تعداد نمایندگان، تعداد شهر و روستا و وسعت و شرایط اقلیمی و جغرافیایی و سایر قابلیت‌های هر حوزه، ملاک گذاشته‌اند که توسط کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس تعیین می‌شود؛^۲ یعنی دیگر همین جوری نیست؛ [شرایط هر نماینده و حوزه انتخابیه‌اش را] می‌بینند و مشخص می‌کنند که این دفتر مثلاً چه تعداد نیرو نیاز دارد.

ایراد بعدی [در بند (۲) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۰۵۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۵ شورای نگهبان] نسبت به ماده (۷) بود. ایراد شورا این بود: «در ماده (۷) موضوع اصلاح ماده (۲۲۳) قانون، منظور از عبارت «طرح استیضاح اعلام وصول می‌گردد» با توجه به مفاد ماده روشن نیست؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» الآن این ماده را به این صورت اصلاح کرده و گفته‌اند: «در ماده (۷) طرح، عبارت «در اولین جلسه علنی، طرح استیضاح اعلام وصول می‌گردد و پس از اعلام وصول، کاهش امضاء تأثیری در مطرح شدن استیضاح در موعد مقرر ندارد مگر اینکه کلیه نمایندگان امضاءکننده از انجام آن صرف‌نظر نمایند» حذف و عبارت «استیضاح در اولین جلسه علنی طرح می‌شود و پس از طرح

۲. مصوبه‌ی اصلاحی مجلس بدین شرح است: «متن زیر بعد از پاراگراف دوم تبصره موضوع ماده (۵) طرح اضافه می‌گردد: تعداد افراد مورد نیاز هر حوزه انتخابیه با توجه به تعداد نمایندگان، تعداد شهر و روستا، جمعیت و وسعت، شرایط اقلیمی و جغرافیایی و سایر قابلیت‌های هر حوزه توسط کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس تعیین می‌شود.»

کمیسیون هم طرفین؛ یعنی وزیر و نمایندگان استیضاح‌کننده را دعوت می‌کند؛ نمایندگان می‌آیند حرف وزیر را گوش می‌دهند؛ وقتی گوش دادند آن وقت ممکن است امضای خود را پس بگیرند. اگر نمایندگان امضای خود را پس گرفتند که فیهما، ولی اگر پس نگرفتند طرح استیضاح در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد و در مجلس طرح می‌شود. وقتی هم که در مجلس طرح شد، دیگر قابل پس گرفتن نیست. یعنی پس گرفتن آن اثری ندارد مگر اینکه همه‌ی امضاکنندگان امضای خود را پس بگیرند. اصل (۸۹) قانون اساسی گفته است: «نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیئت وزیران یا هر یک از وزرا را استیضاح کنند. استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود. هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد بخواهد.» وقتی استیضاح به مجلس آمده و با امضای ده نفر در صحن علنی طرح شده است، دیگر کاهش امضای نمایندگان استیضاح‌کننده، حتی به کمتر از ده نفر، اثری در استیضاح ندارد، مگر زمانی که همه‌ی امضاکنندگان استیضاح امضای خود را پس بگیرند. آقایان اگر به این ماده اشکال دارند، بفرمایند.

آقای جنتی - اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجه^۱.

استیضاح در جلسه علنی کاهش امضای نمایندگان تأثیری در مطرح شدن استیضاح ندارد و وزیر موظف است ظرف ده روز در مجلس حاضر شود» جایگزین می‌گردد.

آقای مؤمن - عبارت را بخوانید، روشن است. پس از اعلام وصول کاهش امضا اثر ندارد مگر اینکه همه‌ی امضاکنندگان برگردند.

آقای علیزاده - نه، آمده‌اند این را اصلاح کرده و گفته‌اند: «عبارت استیضاح در اولین جلسه علنی طرح می‌شود... جایگزین می‌گردد». آن عبارت مشکل‌زای قبلی، به طور کلی حذف شده است. به جایش گفته‌اند: «استیضاح در اولین جلسه علنی طرح می‌شود و پس از طرح استیضاح در جلسه علنی کاهش امضای نمایندگان تأثیری در مطرح شدن استیضاح ندارد و وزیر موظف است ظرف ده روز در مجلس حاضر شود.»

آقای مؤمن - الآن طبق قانون اساسی شده است.

آقای علیزاده - بله، عین قانون اساسی شده است. اول این بود که وقتی طرح استیضاح را اعلام وصول می‌کنند، نمایندگان نمی‌توانند امضای خود را پس بگیرند. مصوبه‌ی فعلی می‌گوید طرح را اعلام وصول می‌کنند، بعد آن را می‌برند در کمیسیون و وزیر را هم دعوت می‌کنند [و طرح استیضاح را با حضور طرفین بررسی می‌کنند]. اگر امضاکنندگان طرح استیضاح قانع شدند و امضای خود را پس گرفتند، که هیچ، ولی اگر پس نگرفتند استیضاح در مجلس طرح می‌شود. وقتی طرح شد، دلایل طرح را می‌گویند و اعلام ...

آقای مؤمن - این جور که طرح نمی‌شود.

آقای علیزاده - آن عبارت قبلی حذف شده است.

آقای اسماعیلی - آن عبارت قبلی را حذف کرده‌اند.

آقای علیزاده - مصوبه‌ی اصلاحی گفته استیضاح در اولین جلسه‌ی علنی طرح می‌شود و بعد از اینکه طرح شد، دیگر قابل پس گرفتن نیست. پس یک «اعلام وصول» داریم، یک «طرح» داریم.

آقای مدرسی یزدی - خب آقا، قبلش را هم بخوانید.

آقای علیزاده - قبلاً عبارت این بوده که: «هیئت رئیسه موظف است در اولین جلسه علنی، استیضاح را اعلام وصول نماید». الآن این عبارت حذف شده و این عبارت جایگزین شده است: «هیئت رئیسه موظف است بلافاصله طرح استیضاح را به کمیسیون تخصصی ذی‌ربط ارجاع نماید. کمیسیون مکلف است حداکثر ...» در پایین این ماده گفته‌اند طرح استیضاح اعلام وصول می‌گردد و بعد از اعلام وصول به کمیسیون می‌رود.

۱. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۵۱ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۱۲۶/۱۵۶۷۰ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۲ و پیرو نامه شماره ۹۲/۳۰/۵۰۰۵۰ مورخ ۱۳۹۲/۲/۵، طرح اصلاح موادی از قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی که با اصلاحاتی در جلسه مورخ هشتم خردادماه یکهزار و سیصد و نود و دو به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»